





سال اول * شماره ۱ * بهار و تابستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سر دبیر: دکتر سرور حسینی

مدیر اجرایی: محمدعلی نظری

ویراستار: محمدعلی نظری

صفحه‌آرا و طراح جلد: نسیم وکیلانی

هیأت تحریریه: دکتر سرور حسینی، دکتر محمدکریم امیری، دکتر غلام‌احیا حسینی، دکتر مصطفی احسانی، استاد روح الله روحانی، استاد عارف رضایی و دکتر سید عزت‌الله احمدی

■ دوفصلنامه علمی تخصصی «یافته‌های علوم قرآنی» مقالات صاحب‌نظران، پژوهشگران و

دانش‌پژوهان فقه قضایی را برای نشر، می‌پذیرد.

■ مقالات، آرای نویسندگان آنها است و لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه «علوم قرآنی» نمی‌باشد.

آدرس: کابل - کارته ۳ - دهبوری - چهارراه شهید - دانشگاه بین‌المللی

المصطفی (ص) - آمریت نشرات

تلفن: ۰۷۸۹۰۱۷۸۱۵

ایمیل: Jf.chiefeditor@miu.edu.af

قیمت: ۱۵۰ افغانی

شیوه‌نامه تنظیم مقاله علمی

ویژگی‌های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع‌دهی، نتیجه‌گیری و منابع معتبر است.
- ۲- مقاله علمی، باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی، دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word»، ارائه گردد و حجم آن کمتر از ۴۰۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۰۰۰ کلمه نباشد.

راهنمای تنظیم شکلی مقاله علمی

۴. قلم و فونت مقالات ارسالی باید از شیوه زیر تبعیت نماید:
۵. عنوان مقاله: با فونت B Nazanin ۱۶ و بولد (پررنگ) (Heading ۱ با این فونت تعریف شود)، مؤلف یا ۶. مؤلفان با فونت B Nazanin ۱۲ پررنگ (Heading ۳ با این فونت تعریف شود).
- در پاورقی همان صفحه اول این اطلاعات باید ذکر شود: عنوان وظیفه مؤلف اول با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل (B Nazanin ۱۰).
- اگر مقاله دو مؤلف یا بیشتر دارد: عنوان وظیفه مؤلف دوم با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل.
۷. در متن اصلی تیترها و عناوین با فونت‌های زیر مشخص گردد:
- تیتر اصلی با فونت B Nazanin ۱۴ و بولد (پررنگ) (Heading ۲ با این فونت تعریف شود)
- تیتر فرعی با فونت B Nazanin ۱۲ و بولد (پررنگ) (Heading ۳ با این فونت تعریف شود)
- متن مقاله با فونت B Nazanin ۱۳ معمولی تایپ شده باشد. (Normal با این فونت تعریف شود)

راهنمای تنظیم ساختاری مقاله علمی

۸. چکیده: عنوان چکیده با فونت B Nazanin ۱۱ پررنگ. متن چکیده بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه و با فونت B Nazanin ۱۱ معمولی. چکیده باید موضوع و هدف مقاله را به اختصار بیان کند، به روش و مهمترین یافته‌های تحقیق اشاره کند. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص معلوم در زمان گذشته استفاده شود. از علائم اختصاری پرهیز شود. ذکر سابقه و اهمیت موضوع در این قسمت لازم نیست.
۹. واژگان کلیدی: حداقل ۵ و حداکثر ۷ واژه که به صورت ایتالیک (مورب) نوشته و با کامه از هم جدا شده باشند و در یک خط قرار گیرند. واژگان کلیدی باید با فونت (B Nazanin ۱۰) ایتالیک باشند.
۱۰. مقدمه: به ترتیب به بیان مسئله، سوال‌ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، می‌پردازد.
۱۱. بدنه مقاله: متنی است، دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن، مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می‌شوند.
۱۲. نتیجه‌گیری: نتیجه متنی است که به دستاوردهای تحقیق که عبارتند از پاسخ به سوال‌های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یا رد گردیده، به صورت مختصر و به دور از عبارت پردازی، آورده می‌شود.
۱۳. ارجاع‌دهی در متن باید به صورت داخل متنی به شیوه APA باشد (مثال: مرادی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴).
- ۱۴- منابع و مآخذ در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند (مثال: کامکاری، کامبیز (۱۳۸۸)، توصیف آماری. تهران: انتشارات بال).

فهرست

- سخن سردبیر..... ۱
- نقش زنان در ایجاد امنیت اخلاقی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات..... ۳
﴿ دکت‌رسید عزت‌الله احمدي و ملکه يعقوبي ﴾
- نقش عقل و عاطفه در تنظيم روابط اجتماعي (از منظر قرآن و حديث)..... ۲۹
﴿ محمد علي نظري ﴾
- جا يگاه مسجد از منظر قرآن و حديث با تأکيد بر کارکردها و آسیب‌های مساجد کابل..... ۵۹
﴿ عبدالمعز رحمانی ﴾
- شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه آیات و روایات..... ۸۹
﴿ حسيبه فيضي ﴾
- مصادیق جرم در قرآن کریم..... ۱۱۵
﴿ قيام الدين ميرزاد ﴾

سخن سردبیر

قرآن کریم به عنوان زیربنایی منظومه فکری اسلام و غنی ترین منبع علوم اسلامی و تنها کتاب مصون مانده از دستبرد بشر و ضامن سعادت و سرچشمه هدایت بشر است. در سایه پربرکت قرآن و در پرتو عمل به قوانین و دستورهای حیات بخش آن، جامعه اسلامی توانست در مدت زمان اندک نیمی از جهان را تسخیر کند و دوران طلایی و شگفت انگیز تمدن اسلامی یکی از شکوهمندترین و افتخارآمیزترین مراحل تاریخ تمدن بشر نام گرفت.

تا زمانی که این مشعل فروزان هدایت، فراراه جامعه اسلامی قرار داشت، سیادت و عظمت، قدرت و شوکت و همه ارزش های والای انسانی در اختیار مسلمانان بود و از آن هنگام که قرآن از صحنه زندگی مسلمانان آرام آرام به حاشیه رانده شد، عزت و عظمت و اقتدار امت اسلامی نیز رو به زوال رفت. بدون تردید علت اصلی عقب ماندگی مسلمانان را باید در پشت کردن آنان به قرآن و مهوریت این منشور جاوید الهی جستجو کرد.

سوگمندانه باید گفت که شناخت مسلمانان از قرآن کریم بسیار سطحی است و در جوامع اسلامی افراد زیادی را می توان یافت که دارای تحصیلات عالی و اکادمیک اند ولی حتی با قرائت صحیح قرآن آشنایی ندارند و شناخت آنان از معارف و علوم قرآنی بسیار ناچیز و اندک است. امروز بیش از هر زمان دیگر، ضرورت حاکم کردن و فرهنگ قرآنی در متن زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان به ویژه در جامعه افغانستان احساس می شود. چراکه بدون رهنمودهای قرآنی و الهی جوامع اسلامی امکان تعالی و پیشرفت را نخواهند یافت.

بهره گرفتن از آموزه های الهی در جهت تکامل و ترقی منوط به درک و فهم درست و عمیق معارف قرآن است و فهم صحیح قرآن وابسته به رویکرد پژوهش محورانه می باشد. با توجه به ضرورت یادشده، دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) افغانستان به ویژه دانشکده علوم اسلامی اهتمام دارد در جهت

توسعه و گسترش پژوهش‌های قرآنی و حدیثی گام‌های استواری بردارد و در همین راستا دوفصلنامه علمی تخصصی «یافته‌های علوم قرآنی» را ایجاد نموده است تا هم مباحث علوم قرآنی و حدیثی به صورت تخصصی در جهت وارد کردن قرآن در صحنه زندگی عملی گردد و هم پژوهش‌های روشمند در حوزه علوم قرآنی نهادینه شود.

در اولین شماره از دوفصلنامه «یافته‌های علوم قرآنی»، مقالاتی با عناوین «نقش زنان در ایجاد امنیت اخلاقی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات»، «نقش عقل و عاطفه در تنظیم روابط اجتماعی از منظر قرآن و حدیث»، «جایگاه مسجد از منظر قرآن و حدیث با تأکید بر کارکردها و آسیب‌های مساجد کابل»، «شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه آیات و روایات» و «مصادیق جرم در قرآن کریم» به زیور طبع آراسته گردیده و تقدیم جامعه علمی و دانش پژوهان گردیده است. دوفصلنامه یافته‌های علوم قرآنی پذیرای آثار علمی محققان است و از هر گونه پیشنهاد و انتقاد سازنده در جهت ارتقای علمی و کیفی نشریه به گرمی استقبال می‌نماید.

دکتر سرور حسینی

نقش زنان
در ایجاد امنیت اخلاقی و اجتماعی
از منظر قرآن و روایات

دکتر سید عزت الله احمدی^۱
ملکه یعقوبی^۲

۱. دکتری معارف اسلامی
۲. ماستری تفسیر و علوم قرآن

چکیده

امنیت اخلاقی همان فضایل انسانی است که عمل کردن به آن زمینه‌ساز آرامش فکری، روحی و روانی بوده و باعث تحکیم امنیت اجتماعی همه افراد بشر، به‌خصوص بانوان می‌شود و جامعه‌ای که امنیت آن در همه ابعاد (فردی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و اقتصادی و...) کامل باشد؛ فساد و ناهنجاری‌های اخلاقی کاهش خواهد یافت. علاوه‌برآن، ثبات خانواده نیز تأمین می‌گردد. راه‌کارهایی که در دین مقدس اسلام جهت ایجاد و تقویت امنیت اخلاقی بیان گردیده، عبارتند از حفظ حجاب و عفت بانوان و اجتناب از پوشش نامناسب و سخنان ناپسند...؛ قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، با توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای ظاهری و درونی مردان و زنان؛ مرزها و حدودی را بیان کرده است و ملاک برتری انسان را رعایت این مرزها یا عمل کردن به وظایف یعنی تقوا دانسته است.

واژگان کلیدی: امنیت اخلاقی، خانواده، جامعه، زنان، قرآن، روایات.

مقدمه

امنیت دارای ابعاد زیادی مانند فردی، سیاسی، ملی، اجتماعی و اخلاقی و غیره بوده که هر کدام از اهمیت خاصی برخوردار است و یکی از نیازهای اصلی است که جامعه انسانی در همه ابعاد، به‌خصوص، در بعد اخلاقی و اجتماعی به آن نیاز مبرم دارد. افراد در جامعه از جهت اخلاقی باید ایمن باشند یعنی همان‌طور که جان انسان‌ها به امنیت نیاز دارد و کسی حق تعرض به آن را ندارد، از جهت اخلاق نیز باید مصونیت داشته باشند. از آنجا که زنان نیم از پیکره اجتماع را تشکیل می‌دهند و بدون حضور زنان، جامعه نمی‌تواند کارکردهای مورد انتظار را انجام دهد، ضرورت دارد که امنیت اخلاقی این گروه عمده اجتماعی مورد تأمل قرار گیرد و بررسی شود که قرآن کریم و روایات چه راهکارهایی را برای تأمین امنیت اخلاقی زنان بیان کرده است.

آرامش اجتماعی نمی‌تواند بدون امنیت فکری و روانی به وجود آید و یا پایدار بماند؛ چون از نظر روان‌شناختی، حرکات بیرونی و فیزیکی انسان، مبتنی بر حرکات درونی او که همان اندیشه و فکر اوست، می‌باشد. آشفته‌گی فکری و درونی نمودی جز بی‌نظمی بیرونی و نابسامانی اخلاقی ندارد و به این جهت، حفظ نظام فکری، اخلاقی و فرهنگی افراد و انسجام آن مقدم بر ایجاد نظم اجتماعی آنان است.

به همین دلیل، از منظر متون اسلامی، «امنیت و آرامش» یکی از بزرگ‌ترین و گواراترین نعمت‌های الهی است که با نعمت تندرستی و سلامت برابری می‌کند و تمام مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، شادی در زندگی بی‌مفهوم است؛ با وجود این، کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می‌داند. امنیت اخلاقی ابزار درونی و پیش‌گیرانه برای مقابله با ناامنی در جامعه است و افراد جامعه، خصوصاً خانم‌ها، بیشتر خودشان را مصون احساس می‌کنند؛ بنابراین، لازم است که راهکارهای آن از منظر منابع اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اخلاق

«اخلاق» جمع «خُلُق» کلمه عربی است که مرادف فارسی آن «خُوی» است. «خُلُق» و «خُوی» به معنای صفات و ویژگی‌های نفسانی و روحی آدمی است. چه خوب باشد یا بد. خُلُق بر چهره ظاهری، خُلُق و خُوی بر صفات و ویژگی‌های نفسانی گفته می‌شود. در قرآن کریم، در ستایش پیامبر گرامی اسلام آمده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم، آیه ۴)، [رفتار] تو [استوار] بر خصلت‌های بزرگ است.» از همین رو، به کسی که صفات و ویژگی‌های نیک دارد، خوش‌اخلاق و نیک‌خو و به کسی که صفات و ویژگی‌های ناپسند دارد، بداخلاق و بدخُوی گفته می‌شود. خُلُق و خُوی به دو دسته فضیلت یا خُوی‌های نیک و رذیلت؛ یعنی خُوی‌های بد تقسیم می‌شود. بر همین اساس علم اخلاق چنین تعریف شده است: «شناخت صحیح از ملکات خوب نفس و فضایل اخلاقی از رذایل و ملکات بد و تلاش در اتصاف به اول و اجتناب از اخیر به قصد عبودیت یا حریت.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۵۲۳).

۲-۱. امنیت اخلاقی

امنیت حاصل مصدر برگرفته از واژه (امن) عربی است. امن ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، واژه امن). برخی امنیت را به معنای رهایی از ترس احتمالی یا فعلی و احساس تهدید و خطر دانسته‌اند؛ بنابراین، امنیت، حالت نفسانی و احساس درونی است که با منشأ و خاستگاه خارجی در درون انسان شکل می‌گیرد. البته این گونه نیست که این احساس باطنی و درونی، اعتباری باشد، بلکه امری حقیقی در درون انسان با خاستگاه خارجی است. وقتی شخص احساس امنیت می‌کند که خود را در حالتی می‌بیند که هیچگونه تهدید فعلی یا احتمالی را نمی‌بیند.

آموزه‌های قرآنی، ایمان به اسلام را ایمان دانسته است؛ زیرا ایمان، امنیت

حقیقی و پایدار در دنیا و آخرت را برای آدمی به ارمغان می‌آورد و هرگونه ترس از خشم الهی و افتادن در آتش دوزخ را ازدل فرد می‌رباید. (انعام، آیه ۸۱-۸۲؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ سباء، آیه ۳۷).

با توجه به ترکیب دو واژه امنیت و اخلاق می‌توان گفت که مراد از امنیت اخلاقی فراهم آمدن فضایی است که شخص از نظر نفسانی احساس می‌کند که اصول اخلاقی او مورد تهدید و خطر از سوی دیگران نیست.

البته با نگاهی به آموزه‌های قرآنی به سادگی می‌توان دریافت که امنیت اخلاقی دامنه گسترده‌ای دارد که نباید آن را محدود به امنیت اخلاق جنسی کرد، بلکه فقدان امنیت اخلاقی در حوزه اخلاق اقتصادی، اخلاق قضایی، اخلاق خانوادگی و مانند آن‌ها به معنای رشد نابهنجاری‌ها، ضدارزش‌ها و رذایل در جامعه خواهد بود. اگر امنیت اخلاق نظامی وجود نداشته باشد و به جای شجاعت، ترس در درون سربازان ریشه گیرد، امنیت اخلاقی جامعه از این جهت مخدوش خواهد شد. اگر اعتماد در داد و ستدها از میان برود و یا به جای امانت‌داری و وفاداری، خیانت و بی‌وفایی جایگزین شود، نمی‌توان از امنیت اخلاقی جامعه سخن گفت. ازاین‌رو، در آموزه‌های قرآنی، به امنیت اخلاقی جامعه در همه ابعاد توجه شده است.

به‌خصوص، تعامل ایمان و امنیت به‌خوبی در قرآن نمایانده شده و براین واقعیت پافشاری گردیده است که امنیت واقعی و سرچشمه اصلی آن در امنیت معنوی و آن نیز در ایمان به خدا و کسب رضای الهی محقق خواهد شد. از دیدگاه قرآن، امنیت دنیایی نسبی بوده و امنیت واقعی در جهان آخرت است و مؤمن اگرچه در دنیا به ناامنی‌های ظاهری دچار شود، ولی قبلاً به پستوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است و این امنیت ریشه همه امنیت‌ها و آرامش‌هاست. قرآن امنیت را از برکت‌های الهی بر مؤمنان و مایه افزایش ایمان آن‌ها می‌داند و می‌فرماید «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا

ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند (فتح، آیه ۴).

۲. چگونگی حضور مؤثر زنان در جامعه اسلامی

دین مقدس اسلام به عنوان کامل‌ترین دین، برای تمام ابعاد زندگی بشر، اعم از مردان و زنان، راهکارها و قوانینی را تعیین نموده است، در صورتی که به آن جامعه عمل پوشانده شود، نه تنها خود افراد از هرگونه فسادهای ضد اخلاقی و اجتماعی، مصون می‌ماند، بلکه یک جامعه سالم را نیز ایجاد خواهد شد. در این جا، راه‌کارهایی که براساس شریعت اسلامی، برای حضور زنان در جامعه مؤثرند؛ مورد بررسی صورت می‌گیرند.

۱-۲. حجاب

یکی از راه‌کارهایی که قرآن برای ایجاد و صیانت از امنیت اخلاق جنسی بیان کرده، حفظ حجاب است. از نظر قرآن، حجاب می‌تواند عامل صیانت جامعه از بحران هرزگی جنسی شود.

هر جامعه‌ای گروهی از افراد به دلایلی به دنبال هرزگی جنسی می‌روند؛ از جمله این افراد می‌توان به کنیزکان و بردگان در دوران گذشته و افراد پست و خودفروش در جامعه امروز اشاره کرد. از نظر قرآن کسی که می‌خواهد خود را از این گروه جدا کند باید حجاب را به عنوان عاملی بازدارنده انتخاب کند؛ زیرا وقتی زنی حجاب را کنار می‌گذارد و اندام‌های جنسی خود را در معرض دید دیگران قرار می‌دهد، خواهان بهره‌مندی دیگران از آن در اشکال گوناگون از جمله ارتباط جنسی است.

بنابراین، کسی که حجاب را بر می‌گزیند خود را از این گروه جدا می‌کند. لذا حجاب عامل جداسازی دو گروه زنان پاکدامن و بی‌عفت از یک دیگر است. از آیه ۵۳ سوره احزاب به دست می‌آید که یکی از علل و فلسفه تشریع حجاب از سوی خدا حفظ مؤمنان پاکدامن از دیگر اقشار جامعه است. «حجاب ابزاری است که مؤمن پاکدامن را از زن هرزه و فاحشه و کنیز جدا می‌کند.» طبرسی،

مجمع البیان، ج ۷-۸، ص ۵۸۰؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۲، ص ۱۲۹).

۲-۲. اجتناب از پوشش نامناسب

یکی دیگر از عواملی که امنیت اخلاق جنسی جامعه را تهدید می‌کند، پوشش نامناسب مردان و زنان است. از آنجا که بدن زنان به‌طور طبیعی از محرکات جنسی است، پوشاندن آن اهمیت فوق‌العاده‌ای برای صیانت از اخلاق جنسی جامعه دارد. از همین رو، در اسلام بر پوشش کامل زن تأکید شده، به‌طوری که چادر و پوشش سرتاسری به‌عنوان حجاب زنان مطرح شده است. (احزاب، آیه ۵۹-۵۳). اگر صورت و کف دست استثنا شده در صورتی است که زیبایی آن عامل تحریک نباشد؛ اما اگر چنین باشد، بر زن است که آن را نیز بپوشاند.

۲-۳. اجتناب از سخنان ناپسند و منکر

اگر جامعه‌ای بخواهد امنیت اخلاقی داشته باشد باید نوع ادبیات مردان و زنان در هنگام ارتباط کلامی براساس سخنان معروف و پسندیده باشد. بنابراین گفتن جوک و شوخی‌های نامتعارف و کلمات زشت تحریک‌آمیز و مانند آن می‌تواند امنیت اخلاقی جامعه را در معرض خطر قرار دهد (احزاب، آیه ۳۲).

۲-۴. پرهیز از تبرج و برجسته‌سازی اندام‌های جنسی

از دیگر عوامل مؤثر در امنیت اخلاق جنسی جامعه، اجتناب از تبرج و برجسته‌سازی اندام‌ها است. خداوند از مؤمنان خواسته تا برای حفظ و ایجاد امنیت اخلاق جنسی، از تبرج جاهلی که برجسته‌سازی اندام‌های جنسی با ابزارهایی گوناگون بوده است، پرهیز کنند (احزاب، آیه ۳۳).

امروز در غرب زنان فاحشه با برجسته‌سازی اندام‌های جنسی و نشان دادن آن تلاش می‌کنند تا درآمدی کسب کنند و ارتباط جنسی داشته باشند.

انواع ساتن و پوشش‌های تنگ و برجسته‌ساز و حتی انجام عمل جراحی برای افزایش و برجسته‌سازی اندام‌های جنسی از جمله شیوه‌هایی است که در غرب به‌کار گرفته می‌شود.

این همان تبرج جاهلی است که بر اساس فقدان عقلانیت در یک جامعه انجام می‌شود و امنیت اخلاق جنسی جامعه را به مخاطره می‌افکند. از نظر قرآن، پوشاندن گردن و گلو ضروری است و زنان پاکدامن با این کار، خود را در مسیر تقوای الهی قرار داده و پاکدامنی و عفت خود را با این رویه اخلاقی و حیاورزی حفظ کرده و خیر و صلاح خود و جامعه را رقم می‌زنند (نور، آیه ۶۰؛ احزاب، آیه ۵۵).

۲-۵. پرهیز از آشکارسازی زینت‌های طبیعی و غیرطبیعی

یکی از عوامل مؤثر در امنیت اخلاق جنسی پرهیز زنان مؤمن و پاکدامن از آشکارسازی زینت‌های طبیعی و غیرطبیعی است. زینت‌های طبیعی همان اندام‌های جنسی است که تحریک‌آمیز است و مردان را برمی‌انگیزاند تا عمل جنسی داشته باشند؛ زینت‌های غیرطبیعی مانند زیورآلات و لباس‌های رنگارنگ تحریک‌آمیز و پوشش‌های زیبا از ابزارهایی است که تحریک جنسی را دامن زده و امنیت اخلاق جنسی جامعه را با خطر مواجه می‌سازد. (نور، آیه ۳۱). در روایتی از امام باقر (ع) عبارت: «ما ظهر منها» به لباس، سرمه چشم، انگشتر، حنای دست و دست‌بند تفسیر شده است. (قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۳۰).

باید یاد آور شد که در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور همان‌طوری‌که از آشکار کردن آرایه‌های از این دست نهی شده از آشکار کردن مواضع آن‌ها نیز پرهیز داده شده است. پس این گونه نیست که زن تنها گوشواره را نشان ندهد، بلکه باید گوش خود را نیز در معرض نمایش نامحرم قرار ندهد؛ زیرا هردو عامل تحریکی مردان است و باید از آن اجتناب کرد تا خود و جامعه را در امنیت اخلاقی نگهدارند. پس پوشاندن موی سر، سینه و گردن و گلو و مانند آن نیز لازم و ضروری است.

۲-۶. پرهیز از چشم‌چرانی

از دیگر عوامل مؤثر در صیانت از امنیت اخلاقی جامعه، اجتناب از نگاه‌های

تیز است. قرآن فرمان می‌دهد تا زنان و مردان مؤمن برای حفظ پاک‌دامنی و عفت خویش و امنیت اخلاقی چشمان خویش را فرو نهند و با چشم فرو بستن و پرهیز از نگاه‌های مستقیم و تیز، خود و جامعه را حفظ کنند (نور، آیه ۳۱-۳۲). همان طوری برای حفظ و صیانت از امنیت اخلاقی از نگاه‌های تیز و مستقیم به نامحرمان از زن و مرد پرهیز داده شده، همچنین از چشم‌چرانی و نظربازی بر حذر داشته است تا این‌گونه امنیت اخلاقی جامعه حفظ و صیانت شود. (همان)

۳. مرزهای حضور اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن و روایات

یکی از احکام و قوانین اسلام، مرزهایی است که حدود فعالیت انسان‌ها را در محدوده‌های مختلف، از جمله در اجتماع معین می‌کند.

اسلام برای حضور اجتماعی زنان هم مرزهایی معین کرده است که مطابق با فطرت سالم انسانی و سرشت پاک زن است. برای شناختن مرزهای حضور اجتماعی زنان باید آن را از شرع مقدس اسلام آموخت که چیزی جز آنچه فطرت انسان می‌پسندد و تأیید می‌کند، نیست.

و همچنین برای انسان عزّتی خاص قائل است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا، آیه ۷۰) تا آن جا که او را خلیفه الله قرار داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، آیه ۳۰) اما فطرت او را چنان سرشت که به تنهایی نتواند زندگی کند و به حیات خود ادامه دهد؛ بنابراین زن و مرد دو عضو یک اجتماع زیبا به نام خانواده و هر دو به حکم فطرت، جویای کمال بیشتر و هر چه بهتر این واحد اجتماعی کوچک هستند. به نسبت استعدادهای فطری، برای خود وظایف و حقوقی قائل‌اند.

شریعت مقدس اسلام بر اساس استعدادهای درونی زن و مرد و با توجه به توانمندیهای خاص آنان، قانون احکام خانواده و مرزهای حضور اجتماعی و وظایف و حقوق زن و مرد را دقیقاً معین کرده و عمل کردن به آنها را، ضامن به کمال رسیدن و به سعادت رسیدن خانواده و اجتماع دانسته است.

شرع مقدّس برای زن و مرد، نسبت به استعداد های فطری و توانمندی های درونی، روحی و جسمی آنان، وظایفی مخصوص و حدّ و مرزهایی قائل شده که حفظ و رعایت این مرزها، ضامن بقا و امنیت و آرامش و بالندگی خانواده است. مرزهای حضور اجتماعی زن، پاسخگویی به ندای فطرت سالم و سرشت انسان و میل باطنی او به داشتن خانواده ای دارای امنیت و آرامش می باشد.

زن و مرد به دلیل تفاوت های فطری، هریک نقش خاص و متفاوت با دیگری را عهده دار می شوند. به همین جهت، اسلام در وظایف و تکالیف اجتماعی که قوامش به تعقل یا احساس است، میان زن و مرد تفاوت هایی گذاشته است. ولایت، قضاوت و جنگ را که احتیاج مبرم به تعقل و صلابت دارد، به مردان، پرستاری، پرورش نوباوگان و تدبیر خانه را به زنان واگذار نموده است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۸۶)

گرچه زن و مرد به لحاظ انسان بودن، در پیشگاه خداوند هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند. (تساوی در حقوق معنوی) اما به لحاظ عمل به وظیفه، هریک به نسبت توانمندی خاصّ خود وظایفی خاص برعهده دارند و ملاک برتری هریک به دیگری در عمل کردن وظیفه، یعنی حفظ حدود و مرزهایی است که خداوند برای آنان معین کرده است؛ «أَنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰیكُمْ». (حجرات، آیه ۱۳). اسلام به بهترین وجه، به ندای وجدان و فطرت انسان در تمامی ابعاد آن پاسخ گفته است؛ و با توجه به این ندای فطری و نیازهای درونی زن و مرد، کاملاً عادلانه و با حفظ عزّتمندی هریک از آنان، مرزهای فعالیت و حقوق هر کدام را دقیقاً رعایت کرده است «أَنِّی لَا أُضِیْعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی». (آل عمران، آیه ۱۹۵) یعنی عمل هیچ عمل کننده ای ضایع نمی شود.

زن و مرد در مقابل حقوق انسانی، کاملاً مساوی هستند و اجرشان محفوظ است. از طرف دیگر، با توجّه به اختلاف روحی و جسمی و خواسته و نیاز فطری آنان، می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، آیه ۳۴) مردان سرپرست زنانند، به سبب

برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعض دیگر قرار داده است و به دلیل هزینه مالی که انجام می‌دهند.

حضور اجتماعی زنان از منظر اسلام، به سه دسته تقسیم شده است:

۱. ممنوع: اموری که اسلام از شرکت و حضور زنان منع کرده است و با طبع و فطرت زنان سازگار نیست؛ همچون: حکومت، قضاوت، جنگ و کارهای سنگین و طاقت‌فرسای دیگر.

۲. واجب: اموری که اسلام نه تنها از حضور زنان با رعایت و حفظ حجاب و حق خانواده منع نکرده، بلکه در صورت ضرورت و نیاز اجتماع، واجب کرده است؛ چون تحصیل علوم و معارف الهی، تعلیم و تعلّم، پرستاری از بیماران و مجروحان، پزشکی مخصوص زنان، آموزش و پرورش دختران و نوباوگان و تمام کارهای خاصّ زنانه و هریک از ضرورت‌های اجتماعی دیگر؛ که اسلام نه تنها با کارکردن زنان مخالف نیست، بلکه آنان را به کار کردن، تشویق نموده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «سه چیز حجاب‌ها را پاره می‌کند و به پیشگاه عظمت حق می‌رسد:

۱. صدای گردش قلم دانشمند به هنگام نوشتن. (تلاش فرهنگی)

۲. صدای قدمهای مجاهدان در میدان جهاد. (تلاش دفاعی)

۳. صدای چرخ ریسندگی، زنان پاکدامن. (تلاش اقتصادی)

و نیز فعالیت سالم اقتصادی زنان را در ردیف شریف‌ترین کارها دانسته است.

بنابراین، اساس یک اجتماع سربلند انسانی را، سه چیز تشکیل می‌دهد:

(الف) دانش، (ب)، جهاد، (ج)، کار و کوشش.

۳. مباح: کارهایی که گرچه حضور زنان در آنها ممنوع نیست، اما زنان به انجام آنها تشویق هم نشده‌اند. اگر ضرورتی در کار نباشد، بهتر است کمتر حضور پیداکنند؛ که این دسته، نیاز به دقت زیاد و رعایت شئونات خانواده و

اجتماع دارد.

اسلام برای این قسم هم حدّ و مرز معین کرده است، حضور زنان را به کلی ممنوع نکرده، اما به آن‌ها سفارش کرده است تا ضرورت نباشد، از حضور در اجتماعات خارج از خانه پرهیز کنند.

اسلام بهترین و عالی‌ترین وظیفه را برای زنان، اهتمام به امور خانه و خانه‌داری دانسته است.

حضرت فاطمه زهرا (س)، الگوی زنان عالم فرمود: «نزدیک‌ترین حالات زن به خدا، آن است که ملازم خانه خود باشد و بیرون از خانه نرود.» (قمی، منتهی الآمال، ص ۱۳۴). امام علی ص فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲) جهاد زن، خوش شوهرداری کردن است.

استقلالی که زن در دارایی خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را محترم شناخته است، در یونان و روم و ژرمن و تا چندی پیش هم در غالب کشورهای جهان وجود نداشت؛ یعنی زن مثل صغیر و مجنون از تصرف در اموال خود، ممنوع بود. در انگلستان که سابقاً شخصیت زن در شخصیت شوهر محو بود دو قانون، یکی در سال ۱۸۷۰ م و دیگری در سال ۱۸۸۲ م. به اسم «مالکیت زن شوهردار» از زن رفع حجر نمود. (شایگان، در شرح قانون مدنی ایران، ص ۳۶۶)؛ همین قانون اخلاق مسیحی را به کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند و از نیروی کار ارزان آن‌ها ثروتمند شوند؛ اما تساوی حقوق زن و مرد، برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م. از طرف سازمان ملل متحد منتشر گشت، تساوی حقوق زن و مرد صریحاً اعلام شد؛ و در عمل ثابت شد که این تساوی تنها برای سوء استفاده از جنس زن بود.

«ویل دورانت»، فیلسوف و نویسنده معروف تاریخ تمدن می‌گوید: «بزرگ‌ترین حادثه قرن بیستم، دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین

تغییر تکان‌دهنده‌ای در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است. خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوت رانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی که ما را از «توحش» به «تمدن» و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است، گرفتار شده؛ هنوز هم ناله متفکران غربی از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانۀ خالی کردن جوانان از قبول مسئولیت ازدواج، از منفور شدن حسن مادری، از کاهش علاقه پدر و مادر، خصوصاً مادر نسبت به فرزندان، از ابتدال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوس‌های سطحی به جای عشق (محبت و مودت)، از افزایش روز افزون طلاق و... به گوش می‌رسد» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵).

۳. راه کارهای قرآن و روایات برای تأمین امنیت اخلاقی زنان در جامعه

زنان نیمی از پیکر جامعه است شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه او بی گمان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. آنچه به نقش‌آفرینی مثبت زنان در تحقق امنیت اخلاقی جامعه کمک شایانی می‌کند و باعث سالم‌سازی محیط زندگی می‌شود، رعایت اموری در هنگام حضورشان در اجتماع است.

۳-۱. حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی

از آموزه‌های دینی بر می‌آید که اسلام زنان را از شرکت در فعالیت‌های دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منع نمی‌کند.

به عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ... فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه، آیه ۱۲). «ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که با این شرط به تو بیعت کنند... با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.» و یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، آیه ۷۱) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان

یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند.» این آیات حکایت از آن دارند که حضور مثبت زنان در عرصه های سیاسی و مسائل اجتماعی، از جمله قضایایی است که از منظر اسلام مورد قبول بوده و تثبیت شده است. اما این حضور و فعالیت شروط مهمی دارد که عبارتند از رعایت حجاب و عفاف، مراعات مرز محرم و نامحرمی، عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد و ترک رابطه بیش از حد ضرورت با یکدیگر و نیز قرار گرفتن زن در نقشی که متناسب با ترکیب جسمانی و روانی آنان است.

یکی از الزامات مهم حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، همین التزام به رعایت حجاب و عفاف است تا حریم ها نگه داشته شود. حجاب به معنای پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی، دو عاملی هستند که باعث سلامت جامعه بوده، در صورت عدم رعایت، مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه به وجود خواهند آورد، لذا قرآن کریم به پیامبر اکرم دستور می دهد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِکَ وَبَنَاتِکَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِیْنَ یُدْنِیْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلْبِیْهِنَّ ذَٰلِکَ اذْنٰی اَنْ یَّعْرِفْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ» (احزاب، آیه ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زن های مؤمنین بگو روسری ها و چادرهای خود را بر خویش بپوشانند (که گردن، سینه، بازوان و ساق ها پوشیده شود) این (کار) نزدیک تر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند.

چون حجاب خواسته و امری فطری است، توجیه عقلی و منطقی دارد و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش آگاه است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی زن را در حجاب دانسته است. بنابراین، اصولاً پوشش، یک اصل است و این اصل در محیط های مختلف، متفاوت است؛ به طور مثال، کسی که برای جراحی به اتاق عمل می رود، باید لباس مخصوص آن محیط را بپوشد و یا فردی که در خانه

مشغول فعالیت است، باید لباس محیط خود را بپوشد؛ لذا چه مردان و چه زنان که در جامعه فعالیت می‌کنند، باید لباسی بپوشند که در شأن خود و اجتماعی که در آن قرار گرفته‌اند، باشد تا هم به پاکی شناخته شوند و هم از تعرض و آزار افراد بیمار و آلوده در امان باشند و فضای فساد و زمینه جولان تبه‌کاران برچیده شود. براساس پژوهش‌های دینی، تحقیقات مردم‌شناسانه و مطالعات روان‌شناسی، حجاب در سلامت روانی و مصونیت اجتماعی زنان تأثیر چشمگیری دارد. «کاوندی و فومنی، ۱۳۸۹».

حجاب و حریم اسلامی موجب کنترل غرایز، التهابات جنسی و جسمی و نیز مانع از معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌گردد که همین امر سلامت اخلاقی جامعه را به ارمغان خواهد آورد. از این رو، قرآن کریم با منع اختلاط و ارتباط بیش از ضرورت زن و مرد نامحرم، به رعایت حریم در معاشرت با نامحرم دستور می‌دهد و می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب، آیه ۵۳)، و چون متاعی (از وسائل زندگی) از آنان (زنان پیامر) خواستید، از پشت پرده بخواهید که این کار پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان».

بنابراین، یکی از مهم‌ترین و برترین راه‌های پیش‌گیری از جرائم و فساد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی، رعایت حد و حدود در مواجهه با افراد نامحرم و حجاب و پوشش اسلامی است، البته حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی فقط به پوشیدن چادر و داشتن حجاب ظاهری منحصر نیست؛ بلکه هرگونه خلوت کردن با نامحرم، خروج از رفتارهای متین، رفاقت و اختلاط و شوخی کردن با نامحرم، مراقبت نکردن در لحن و محتوای سخن با نامحرم و ... از جمله مؤلفه‌های هستند که رعایت آن‌ها، حریم و فاصله میان زن و مرد در جامعه را حفظ می‌کند. «اسماعیلی و مهدیان، ۱۳۹۳، ص ۲۳، ۱۹۹» در این میان، ابتدا نقش برجسته و تأثیرگذار از آن زنان جامعه است.

اسلام به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح آزاد جنسی کاملاً آگاه است. به همین جهت نهایت مراقبت را در برخوردهای زنان و مردان اجنبی دارد، در عین این که به زنان اجازه شرکت در مساجد و محافل را می دهد که با رعایت آداب اسلامی و به همراه عفاف باشد.

پیغمبر (ص) در زمان حیات خویش اراده کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لو ترکنا هذا الباب للنساء»؛ یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم. بعدها حضرت عمر (رض) صریحاً نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند؛ و نیز می گویند پیغمبر اکرم (ص) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می شود اول زنان بیرون بروند بعد مردها. پیامبر دوست نمی داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه ها در همین اختلاط ها برمی خیزد. رسول خدا برای این که برخورد و اصطکاک رخ ندهد دستور می داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. (مطهری، مسأله حجاب، ص ۲۱).

همچنین امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع) چنین توصیه فرمودند: «و اکف علیهن من ابصارهن بحجابک ایاهن فان شده الحجاب ابقی علیهن و لیس خروجهن باشد من ادخالک علیهن من لا یوثق به علیهن و ان استطعت ان لا یعرفن غیرک فافعل» (همان، ص ۲۳۵)؛ یعنی تا می توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه زن را حفظ نمی کند. همانطور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برای شان مضر و خطرناک است. وارد کردن تو مرد بیگانه را بر او در داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری را نشناسد چنین کن.

۲-۳. پرهیز از تبدیل آراستگی و زیبایی به ابتذال اخلاقی

اصل گرایش به زیبایی و زیبادوستی امر فطری است؛ ولی آنچه که در اسلام

ممنوع شمرده شده است، فتنه، فساد و ابتذال اخلاقی از مسیر آرایش تن و پوشش ظاهری است که این امر یکی از بسترهای ناامنی اخلاقی در جامعه می‌باشد. در حقیقت، آنچه مطلوب دین و پسند عقل می‌باشد، آراستگی و پوشش مناسب است، نه آرایش و پوشش توأم با ابتذال و انحراف؛ چرا که خروج از دایره آراستگی و پوشش نامناسب، نشانه اختلالات روحی و آشفتگی درونی است.

ابتذال، انحراف و انحطاط آن زمانی است که مقوله آرایش و زیباسازی و لباس و امثال آن، خارج از دایره خانواده و مشغله اصلی زنان در زندگی گردد و آن‌ها را از وظایف اصلی مادری و همسری غافل و دور سازد. مصرف بی‌حد و مرز و پر ضرر از لوازم آرایشی و پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما با الگوهای غربی، در مقابل چشمان پراضطراب جوانان، سلاح برنده‌ای است که به آسانی ذهن دل و دنیای افراد جامعه را به خود مشغول می‌سازد و در این مسیر، همت‌ها و سرمایه‌های فکری و مالی تباه می‌گردد.

سرمایه‌داران بزرگ، سیاست‌مداران خبیث و پلید و گردانندگان دستگاه‌های مخفی استکباری، برای کسب سود بیشتر، به تولید لوازم مصرفی آرایشی برای زنان و کشاندن آن‌ها به ابتذال و وابستگی روی آورده‌اند تا علاوه بر سست کردن بنیان، خانواده‌ها، مردان و زنان آن جامعه را از اندیشیدن، تصمیم صحیح و خلاقیت دور کنند.

توجه بیش از اندازه به آرایش و تجمل، زنان را به مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته و ابتذال اخلاقی می‌کشاند و آن‌ها را از واقعیات زندگی و دنیای معنویت دور می‌سازد.

۳-۳. پرهیز از خودآرایی در مقابل مردان

خودنمایی و عرضه زیبایی‌های ظاهری در مقابل چشمان هوس‌آلود دیگران، یکی از عوامل بروز ناامنی اخلاقی در جامعه از جانب زنان است. به این جهت قرآن کریم در راستای سالم‌سازی محیط اجتماعی، به زنان دستور می‌دهد که در

هنگام معاشرت و حضور در جامعه، بر حفظ زینت‌ها و زیبایی‌های خود کوشا باشند و می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب، آیه ۳۳)؛ و با (وقار) در خانه‌های‌تان قرار گیرید و (در میان مردم) همانند ظهور (زن‌ها) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت بدون رعایت حجاب) ظاهر نشوید.

«تَبَرَّج» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است. منظور از «جاهلیت اولی» همان جاهلیتی است که مقارن با عصر پیامبر اکرم (ص) بوده و همانگونه در تاریخ آمده است در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روستری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند، به‌طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردنبند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود و به این ترتیب، قرآن همسران پیامبر را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد. بدون شک این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر به‌عنوان تأکید بیشتر است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۰).

اسلام با عنایت به ارزش بسیار بالای حیا، عفت و غیرت در جامعه اسلامی، به کنترل نگاه حضور در مجامع عمومی و معابر همگانی و... حساسیت دارد و دستور می‌دهد: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ...» (نور، آیه ۳۱).

«و به زنان با ایمان بگو که چشمان خود را (از نگاه به عورت غیر و بدن مرد اجنبی) فرو بندد و عورت‌های خود را (تمام بدن را غیر از صورت و دست‌ها، از این که در معرض دید اجنبی قرار گیرد) حفظ کنند و زیور و زینت خود و جاهای آن را مانند (گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق‌های پا) آشکار نسازند، جز آنچه (بر حسب ضرورت عرفی) پیداست مانند (لباس‌های رو و صورت و دست‌ها) و باید روستری‌های خود را بر روی گریبان‌ها بزنند (تا گردن و سینه پوشانده شود) و زیور و (جاهای زیور) را بر کسی آشکار نسازند، جز

بر شوهر یا پدر یا پدر شوهرشان...

بنابراین، یکی از راه‌های حفظ عفت در جامعه اسلامی، نهان کردن زینت و جذابیت‌های ظاهری از سوی زنان می‌باشد؛ چرا که آشکار نمودن زینت‌ها و در معرض قرار دادن جذابیت‌های جسمی، بر تشدید التهاب و تشنگی جنسی جوانان می‌افزاید و همین امر برای ایجاد ناامنی اخلاقی و بروز مفاسد اجتماعی در جامعه کافی است.

۳-۴. توجه به زیبایی‌های واقعی

اگرچه جمال و آراستگی ظاهری، افراد را محبوب و دل‌خواه مردم می‌نماید؛ ولی دلرباترین جمال از منظر اسلام، جمال ایمان امام جواد (ع) فرمود: «اللَّهُمَّ زِينَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هِدَاةً مُهْدِيَيْنِ» (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۸).

علم، حیا، ادب، اخلاق و سجایای انسانی است. این جمال است که انسان را کمال حقیقی و عزت واقعی می‌بخشد. براین مبنا، زنان جامعه ما باید برخلاف غربی‌ها که فقط به فکر ظاهر و صورت‌اند، به باطن و سیرت اهمیت بدهند و در کنار زیبایی ظاهری، زیبایی‌های معنوی را نیز به‌دست آورند.

همگان می‌دانند که برخی از زنان و مردان در کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی، ظاهری جذاب؛ ولی باطنی لجن‌آلود و حيله‌گر دارند از این جهت، هراندازه آنان بر ظاهر خود توجه می‌کنند، چندین برابر از انسانیت و معنویت دور می‌شوند؛ زیرا واقعیت این است که برخی از انسان‌ها با توجه افراطی به جسم و لذت‌های ظاهری، از باطن و روح انسانی و لذت‌های معنوی غافل می‌گردند و سرانجام، با تقویت شخصیت شهوانی خود، به‌سمت حیوانیت، عصیان و گریز از همه سنت‌ها و مقدسات سوق داده می‌شوند. امام علی (ع) درباره زنان و امنیت اخلاقی جامعه هشدار داده است و می‌فرماید: «إِنَّ النِّسَاءَ هُمُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفُسَادُ فِيهَا (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۸)؛ «همت و تلاش زنان برای دستیابی به زینت زندگی دنیا و فساد و تباهی در آن است.»

قرآن نیز سبک زندگی این افراد را یادآور شده و فرموده است: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، آیه ۷)، «آنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند (آنچه حس می‌کنند و از آن برخوردارند، در نزد آنها هدف است و اصالت دارد) و از (زندگانی) آخرت (که نتیجه واقعی زندگی دنیاست) سخت غافل‌اند.»

۳-۵. امر به معروف و نهی از منکر توسط زنان

یکی دیگر از راه‌کارهای تحقق امنیت اخلاقی در جامعه، دلسوزی و دعوت به خوبی‌ها و بازداري از بدی‌ها توسط افراد مؤمن و دلسوز می‌باشد که این مسئولیت بر دوش زنان نیز سنگینی می‌کند. آنها نیز باید در این باره احساس وظیفه کنند.

اقتضای این وظیفه آن است که خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نخواهند؛ بلکه بکوشند خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش داده زشتی‌ها و بدی‌ها را از میان بردارند، به همین جهت در یک جامعه، شهر یا روستا همگی باید فضای محیط زندگی را پاکیزه نگهدارند.

پاک از آنچه بیماری جسم به وجود می‌آورد (بهداشت تن) و پاکیزه از آنچه بیماری جان و روح را تولید می‌کند (بهداشت روان). از این رو، به نظر می‌رسد که «امر به معروف و نهی از منکر»، سازمان بهداشت روان و اخلاق در جامعه اسلامی است و خدای سبحان حضور زنان و مردان را در این سازمان واجب ساخته و فرموده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، آیه ۱۰۴)، باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همه رستگارانند.

در آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها باز دارند و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این

راه ممکن است.

در باره اهمیت، ضرورت و آثار این فریضه الهی سخن بسیار گفته شده است؛ لکن با تمام این تلاش‌ها، هنوز این واجب دینی در سبک زندگی اسلامی جایگاه خود را نیافته است، در حالی که برخی از آیات قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی‌های پیامبران و مؤمنان (زن و مرد) می‌داند. (اعراف، آیه ۱۵۷؛ حج، آیه ۴۱؛ توبه، آیه ۱۱۲؛ آل عمران، آیه ۱۱۴) و اصرار دارد که در هر جامعه‌ای از میان مردم، گروه‌های آمر به معروف و ناهی از منکر تشکیل گردد تا افراد را به نیکی دعوت و از کار بد نهی نماید. (آل عمران، آیه ۱۰۴).

روایات نیز برای امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خاصی قائل شده است. به گونه‌ای که پیامبر اسلام کسی را که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول او و کتاب وی قلمداد کرده است. (نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۷۹) و نیز امر به معروف و نهی از منکر نشانه دین‌داری و حیات افراد به حساب آمده است. (حرّ عاملی، ۱۴۹۰، ص ۳۹۹).

بهترین ثمره‌ای «امر به معروف و نهی از منکر»، اصلاح و تصحیح اخلاق و حفظ فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد؛ چون نظارت عمومی و دیده‌بانی جمعی توسط افراد جامعه، زمینه ایجاد و رشد افکار انحرافی و رفتارهای ناهنجار را از بین می‌برد و باعث می‌شود ارزش‌ها و هنجارها در جامعه باقی مانده و روز به روز جلوه و تجلّی بیشتر پیدا کنند. به فرموده علامه طباطبایی: «دعوت به خیر، اعتقاد به حق را به وسیله تلقین و یاد آوری در دل‌ها تثبیت می‌کند و امر به معروف و نهی از منکر از ظهور عواملی که مانع رسوخ اعتقادات حق در نفوس جامعه است، جلوگیری می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱).

نتیجه‌گیری

از تحقیق حاضر نتایج زیر به دست می‌آید:

امنیت اخلاقی و اجتماعی ابعاد مختلف زندگی انسان را در برمی‌گیرد و از

رعایت پرهیزکاری در نگاه آغاز شده و گستره‌های دیگر نظیر رعایت حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، پرهیز از تبدیل آراستگی و زیبایی به ابتذال اخلاقی، پرهیز از تبرّج در مقابل مردان و... را شامل می‌شود.

الگوبرداری از سیره ائمه معصومین (ع) از مهم‌ترین راه‌هایی است که زنان می‌توانند از طریق آن امنیت اخلاقی را در جامعه ایجاد کنند که مهم‌ترین راه وصول به آن حجاب و پوشش اسلامی و آزادی فرهنگی برای بانوان می‌باشد. به همان اندازه که ریشه‌های عفاف در روح انسان تقویت شود، قطعاً نوع نگاه آن‌ها به فضائل اخلاقی عمیق‌تر می‌شود و از رذائل اخلاقی دوری می‌نمایند.

یکی از فضائل اخلاقی پاک‌دامنی و عفت است که این سجیه اخلاقی برحجاب نظارت مستقیم دارد در شریعت محمدی (ص) اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسأله عفت و پاکدامنی داده شده است که با توجه به آیات الهی و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و با عمل به این رهنمودها و دستورات، عفاف عمومی و سلامت اجتماعی تضمین می‌گردد.

گستره و ابعاد عفاف در قرآن کریم شامل عرصه رفتار فردی اجتماعی، کنترل نگاه‌های حرام، تبرّج و دوری از مصافحه و احتلاط با نامحرمان و کیفیت و محتوا در گفتار و... بوده که در نهایت با حجاب ارتباط نزدیکی دارند و کامل‌کننده هم هستند. پوشش یک بعد و یک عرصه از عفاف است و رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و برهم تأثیر و تأثر متقابل دارند.

سلوک رفتاری توأم با وقار در انتخاب لباس و پوشش، از عفاف درونی خبر می‌دهد و از طرفی نوع پوشش و لباس انسان، در شخصیت روحی، روانی، فرهنگی و دینی فرد مؤثر است. از این جاست که قرآن کریم زنانی را که در بهشت جای دارند به مروارید محجوب تشبیه کرده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. اسماعینی، رفیع‌الدین، حفیظه مهدیان، ویژگی‌ها و معیارهای عفاف و حیای شخصیت زن در جامعه اسلامی، ماهنامه علمی-ترویجی معرفت (ویژه جامعه‌شناسی)، سال ۲۳، شماره ۱۹۹، تیر ۱۳۹۳.
۲. آلوسی، شهاب‌الدین محمود، روح المعانی، ج ۱۲، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵.
۳. امام زین‌العابدین، صحیفه سجادیه، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶.
۴. بحرانی، سید هاشیم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم دار التفسیر، ۱۳۷۵.
۵. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، قم، بوستان کتاب، بی‌تا.
۶. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، نشر: مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۵، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۹. ساروخانی، باقر، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۱۰. شایگان، علی، در شرح قانون مدنی ایران.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، روابط اجتماعی در اسلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۷-۸، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، قم، دار الکتب، سوم، ۱۳۶۳.
۱۵. کاظمی، بهرام اخوان، امنیت در نظام سیاسی اسلام، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۶. کاوندی، سحر، انتصار فومنی، غلام حسین، رابطه حجاب با سلامت روانی و مصونیت اجتماعی، سحر کاوندی و غلام حسین، دوفصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه سال هفتم، شماره ۵، پائیز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۷. کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران، قائم آل محمد، سوم، ۱۳۸۵.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲.
۱۹. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، ج ۸، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانبور، ۱۳۶۴.
۲۰. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران، صدرا، پنجم، ۱۳۸۵.
۲۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۱.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۸.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.

نقش عقل و عاطفه
در تنظیم روابط اجتماعی
(از منظر قرآن و حدیث)

محمد علی نظری^۱

۱. دانش آموخته سطح چهار و ماستری جامعه‌شناسی.

ایمیل: Mohsenyali8@gmail.com

چکیده

مشکل اصلی نظم اجتماعی که اغلب جامعه‌شناسان به‌نحوی آن را مطرح کرده‌اند، عبارت است از این‌که جامعه انسانی در طی فرایند تاریخی خود به تدریج از نظام‌های مبتنی بر تعاملات اظهاری و عاطفی به سمت نظام‌های حرکت کرده است که در آن عقلانیت ابزاری به‌عنوان منطق غالب کنش درآمده است. بیشتر جامعه‌شناسان در عین حالی که این تحول تاریخی را در مجموع به‌عنوان فرایند مثبت ارزیابی می‌کنند، اما معتقدند که تعاملات اظهاری و دگرخواهانه بنیاد نظم و همبستگی اجتماعی را شکل می‌دهد. بنابراین، تلفیق عقل و عاطفه مسأله اساسی نظم و همبستگی اجتماعی است. در این نوشتار مسأله یادشده با توجه به متون اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه به‌دست‌آمده حاکی از آن است الگوی روابط اجتماعی را که اسلام ارائه می‌دهد بر دو بنیاد عقل و عواطف انسانی استوار است. اسلام هم حق عقلانیت را در تنظیم روابط اجتماعی اداء می‌کند و هم شالوده‌های ارزشی و عاطفی نظم اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. اسلام، عقلانیت ابزاری را با عنصر «ایمان» و عواطف کور را با نور «عقل» تعدیل می‌کند و براین‌د آن در سطح واقعیت، روابط انسانی آکنده از روشن‌اندیشی و معنویت به نحو توأمان است.

واژگان کلیدی: تعامل ابزاری، تعامل اظهاری، روابط اجتماعی، عقل، عاطفه، عقلانیت اسلامی، عقلانیت سکولار.

مقدمه

جوامع انسانی به موازات که فرایند تفکیک و تمایز اجتماعی را تجربه می‌کنند، با مجموعه کثیری از گروه‌های کوچک و بزرگ با مرزهای فرهنگی و هویتی متفاوت مواجه می‌شوند. در چنین وضعیتی دو نوع اساسی تعامل در میدان‌های تعاملی جامعه قابل تصور است که عبارتند از تعاملات عاطفی یا اظهاری و تعاملات عقلانی یا ابزارای. منظور از تعاملات اظهاری، مبادلات اجتماعی نامتقارن و گرم است که در بستر روابط جامع عاطفی صورت می‌گیرد. از این نوع روابط در ادبیات جامعه‌شناختی تحت عنوان «روابط جماعتی» نیز یاد می‌شود.

در تعامل اظهاری انتظار می‌رود کسانی که دارای ذخایر و منابع ارزشمند بیشتری هستند، خواه این ذخایر خصایل شخصی باشند و یا امکانات فردی و اجتماعی، در مبادلات اجتماعی رفتارهای دگرخواهانه و مبتنی بر اصول ایثار را دنبال نمایند. مصداق بارز این گونه روابط را در خانواده و گروه خویشاوندی می‌توان مشاهده کرد. اعضای خانواده معمولاً از تمام امکانات فردی و اجتماعی خود برای حمایت و تأمین رفاه حال همدیگر استفاده می‌کند، بدون این که چشم‌داشت جبران متقابل مطرح باشد. نفع بازگشتی که در این مبادله مد نظر است، بیشتر رضایت خاطر است تا جبران مادی هزینه‌های که اعضاء متحمل می‌شوند. ارضای عشق، محبت و رضایت خاطر که در این فرایند تعاملی به‌دست می‌آید، پاداش جانشینی است که هزینه‌های اعضاء را جبران می‌کند (چلپی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷).

نوع دوم، تعاملات عقلانی-ابزاری است؛ این سنخ از تعامل عمدتاً در سطح روابط بین‌گروهی یا گروه‌های ثانویه جریان دارد. مراد از روابط و تعاملات ابزاری، مبادلات متقارن سرد است؛ در مبادلات متقارن سرد مقصود اصلی کنش‌گران، کسب سود و به حداکثر رساندن نفع خویش است. خردورزی ابزاری و محاسبه سود و زیان اساس این نوع رابطه را می‌سازد. تعاملات ابزاری دارای

بار عاطفی بسیار ضعیفی است به همین دلیل روابط مبتنی بر عقلانیت ابزاری محض، سطحی، شکننده و نااستوار است.

اندیشمندان علم الاجتماع از این نوع رابطه تحت عنوان «روابط جامعه‌ای» یا کنش عقلانی نیز تعبیر کرده‌اند. روابط اظهاری تمایل به این دارد که در حریم گروه‌های اولیه و اجتماعات طبیعی باقی بماند؛ در حالیکه روابط ابزاری گرایش به این دارد که در ورای گروه‌های اولیه و اجتماعات طبیعی مستقر شوند. به همین دلیل روابط ابزاری نقش بازکنندگی و روابط اظهاری نقش انسدادی را ایفاء می‌کنند (چلپی، ۱۳۸۹: ۲۴۵-۲۵۲).

مسأله اصلی استقرار نظم و همبستگی اجتماعی این است که چگونه می‌توان این دو بنیاد اساسی کنش یعنی عقلانیت و عاطفیت را باهم سازگار کرد؟ در این نوشتار پرسش یادشده از منظر متون و منابع معرفتی اسلامی مورد تأمل قرار گرفته است.

اسلام دین جامع، واقع‌نگر و متوازن است؛ جامعیت و واقع‌بینی اسلام حکم می‌کند که در تنظیم حیات آدمیان تمام نیازها و ابعاد وجودی آن‌ها را مد نظر قرار دهد و الگوی تعاملی متعادل را معرفی نماید، که مطابق آن همه علایق و نیازهای حقیقی انسان به نحو متوازن برآورده و تأمین گردد. تأمل در متون معرفتی اسلامی نشان می‌دهد که اسلام از یک طرف استحکام و تقویت کانون‌های اصلی عواطف انسانی یعنی خانواده، گروه خویشاوندی، همسایگی و دوستی را مورد حمایت قرار می‌دهد. از سوی دیگر عقلانیت و خردورزی را به‌عنوان مرکز ثقل نظم اسلامی مطرح می‌سازد. اسلام نگاه تک‌بعدی به تنظیم حیات جمعی انسان ندارد، بلکه حق عقل و عاطفه را به‌عنوان دو جزء مکمل هویت انسانی به نحو متعادل ادا می‌کند. لذا در سپهر تفکر اسلامی، هم خردورزی و عقلانیت به‌عنوان منطق حیات جمعی از اهمیت برخوردار است و هم ارزش‌های مبتنی بر عواطف متعالی، نظیر ایثار، دگرخواهی، و مراقبت از هموعان. شهید صدر در خصوص مدل روابط اسلامی می‌نویسد: «اسلام دعوت و حرکت فکری و عاطفی است.

به عبارت دیگر اسلام انسان را به فکر و اندیشه و عواطف متناسب به آن فرا می‌خواند، اسلام تنها حرکت فکری محض نیست که هدف آن نظیر مذاهب فلسفی صرفاً رشد و گسترش عقلانیت محض باشد، همانطوریکه با حرکت‌های که فقط بر بنیاد عواطف استوارند تفاوت دارد، اسلام شیوه خاصی در به هم آمیختن عقل و عاطفه و بنا نهادن ساختار عواطف بر شالوده‌های فکری دارد. اسلام در عین حال که جانب فکر و اندیشه را حفظ می‌کند، اهتمام خاصی در رشد عواطف در شخصیت اسلامی دارد.» (صدر، ۱۴۲۴: ۲۱-۲۲).

۱. منزلت عقل در تنظیم روابط اجتماعی

عقل و عقلانیت در اسلام از جایگاه کانونی برخوردار است. در چارچوب اندیشه اسلامی، عقل‌ورزی، به مثابه‌ی ویژگی ممتازی بازنمایانده می‌شود که انسان را نه تنها از سایر جانداران متمایز می‌کند، بلکه او را از فرشتگان نیز برتر قرار می‌دهد. از منظر اسلامی، انسان به دلیل برخورداری از قوه تعقل و خرد است که توان شناخت اسمای حسنی و شایستگی مقام خلافت و کارگزاری الهی را یافته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۸۰-۲۸۲). لذا قرآن با تأکیدهای فراوان و با استفاده از ابزارها و شیوه‌های بیانی مختلف، مکرراً آدمیان را به تفکر و تعقل دعوت و ترغیب می‌کند و بسامد واژگان ناظر به فکر و خردورزی در قیاس با سایر مفاهیم قرآنی کم نظیر است. در قرآن بیش از سه صدر بار، ذیل مفاهیم متعدد از قبیل تفکر، تعقل، تدبیر، علم، تفقه، حکمت و غیره به موضوع تفکر و عقل‌ورزی پرداخته شده است. (طباطبایی، ج ۵، ۱۳۷۴: ۶۱۵).

درونی‌مایه اصلی این آیات عبارت است از این که آدمیان در صورتی می‌توانند از حیات طیب و پاکیزه برخوردار گردند که روابط اجتماعی آن‌ها بر پایه خردورزی ساختار یافته باشد. از دیدگاه قرآن فرد یا جامعه‌ای که از موهبت تعقل و اندیشه‌ورزی بی‌بهره است یا از آن به نحو درست استفاده نمی‌کند، فرجامی جز انحطاط، نابودی و هلاکت ندارد (ملک: ۱۰).

شهید مطهری در باب جایگاه محوری خردورزی در حیات بشر از منظر قرآن می‌گوید، خطابات قرآن همواره توأم با رعایت ادب است، اما در چند مورد قرآن زبان به تعبیری می‌گشاید که تقریباً نوعی دشنام محسوب می‌شود، یکی از آن موارد مربوط به افراد و جوامعی است که از عقل و خرد در تدبیر زندگی‌شان بهره نمی‌برند. قرآن در مورد این افراد می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال، ۲۲). در این آیه افرادی که تعقل نمی‌کند بدترین جنبندها و در آیه دیگر پست‌تر و گمراه‌تر از چارپایان توصیف شده‌اند (اعراف، ۱۷۹).

همچنین قرآن در سوره بقره با صراحت متذکر می‌شود، گروه‌های انسانی که بدون سنجش و خردورزی از سنت‌های اجتماعی و شیوه‌های زندگی گذشتگان یا پدران‌شان تبعیت می‌کنند، همواره در گمراهی و ضلالت به سر می‌برند و از نعمت هدایت و پیشرفت محروم خواهند بود (بقره، ۱۷۰). علاوه بر قرآن، در این متون روایی نیز ارزش زیادی به تعقل و خردورزی داده شده است. در این متون از عقل و خردورزی با عنوان‌های چون راهنمایی اصلی کنش (فلسفی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۳۶۴)، مرکب زندگی، مایه قوام و استواری حیات انسانی (فلسفی، ج ۲، ۱۳۷۹: ۳۰۱)، برترین سرمایه اجتماعی (فلسفی، ج ۱، ۱۳۷۹: ۳۸۲)، و نظایر آن یاد شده است که حکایت از ارج و منزلت منحصر به فرد عقل از دیدگاه معصومین (ع) دارد. فیلسوفان اسلامی مانند ملاصدرا اساساً ماهیت حرکت تکاملی انسان را از نوع سیر و حرکت علمی و عقلانی می‌دانند. ضرورت علمی از نوع اشتداد در هستی و وجود است که با توسعه علم و تنبه، معرفت و تذکر، تعقل و شهود حاصل می‌شود. در سیر صعودی علمی، بشر این توان را پیدا می‌کند که از محدودیت‌های زمان و مکان فراتر رفته و به افقی وارد شود که محیط بر طبیعت و تمام عوالم پدیداری است. (پارسانیا، ۱۳۸۵: ۹۱).

با توجه به نکات فوق می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که اسلام عقلانیت و خردورزی را یکی از پایه‌های اساسی نظم و مبنای روابط اجتماعی مطلوب می‌داند. اما نکته اساسی که غفلت از آن سوء فهم خطرناکی را موجب می‌گردد،

این مطلب است که در چارچوب تفکر اسلامی نوعی خاص از عقلانیت معنادار است. عقلانیتی را که اسلام به عنوان مبنای عمل اجتماعی مطرح می‌کند، با عقلانیتی که در تفکر سکولار، مبنای کنش و عمل است، تفاوت بنیادی دارد. به همین دلیل روابط اجتماعی در جامعه اسلامی ویژگی‌ها و شاخص‌های خاص خود را پیدا می‌کند (پارسانیا، ۱۳۸۱: ۷). لذا ضرورت دارد که مراد از عقل، عقلانیت و رفتار عقلانی در چارچوب تفکر اسلامی مشخص گردد.

۱-۱. الگوی عقلانیت اسلامی

عقل را از یک منظر می‌توان به عقل نظری و عملی تقسیم کرد. عقل نظری ناظر به هست‌ها و عقلی عملی معطوف به «باید»‌ها و «نباید»‌ها است. هر چند این دو وجه از عقلانیت، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، اما جامعه و هستارهای اجتماعی، موضوع عقلی عملی شمرده می‌شوند. عقل عملی، منطق کنش جمعی آدمیان در جهان اجتماعی است. جوهر عقل عملی محاسبه سود و زیان در ارتباط با اغراض و اهدافی است که آدمیان آن‌ها را ارزشمند، مطلوب و مرجح تلقی می‌کنند. بسته به این که افراد و جوامع بشری چه اهدافی را مطلوب تلقی می‌کنند، روابط اجتماعی صورت‌بندی و سمت و سوی متفاوتی پیدا خواهد کرد. در گفتمان مدرن، منطق کنش اجتماعی و ارزیابی نفع و ضرر، عقلانیت ابزاری است. عقلانیت ابزاری نوع عقل خودبنیاد و معاش‌اندیش است که تنها تلاش برای اهداف قابل دسترس دنیوی را عقلانی و مطلوب ارزیابی می‌کند. بر اساس این منطق اجتماعی، آرمان‌ها و ارزش معنوی، پاداش‌ها و درجات اخروی، اعمال و کنش‌های مبتنی بر ایشار، بیرون از حیطه عقلانیت قرار می‌گیرند. عقلانیت ابزاری دو ویژگی اساسی دارد که عبارتند از «خودبنیادی» و «دنیوی» بودن. ویژگی اول بدان معنا است که این نوع عقلانیت هیچ پیوندی با عقل قدسی و وحیانی برقرار نمی‌کند. ویژگی دوم که ناشی از خصلت اول است، به این معناست که از این منظر تنها اهداف قابل دسترس این جهانی مطلوب و عقلانی محسوب می‌شوند. این نوع از عقلانیت را به این دلیل که معطوف به کسب منفعت و

دفع ضرر این جهانی است می‌توان عقلانیت تنک‌مایه نامید. بدون تردید، داشتن عقل معاش در تنظیم حیات انسان‌ها اهمیت اساسی دارد، اما مشکل وقتی به وجود می‌آید که تنها تعقیب اهداف مادی و دنیوی را عقلانی محسوب نمایم (صدر، بی‌تا: ۲۶۵).

الگوی عقلانیتی را که قرآن به عنوان منطق کنش جمعی آدمیان مطرح می‌کند، تنها معطوف به اهداف و غایات این جهانی نیست، بلکه عقلانیت جامع، غنی و پرمایه‌ای است که اهداف و کمال مطلوب‌ها را متناسب با گستره حیاتی دنیوی و اخروی انسان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. الگوی عقلانیت قرآن الگوی جامع و شاملی است که عقل معاش و عقل معاد را با هم ترکیب می‌کند که براینند آن نگاه همزمان به دنیا و آخرت، و ابعاد مادی و معنوی حیات انسان در کنار هم است.

قرآن هم انسان‌ها را به بهره بردن از لذت‌های دنیوی تشویق و ترغیب می‌کند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف، ۳۲)، و هم به این حقیقت اساسی توجه می‌دهد که زندگی این جهانی «پایان حیات» انسان نیست؛ بلکه زندگی ابدی انسان در جهان دیگر نیز تعقیب خواهد شد: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص، ۷۷). بر اساس این آیه، کنشگر عاقل کسی است که بهترین انتخاب‌ها را در راستای کسب لذت‌های ماندگارتر انجام می‌دهد و نفع و ضررها را با توجه به گستره حیات دوجوانی خود مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در مدل عقلانیت قرآنی، کنش‌های عاملان اجتماعی تنها با انگیزه بیشینه کردن منافع کوتاه مدت مادی و این جهانی حادث نمی‌شود، بلکه در سنجش نفع و ضرر، ملاک‌های مد نظر کنش‌گران قرار می‌گیرند که با سعادت واقعی و ابدی انسان تناسب و سنجیت داشته باشد.

الگوی عقلانیت جامع‌نگر قرآن را در آیه ذیل با صراحت بیشتری می‌توان دید: «فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ. وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا» (بقره، ۲۰۰-۲۰۲). قرآن در این آیات، افراد و

جوامع بشری را بر اساس نوع عقلانیت و منطق محاسباتی‌شان در دو دسته کلان طبقه‌بندی می‌کند. برخی از گروه‌ها و جوامع انسانی صرفاً طالب دنیا و برخورداری از مواهب مادی آن بوده و تنها تلاش برای اهداف قابل دسترس دنیوی را مقرون به عقلانیت می‌دانند. در مقابل، دسته دوم را افراد و جوامع تشکیل می‌دهند که هم خواستار بهره‌مندی از نعمت‌های مادی و دنیوی است و هم طالب مواهب معنوی و اخروی.

قرآن کریم در این آیات، تنها خواسته‌ها و اهداف گروه دوم را «حسنة» و انتخاب «بهینه» می‌نامد و خواسته‌های گروه اول را که فقط طالب برخورداری‌های دنیوی است مطلق ذکر می‌کند و آن را مقید به وصف «حسنة» نمی‌کند. از این جا روشن می‌شود که منطق و نظام محاسباتی گروه اول از دیدگاه قرآن منطق ناقص و محدودی است و نمی‌تواند سعادت و خوش‌بختی را برای بشر در پی داشته باشد. چرا که این منطق عمل باعث می‌شود که بشر منافع و خیرات پایدار اخروی را از دست بدهد و تنها نیل به مقاصد و مزایای محدود دنیوی را وجهه همت خود قرار دهد. لذا قرآن تنها در مورد دسته دوم می‌فرماید: «أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا، یعنی آنان از آنچه به‌دست آورده‌اند بهره‌ای دارند.»

طبق این آیه، افراد و جوامعی که تنها در پی کسب دنیا و مواهب مادی هستند، علاوه بر این که منافع و پاداش‌های اخروی را از دست می‌دهند، تلاش‌های‌شان در جهت تحصیل منافع و مزایای مادی و این جهانی نیز مقرون به نفع و بهره‌مندی نیست. بنابراین چه بیان شد، کنش عقلانی از منظر اسلام کنشی است که دنیا و آخرت را در کنار هم مورد ملاحظه قرار می‌دهد و نفع و ضرر، و خسارت و زیان را با توجه به گستره‌ای دوجوانی حیات انسان مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲-۱. شاخص‌های اساسی کنش عقلانی در اسلام

در چارچوب اندیشه‌ای اسلامی، عقلانیت دارای ویژگی‌ها و شاخص‌های است که آن را از عقلانیت سکولار کاملاً متمایز می‌سازد. در عقلانیت جامع‌نگر

اسلامی، امور عقلانی شمرده می‌شود که در چارچوب تفکر سکولار اساساً غیر قابل تصور است. به همین جهت جامعه‌ای که از عقلانیت اسلامی بهره می‌برد، در حوزه تعاملات اجتماعی‌شان نیز الگوهای رفتارهای متمایزی دارند که به برخی از ویژگی‌ها و شاخص‌های کلان آن اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۱. محاسبه‌گری

محاسبه و سنجش جوهر و هسته اصلی عقلانیت محسوب می‌شود (مجلسی، ج ۱، ۱۴۰۳: ۱۶۰). محاسبه و سنجش‌گری به این معناست که کنشگر عاقل در چند راهی‌های عمل، پس از سنجش سود و زیان و بررسی ادله موافق و مخالف، به راهی می‌رود که بر اساس شواهد قابل اعتنا، مناسب‌ترین راه برای رسیدن به هدف تلقی می‌شود (حکیمی، ج ۴، ۱۳۸۰: ۴۸۷).

محاسبه حاوی برآورد، انتخاب و طراحی اجرای مناسب کنش است. از دیدگاه اسلامی انسان محاسبه‌گر تمام پیامدهای کنش را سنجیده و بعد دست به انتخاب می‌زند. (مجلسی، ج ۶۸، ۱۴۰۳: ۳۴۲). زندگی نیکو در متون دینی، زندگی در سایه خرد و تدبیر و بی‌تدبیری آفت نظم زندگی معرفی شده است. (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۸). بنابراین، تمام کنش‌ها در جامعه اسلامی قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی است. این همان چیزی است که نظم را در جامعه محقق می‌سازد. اما نکته مهمی که باید بدان توجه شود این است که در منطق اسلام مبنای محاسبات عقلانی، تنها اهداف دنیوی نیست، بلکه ملاک اصلی محاسبات عقلانی، اهداف ناظر به سعادت و شقاوت ابدی انسان است. به عبارت دیگر، حتی دنیوی‌ترین کنش از نظر اسلام می‌تواند صبغه اخروی و الهی به خود بگیرد.

۱-۲-۲. خدامحوری

در غیاب اعتقاد به خدا، محاسبه‌گری اساساً ناممکن است، چرا که در این صورت هر عملی می‌تواند مجاز و بلکه موجه تلقی گردد. به عبارت دیگر، با بیرون رفتن خدا از زندگی بشر، آنچه به عنوان مقیاس و معیار عقلانیت کنش

جایگزین می‌گردد چیزی است که قرآن از آن تعبیر به «هوی» و «هوس» می‌کند. هوس یک تمایل روانشناختی مخض نیست، بلکه نوع منطق کنش است که بر اساس آن، تنها اعمال و رفتارهایی که در جهت اشباع و ارضای خواسته‌های «من طبیعی» کنشگر قرار دارد، منطقی و توجیه‌پذیر تلقی می‌شوند.

از منظر قرآن کریم تلاش برای دستیابی به اهداف متعالی و متناسب با «من» یا هویت حقیقی انسان وقتی عقلانی به حساب می‌آیند که خداوند به عنوان بنیاد ارزش و معیار ارزش‌گذاری مطرح باشد. لذا در اغلب روایاتی که عقلانیت اجتماعی را مطرح می‌کند، ایمان به خدا و اطاعت از او شاخص کنش عقلانی ذکر شده است. برخلاف عقلانیت ابزاری که در آن انسان‌گرایی و ایمان به انسان و در نتیجه اطاعت از خواسته‌ها و هوس‌های انسان به طور مطلق، شرط عقلانیت محسوب می‌شود، در الگوی عقلانیت اسلامی خداگرایی و اطاعت از خداوند، شاخص اصلی کنش‌های عقلانی شمرده شده است (مجلسی، ج ۱، ۱۴۰۳: ۱۱۶). بنابراین، در منطق اسلام کنشی عقلانی است که خدامحور و در خدمت رشد کمالات معنوی انسان باشد (همان، ۱۴۰۳: ۱۶۰). از همین‌رو، کنش‌گران اجتماعی ملزم هستند که مبنای همکاری خود را در تعاملات اجتماعی، اطاعت از خداوند قرار دهند. کسب رضایت خداوند، شاخصی است که بهره‌مندی و خسران واقعی انسان با آن محک می‌خورد.

۳-۲-۱. نگاه غیرمادی به حیات

در چارچوب عقلانیت سکولار، مفاهیم مانند نفع و ضرر، خسران و شادکامی و امثال آن، فراتر از بهره‌مندی‌های کمی و مادی قابل درک نیست و تلاش برای تحصیل خیرات و پاداش‌های معنوی، معنای عقلانی محصلی ندارد. لذا در این پارادایم، کنش عقلانی شمرده می‌شود که پیامدها و نتایج آن مشهود و قابل اندازه‌گیری باشند. از این منظر حیات معنوی و اخروی انسان اصالت ندارد و اهداف و غایات معنوی اگر هم مورد توجه قرار گیرند، عمدتاً در ذیل و حاشیه‌ی زندگی مادی مطرح می‌شوند.

برخلاف گفتمان تک‌ساحتی مادی‌گرایانه، نگاه اسلام به این موضوع، نگاه شامل و فراگیر است. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی است که دارای ابعاد بعد روحی و مادی است. بعد مادی انسان که در جسم و بدن او تبلور یافته مقتضی، تمایلات، نیازها و خواسته‌های ویژه‌ای است که زندگی مادی انسان به تأمین آن‌ها وابسته است. نیازهای معیشتی از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن، ارضای غریزه جنسی،... از جمله نیازهای مادی انسان هستند که بدون تأمین آن‌ها حیات بشر در معرض خطر قرار می‌گیرد.

علاوه بر گرایشات و نیازهای مادی، نوع دیگری از نیازها وجود دارند که ناشی از حیات روحی و معنوی انسان است. نیازها و خواسته‌های معنوی بشر متنوع و گسترده است اما بنیادی‌ترین آن، نیاز به معنویت و ارتباط با خدا است. اسلام نه چون مکاتب مادی‌گرایی اهداف زندگی بشر را منحصر در تأمین نیازهای و مقاصد مادی می‌داند، و نه چون آیین‌های تارک دنیا، استفاده از مواهب و نعمت‌های دنیوی را مذموم و ناروا می‌داند، بلکه از منظر اسلام زندگی انسانی دارای ابعاد و وجوه متنوعی است که نسبت هم رابطه مکمل و تأثیر و تأثر متقابل دارد. بر همین اساس از منظر اسلام جامعه‌ی که نسبت به مقاصد و نیازهای مادی و معیشتی بی‌توجه است، به همان اندازه غیرعقلانی، منحط و نامطلوب تلقی می‌شود که جامعه‌ی که در آن اهداف و ارزش‌های معنوی مورد غفلت قرار می‌گیرند (صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۳۸۳).

۴-۲-۱. عدالت و انصاف

از جمله شاخص‌های بنیادی روابط اجتماعی عقلانی در اسلام، رعایت اصل عدل و انصاف است. مقصود از عدل و انصاف در روابط اجتماعی این است که عاملان و گروه‌های اجتماعی درگیر در میدان‌های تعاملی، نسبت به همدیگر به گونه‌ای عمل کنند که ترجیح می‌دهند نسبت به خودشان آن گونه عمل شود. (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۴). در باب اهمیت اصل عدل از منظر قرآن، اشاره به این نکته کافی است که قرآن کریم تحقق عدالت را یکی از اهداف اساسی تمام آدیان

آسمانی برشمرده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). با توجه به این آیه و نیز آیات دیگر می‌توان گفت و اعمال و کنش‌هایی که مطابق با هنجارها و اصول عدل و انصاف نباشد، از دیدگاه اسلام عقلانی محسوب نمی‌شوند. لذا امام علی (ع) با صراحت رعایت عدل و انصاف را از نشانه‌های عقلانیت، تیزهوشی و فطانت، بهترین انتخاب و مناسب‌ترین پشتوانه در مناسبات اجتماعی بیان می‌کند (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۶).

از منظر امام علی (ع)، عدالت میزان و شاخصی است که به وسیله آن می‌توان در باب درستی و حقانیت رفتارهای فردی، روابط جمعی و ساختارهای اجتماعی قضاوت کرد (حکیمی، ج ۶، ۱۳۸۰: ۶۰۴). در فرمایش دیگر امام علی (ع) تصریح می‌کند که اگر روابط و ساختارهای اجتماعی بر اصول عدالت استوار نباشد، فرجام آن فروپاشی و اضمحلال خواهد بود. در این روایت عدالت به عنوان «شیوه عام تدبیر حیات انسانی»، عامل استحکام و استمرار حیات اجتماعی و بی‌عدالتی از جمله علل اصلی بحران و ایجاد آشوب‌های اجتماعی که ترقی و پیشرفت را متوقف می‌سازد، توصیف شده است (ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ۱۴۰۴: ۸۵).

۲. نقش عواطف در تنظیم روابط اجتماعی

از منظر اسلام عاطفه یکی از پایه‌های اساسی نظم و همبستگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. بدون وجود نوعی وابستگی عاطفی میان کنش‌گران اجتماعی استقرار نظم و ثبات اجتماعی با چالش‌های ریشه‌ی مواجه خواهد بود. وابستگی عاطفی عامل اصلی ایجاد تعهد اجتماعی در میان عاملان اجتماعی به شمار می‌رود؛ از طرف دیگر، تعهد اجتماعی نیز از جمله عناصر اساسی تشکیل دهنده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی هستند. در نتیجه می‌توان گفت عاطفه نقش بنیادی در تنظیم اجتماعی و استقرار نظم و ثبات در جامعه دارد.

به دلیل همین اهمیت اساسی عواطف در شالوده‌ریزی جامعه منظم و بسامان است که در متون دینی بر تقویت و تعمیم پیوندهای عاطفی در جامعه مؤمنان

تأکیدات زیاد صورت گرفته است. به عنوان نمونه، قرآن در سوره فتح، پایه اصلی تعامل در جامعه مؤمنانه را رحمت و عطفیت بیان می‌کند: «...رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹)؛ در سوره حجر، صراحتاً به پیامبر اکرم دستور می‌دهد که با مؤمنان بر مبنای اصل محبت، رحمت و مهربانی رفتار نماید: «وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر، ۸۸). همچنین در سوره روم، پیوندهای عاطفی یکی از نشانه و آیات الهی بیان شده که بنیان خانواده به عنوان واحد اساسی نظم بر آن استوار است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱).

قرآن کریم یکی از علل اساسی موفقیت رسول اکرم را در شالوده‌ریزی نظم نوین اسلامی در میان مردمان متشت و همواره در حال نزاع جزیره العرب، عواطفی مثبت می‌داند که به برکت اسلام در آن‌ها ایجاد گردید و از آن به عنوان بزرگترین نعمت الهی یاد می‌کند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۱۰۳) در متون روایی نیز به وفور بر اهمیت و نقش اساسی عواطف در پی‌ریزی و استحکام روابط اجتماعی مطلوب تأکید شده است.

به عنوان نمونه، امام علی (ع) در مورد نقش مثبت عواطف در تنظیم حیات جمعی می‌فرماید: «قلب‌های مردم طبعاً وحشی و رام ناشدنی است که توسط مهربانی، عطفیت و احسان نسبت به هم رام می‌شوند» (خوانساری، ج ۴، ۱۳۶۶: ۵۰۷). امام باقر (ع)، از محبت و عطفیت به جوهر و خلاصه دین تعبیر می‌کند (مجلسی، ج ۲۷، ۱۴۰۳: ۹۵). با توجه با این آیات و روایات می‌توان گفت که تعلقات عاطفی عامل مهم در بهم پیوستگی افراد، گروه‌های اجتماعی و جامعه در سطح کلان به شمار می‌رود، اما مسأله اساسی که باید به آن پرداخته شود، پاسخ به این پرسش است که از منظر اسلامی، عواطف و احساسات در چه شرایطی و با چه ویژگی‌های می‌تواند، بنیاد نظم مطلوب در جامعه اسلامی را فراهم سازد و الگوی وابستگی عاطفی را که اسلام ارائه می‌کند دارای چه شاخص‌های است؟

۲-۱. الگوی وابستگی عاطفی از دیدگاه اسلام

عواطف و پیوستگی‌های روحی که در میان عاملان اجتماعی شکل می‌گیرد ممکن است منشاء و ریشه‌های مختلفی داشته باشد. تأمل در آیات روایات نشان می‌دهد که همه انواع عواطف انسانی در ایجاد پیوندهای اجتماعی در یک درجه از اهمیت قرار ندارد، عواطف انسانی در شرایطی می‌تواند بنیاد مستحکم و استوار برای نظم در یک جامعه مؤمنانه فراهم سازد که سمت و سوی الهی داشته باشد و بر محور ایمان و تقوا بنیان نهاده شده باشد. لذا در ادبیات دینی با عواطف و دوستی‌های که از چارچوب و ملاک‌های یادشده بیرون باشد به شدت مخالفت شده است. عواطف انسانی را می‌توان به لحاظ منشاء به سه دسته متمایز تقسیم کرد:

۱. یکی از مبانی عاطفی گروه‌بندی‌های اجتماعی، وابستگی طبیعی است. وابستگی طبیعی ریشه در طبیعت و غرایز انسان دارد. مهم‌ترین مصداق این سنخ از وابستگی، به ترتیب عواطف حاکم در درون خانواده (روم، ۲۱)، خویشاوندی (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۶۶) و گروه‌های همسایگی و دوستی است. اگرچه عواطف طبیعی حاکم بر روابط خانواده و خویشاوندی، نیروی فوق‌العاده‌ای در ایجاد انسجام و بهم پیوستن افراد دارد، ولی شعاع و گستره آن محدود است. از همین رو، وابستگی طبیعی نمی‌تواند پیوندهای نیرومندی را در سطوح گسترده‌تر اجتماعی ایجاد نماید (مصباح، ج ۳، ۱۳۷۶: ۹۹).

در این سنخ از عواطف هرچه واسطه خویشاوندی بیش‌تر و دورتر می‌شود، به تدریج وابستگی‌های حقیقی و نیروبخش به اشتراکات اسمی تقلیل می‌یابد و انگیزش‌های عاطفی ضعیف‌تر و کمرنگ‌تر خواهد شد (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲۴۳). لذا از منظر اسلام وابستگی غریزی به تنهایی بنیان یک نظم عام و گسترده را فراهم نمی‌کند. اگر وابستگی طبیعی بیش از حد مورد توجه و تأکید قرار گیرد، نه تنها مقوم نظم نیست، بلکه مخل آن است؛ چون جامعه را به قطعات مجزا از هم تبدیل می‌کند و هویت جمعی مشترک را به هویت‌های محدود خانوادگی و خویشاوندی تقلیل می‌دهد. صورت‌های افراطی همبستگی طبیعی و

خونی در قالب قبیله‌گرایی، قوم‌گرایی، و نژادگرایی تجلی می‌یابد که در صورت غلبه یافتن، انسجام جامعه را از بین برده و جامعه را به سیستم قطاعی و تکه تکه تبدیل می‌کند. از همین رو اسلام به شدت با نژادگرایی و قبیله‌گرایی مخالفت نموده است (حجرات، ۱۳).

۲. نوع دوم پیوند عاطفی تابع عوامل و انگیزش‌های طبیعی نیستند، بلکه عمدتاً در اثر همزیستی مشترک ایجاد می‌شوند. پس از این که انسان‌ها به حکم عقل برای تأمین نیازهای مادی و معنوی‌شان همزیستی و زندگی مشترک را در یک گروه یا اجتماع آغاز کردند، در سایه این همزیستی، عواطف متقابلی نیز میان آنان پدید می‌آید. زیرا وقتی شخصی احساس نماید که انسان‌های دیگر، خدماتی را به نفع وی انجام می‌دهند و نیازهای وی را در زندگی اجتماعی بر طرف می‌سازند عواطف و محبت وی نسبت به آنان برانگیخته می‌شود. این سنخ از عواطف نسبت به نوع اول از قابلیت تعمیم‌پذیری بیشتری برخوردار است و شأنیت انتشار در ابعاد وسیع‌تری اجتماعی را دارد؛ به همین دلیل می‌تواند شالوده وسیع‌تری برای نظم و انسجام در سطوح کلان اجتماعی فراهم سازد (مصباح، ج ۳، ۱۳۷۶: ۹۹).

هرچند این سنخ از تعلقات عاطفی مرزهای محدود اجتماعات طبیعی را پشت سر می‌گذارد و قابل تسری به خرده واحدهای بزرگتری اجتماعی نظیر گروه‌های شغلی و حرفه‌ای می‌باشد، اما مسأله این سنخ از عواطف این است که فاقد عمق و شدت کافی است. زیرا این سنخ از تعلقات عاطفی تا زمانی میان اعضای یک گروه برقرار است که برای همدیگر نفعی داشته باشند. به همین دلیل عواطف برخاسته از علایق متقابل فقط ظرفیت ایجاد پیوندهای ضعیفی میان عاملان و گروه‌های اجتماعی را دارد.

امام علی(ع) در مورد ناپایداری عواطف ناشی از ضرورت‌های کاکردی می‌فرماید: «دوستی دنیا داران در اثر کمترین عارضه از بین می‌رود» (آمدی، ۱۳۳۶: ۴۱۸)، یا می‌فرماید: «برادران دنیا دوستی‌شان به خاطر عدم استمرار سبب‌های‌شان، به سرعت منقطع و از هم گسیخته می‌شود» (خوانساری، ج ۲،

۱۳۶۶: ۵۰). در فرمایش دیگر ایشان در مورد زوال‌پذیری و بی‌ثباتی عواطف ایجاد شده در اثر علایق دنیوی آمده است: «پیوند و دوستی‌های که صرفاً مبتنی بر چشم‌داشت‌های مادی بوده و رضایت خدا در آن مطمئن نظر قرار نگیرد، رفتن به بیراهه و اتکا به آن محال و غیر معقول است.» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۳).

۳. نوع سوم پیوندهای عاطفی، نه معلول تمایلات طبیعی است و نه محصول همزیستی مشترک؛ بلکه این سنخ از عواطف ریشه در تمایلات عام و ارضای نیازهای متعالی‌تر انسانی دارد. اسلام ضمن تأیید نسبی دو نوع پیوند عاطفی فوق، منابع جدیدی را برای دلبستگی عاطفی انسان‌ها معرفی می‌کند که عمیق‌تر و گسترده‌تر از دو نوع قبلی است. این پیوند عاطفی محصول وابستگی روحی است که در اثر ایمان دینی ایجاد می‌گردد و در ادبیات اسلامی از آن به «اخوت دینی» تعبیر می‌شود (حجرات، ۱۰) وابستگی شکل گرفته در اثر اشتراک دینی هم عمیق است و هم فراگیر و گسترده؛ یعنی در وابستگی عاطفی دینی، هم عمق و گرمای عواطف اصیل و طبیعی احیاء و بازتولید می‌شود و هم دارای بنیادهای گسترده‌تری است که سطح کاربرد آن را توسعه می‌دهد.

امام علی در مورد عمق و پایداری روابط عاطفی که مبتنی بر ایمان دینی است، می‌فرماید: «برادران در راه خدا دوستی‌شان به خاطر دوام و ثبات سبب آن، پاینده و بادوام است.» (خوانساری، ج ۲، ۱۳۶۶: ۵۰) همچنین فرموده است: «دوستی دینداران با یکدیگر دیر بریده می‌شود و دوام و ثباتش دائمی است.» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۳). وابستگی پایدار فقط در پرتو ایمان به یک محور متعالی واحد، در وجود انسان ایجاد می‌شود و تنها نیروی دینی می‌تواند همه انسان‌ها را در حول محور واحد، گرد هم آورد و افراد متکثر و منفرد را از حیث عواطف و خصلت‌های روحی به جسد واحد تبدیل نماید (انفال، ۶۳).

بنابراین، الگوی عاطفی مطلوب از دیدگاه اسلام، آن است که بر اساس همبستگی دینی و ایمانی شکل گرفته باشد. هر چند اسلام پیوندهای طبیعی و کارکردی را نفی نمی‌کند، اما تلاش می‌ورزد که با مبنا قرار دادن «حب» و

«رضایت الهی» آنها را سمت و سوی متعالی بخشیده و با نیروی ایمان بر عمق و گستره‌شان بیفزاید.

۲-۲. شاخص‌های کنش عاطفی در اسلام

با توجه به الگوی وابستگی عاطفی که اسلام معرفی می‌کند، روابط اجتماعی ویژگی‌ها و شاخص‌های خاصی پیدا می‌کند که در این جا به چند شاخص مهم و زیربنایی آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۲. تعیین مرزهای اجتماعی بر اساس حب الهی

اساسی‌ترین شاخص روابط اجتماعی مبتنی بر الگوی وابستگی دینی، مبنا قرار دادن حب الهی است. این شاخص در قرآن کریم ذیل مفهوم ولاء و ولایت بیان شده است. ولاء از جمله مفاهیم پرکاربرد قرآن است و ابعاد مختلفی دارد. مقصود از ولاء به مثابه شاخص روابط اجتماعی مطلوب، عبارت است از این که مرزبندی‌های هویتی یا تعیین خودی و غیر خودی در جامعه اسلامی بر اساس ایمان، محبت و دوستی خداوند قرار دارد: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱). در این آیه، عامل پیوند، نزدیکی مؤمنان و علاقه آن‌ها به سرنوشت همدیگر، و داد ایمانی و حب به خداوند بیان شده است. طبق مفاد آیه، افراد به موجب ایمان، با یکدیگر پیوند می‌یابند و هویتی واحد و مشترکی پیدا می‌کنند و به موجب قرابت و نزدیکی با یکدیگر، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند و نسبت به سرنوشت هم علاقه‌مندند و در حقیقت به سرنوشت خود که یک واحد را تشکیل می‌دهند علاقه می‌ورزند و لذا امر به معروف می‌کنند و یکدیگر را از منکر و زشتی‌ها باز می‌دارند (مطهری، ج ۳، ۱۳۷۷: ۲۶۴).

شهید مطهری ولاء و ولایت در اسلام را به دو قسم مثبت و منفی تقسیم می‌کند و برای ولاء مثبت نیز اقسامی بیان می‌کند. اما در مجموع می‌توان گفت که ولاء مثبت حدود حب‌ها و ولاء منفی مرز بغض‌های اجتماعی را مشخص

می‌کند. در جامعه مطلوب اسلامی هم دوستی‌ها و هم دشمنی‌ها با معیار خدایی مورد سنجش قرار می‌گیرد. هر که و هر آنچه رنگ خدایی دارد، با قطب و لاء مثبت جذب و هر آنچه صبغه غیرخدایی دارد با قطب و لاء منفی مورد دفع قرار می‌گیرد. شدت جذب و دفع نیز تابعی از میزان دوری و نزدیکی امور نسبت به خداوند است؛ هرچه قرب به خداوند بیشتر باشد، میزان حب و کشش روحی افراد نسبت آن بیشتر و هرچه از کانون الوهیت بیشتر فاصله داشته باشد تعلق و پیوند قلبی نسبت به آن کمتر خواهد بود (مطهری، ج ۳، ۱۳۷۷: ۲۵۷-۲۸۸).

از دیدگاه اسلامی ولایت در حکم عمودی است که خیمه نظام اجتماعی بر آن استوار است. همانگونه که بدون عمود خیمه، سایر ارکان برپادارنده آن کارآیی خود را از دست می‌دهد، سامان اجتماعی مطلوب نیز در غیاب و لاء ولایت دست یافتنی نیست. لذا علامه طباطبایی از ولایت به عنوان «روح» اجتماع تعبیر می‌کند. به اعتقاد ایشان تمام تمام نظام‌های اجتماعی بر بنیاد نوعی ولایت استوار است و در فلسفه اجتماعی اسلام نیز ولایت به عنوان محور سامان اجتماعی مطرح گردیده است، منتهی تفاوت نظریه اسلام با دیدگاه سایر مکاتب در این است که از منظر اسلام هر نوع ولایتی نمی‌تواند باعث شکل‌گیری نظام اجتماعی مطلوب گردد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۴).

از منظر اسلامی ولایت در صورتی می‌تواند سامان و روابط اجتماعی مطلوب ایجاد نماید و باعث تکامل و پیشرفت گردد که ناشی از ولایت الهی باشد: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.» (مائده، ۵۶). در این آیه شریفه تنها ولایت خداوند و کسانی که ولایت آنها استمرار ولایت الهی است عامل پیشرفت و کامیابی جامعه بیان گردیده است (مکارم، ۱۳۸۶: ۸۱).

۲-۲-۲. احساس تعهد و مسؤولیت

تعهد نوعی احساس مسؤولیت و تکلیف اخلاقی در قبال دیگران است. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان تعهد به عنوان شالوده نظم و روابط پایدار اجتماعی،

ارتباط تنگاتنگی با میزان وابستگی عاطفی میان افراد و گروه‌های اجتماعی دارد. یعنی هرچه احساس تعلق افراد نسبت به یکدیگر بیشتر باشد احساس وظیفه و مسئولیت در قبال همدیگر بیشتر خواهد بود (چلبی، ۱۳۸۹: ۱۰۱). بنابراین، می‌توان گفت که تعهد یا احساس تکلیف در قبال دیگران از شاخصه‌های تعامل اظهاری و عاطفی است. تأمل در کلام معصومین و میراث اسلامی نشان می‌دهد که از منظر اسلام، مشارکت اجتماعی عمدتاً صبغه اظهاری دارد؛ بدین معنا که انجام نقش‌های اجتماعی و معاشرت با دیگران تنها به‌عنوان راهبردی برای تأمین ضرورت‌های معیشتی مطرح نیست، بلکه در نظام اجتماعی مطلوب از نظر اسلام، همگان موظف و مکلف‌اند که با تشریک مساعی و مشارکت متعهدانه در جهت رسیدن به خیر همگانی تلاش نمایند. روایاتی که جامعه اسلامی را تشبیه به یک پیکر یا خانواده واحد می‌کند، تأکیدی بر برجسته‌سازی تعهد و احساس مسئولیت در روابط اجتماعی از منظر اسلام است (حکیمی، ج ۱، ۱۳۸۰: ۶۱۲).

علاوه‌براین دسته از روایات، در احادیث دیگر مسئولیت عمومی مؤمنان در قبال همدیگر به‌صراحت بیان شده و مورد ترغیب قرار گرفته است. از جمله، رسول اکرم در حدیثی تکافل یا مسئولیت عمومی مؤمنان در قبال همدیگر را به‌عنوان قاعده اساسی روابط اجتماعی بیان فرموده است. در این حدیث انجام نقش‌ها در سلسله مراتب مختلف موقعیت‌های اجتماعی به‌عنوان یک وظیفه یا تکلیف قلمداد شده که کوتاهی در آن مورد بازخواست الهی قرار می‌گیرد (فلسفی، ج ۲، ۱۳۷۹: ۳۴۸). همچنین در روایت مشهوری از رسول اکرم افرادی که نسبت به سرنوشت دیگران احساس مسئولیت نمی‌کند، خارج از جرگه مسلمانان دانسته شده‌اند (فلسفی، ج ۳، ۱۳۷۹: ۲۲۰). از مجموع این احادیث می‌توان استنباط کرد که تعهد شاخص مهم تعاملات اجتماعی در اسلام به‌حساب می‌آید.

۲-۲-۳. چشم‌داشت پادشاه‌های معنوی

سومین شاخص تعامل اظهاری مبتنی بر الگوی اسلامی، مربوط به چشم‌داشت‌های کنش‌گران اجتماعی است. افرادی که با منطق کنش اظهاری به

تعامل می‌پردازند، کمتر توقع چشم‌داشت‌های منافع مادی و عاجل را دارند، بلکه در این نوع تعامل، افراد عمدتاً با انگیزه‌هایی از قبیل کمک و احسان به دیگران، کسب رضایت خاطر یا ارضای روحی و به‌دست آوردن پاداش‌های معنوی، اقدام به عمل و کنش می‌کنند. روایات متعدد و فراوانی در متون دینی وجود دارند که دوستی برای خدا را مورد تشویق و ترغیب قرار می‌دهند. رسول اکرم در حدیثی خطاب به امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید، محکم‌ترین رشته ایمان، دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا است (خراسانی، ۱۳۷۴: ۳۵۶). فحوای تشویق دوستی برای خدا این است که معاشرت در یک جامعه مؤمنانه عمدتاً به دلایل و انگیزه‌های غیرمادی صورت می‌گیرد. امام صادق (ع) صریحاً می‌فرماید که معاشرت با مردم لازم است برای خدا باشد، نه به خاطر فائده دنیوی که متوقع است و نه برای طلب جاه و اعتبار و یا خودنمایی و مشهور شدن (کمره‌ای، ۱۳۷۷: ۱۵۶). بدون شک منظور امام در این روایت این نیست که مردم اساساً به دنبال منافع فردی خود نباشند، بلکه منظور این است که در یک جامعه مؤمنانه افراد تنها در پی بیشینه کردن منافع فردی خود نیستند؛ نفس معاشرت و ارتباط با مؤمنان مطلوبیت و ارزش دارد.

۴-۲-۲. رحمت و عطف و تعمیم‌یافته

هر چند در روابط اجتماعی مطلوب از دیدگاه اسلام حب و بغض‌ها با مقیاس حب به خداوند و پذیرش ولایت الهی سنجیده می‌شود اما این بدان معنا نیست که اسلام روابط و معاشرت نیکو را صرفاً منحصر به افراد و جامعه مؤمنان نماید. اسلام دین رأفت و رحمت است. خداوند در قرآن کریم پیامبر اکرم را رحمتی می‌داند که برای همه مردم فرستاده شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷). به همین دلیل اسلام احسان و محبت را نسبت به همه مردم توصیه نموده است. خداوند در قرآن کریم صراحتاً به مؤمنان توصیه می‌کند که حتی با کافران در شرایطی که نسبت به مسلمان خصوصیت نورزیده‌اند، مناسبات نیکو و مطابق با موازین قسط و عدالت داشته باشند: «لَّا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ

الَّذِينَ لَمْ يَقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» (ممتحنه، ۸-۹). امام علی (ع) نیز در عهدنامه مالک اشتر، می‌فرماید باید نسبت به همگان با محبت و مهرورزی رفتار کرد چرا که مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو هستند، و دسته دیگر در آفرینش با تو برابرند (حکیمی، ج ۶، ۱۳۸۰: ۶۲۲). بنابراین، در جامعه اسلامی حتی کسانی که با مسلمانان هم مسلک نیستند دارای احترام و مستحق مهرورزی است. به تعبیر شهید مطهری، منافاتی نیست میان آنکه مسلمان به غیر مسلمان احسان و نیکی کند و در عین حال ولاء او را نپذیرد، یعنی او را عضو پیکری که خود جزئی از آن است بشمارد و بیگانه‌وار با او رفتار کند، همچنان که منافاتی نیست میان ولاء منفی و اصل بشر دوستی و رحمت برای بشر بودن. لازمه بشر دوستی این است که انسان به سرنوشت و صلاح و سعادت واقعی همه انسانها علاقه‌مند باشد (مطهری، ج ۳، ۱۳۷۷: ۲۵۸).

۳. مکانیسم پیوند عقل و عاطفه در الگوی روابط اجتماعی اسلامی

از تأمل در منابع معرفتی اسلامی روشن گردید، که الگوی روابط اجتماعی در اسلام هم برای عقلانیت شأن و منزلت قائل است و هم نقش عواطف را مورد غفلت قرار نمی‌دهد. منتهی مشکل اصلی آن است که چگونه می‌توان این دو بنیان به ظاهر متناقض کنش را در یک الگوی سازواره کنار هم قرار داد. در ادبیات رایج جامعه‌شناختی معمولاً این موضوع لاینحل به نظر می‌رسد و چنین بازنمایی می‌شود که عقل و عاطفه مانع‌الجمع هستند و گذار از روابط اجتماعی گرم، عاطفی و جماعتی به روابط سرد، سودجویانه و غیر شخصی یا عقلانی یک فرایند اجتناب‌ناپذیر است. جامعه‌شناسان غالباً این فرایند را به رغم آثار و پیامدهای ناخوشایند زیادی که برای تمدن بشر داشته، به‌عنوان توسعه و پیشرفت اجتماعی بازنمایی می‌کند و آن را سرنوشت مختومی می‌داند که هرچند به قفس آهنین، از خودبیگانگی، ... راه می‌برد، اما بشر چاره‌ی جز قبول و تسلیم شدن در برابر آن را ندارد. از این منظر بشر اگر بخواهد از جهان اساطیر

و افسانه‌ها به دنیای علم و توسعه قدم گذارد گریزی از آن ندارد که از مزایای روابط گرم شخصی و عاطفی به سود تعاملات سرد عقلانی صرف نظر کند. اما در چارچوب نظام معرفتی اسلام، عقل و عاطفه، علم و ایمان، سنجش‌گری و ایشار، نه تنها با هم متناقض نیستند، بلکه سامان و روابط اجتماعی مطلوب وقتی امکان می‌یابد که هم از روشنگری عقل بهره‌مند باشد و هم از گرما و حرارت ایمان و عواطف متعالی انسانی. از منظر اسلامی، نه عاطفه‌گرایی ذاتا مانع توسعه اجتماعی است و نه عقلانیت لزوماً به پیامدهای ناگوار ختم می‌شود. مشکل وقتی ایجاد می‌گردد که بشر این ظرفیت‌های اصیل انسانی را به صورت ناقص و غیر متوازن به کار می‌برد. در چارچوب تفکر اسلامی حداقل دو راهبرد برای این مشکل می‌توان ارائه کرد.

۱-۳. تعمیق و توسعه عواطف

یکی از راهبردهای اساسی که اسلام برای ارائه الگوی جامع روابط اجتماعی مد نظر قرار می‌دهد، تعمیق روابط عواطف انسانی و توسعه آن است. در الگوی که اسلام برای همبستگی عاطفی ارائه می‌دهد از یک سو سعی شده است که بنیادهای گسترده‌تری برای عواطف انسانی که قابلیت کاربرد در گستره‌های وسیع داشته باشد، معرفی گردد؛ از سوی دیگر عمق و گرمای عواطف اصیل و طبیعی را در الگوی خود احیاء و بازتولید نماید. به عبارت دیگر، اسلام در عین حال که سعی دارد کانون‌های طبیعی عواطف و احساسات انسانی یعنی اجتماعات طبیعی را حفظ و استحکام آن‌ها را تقویت نماید، منابع جدیدی را برای دلبستگی عاطفی انسان‌ها معرفی می‌کند، که مسیر عبور و استقرار روابط عاطفی و اظهاری را در وراء گروه‌ها و اجتماعات اولیه و طبیعی فراهم می‌سازد. استراتژی را که اسلام برای تعمیق و توسعه عواطف به کار می‌گیرد، معرفی یک «محور مشترک» برای تعلقات عاطفی در جامعه مطلوب اسلامی است. این محور مشترک که همان ولاء یا محبت به خدا است، شاخصی است که باید همه تعلقات عاطفی در جامعه مؤمنانه خود را با آن تنظیم نماید. مهم‌ترین ویژگی این

محور مشترک این است که تعلق خاطر و وابستگی به آن قابلیت تعمیم‌پذیری در وراء مرزهای محدود و بسته‌ای گروهی، قومی و ملی را دارد. زیرا محوری که اسلام برای هدایت و تمرکز عواطف انسانی معرفی می‌کند، فرازمانی، فرامکانی است و همه انسان‌ها نسبت به آن در وضعیت برابر و مساوی قرار دارد. برخلاف تعلقات عاطفی خویشاوندی که حداکثر در گروه‌های قومی و قبیله‌ای قابل تکثیر است، و نیز برخلاف عواطف ناشی از همزیستی مشترک که تابع نوسانات آرایش منافع کنش‌گران است، عواطف دینی و مذهبی شالوده عمیق‌تر و گسترده‌تری برای ایجاد پیوندهای اجتماعی فراهم می‌سازد و این ظرفیت را دارد که کل انسانیت را فارغ از تعلقات نژادی، زبانی، جغرافیایی در یک جامعه واحد و همبسته گردهم آورد.

۲-۳. تعالی بخشیدن معیارهای عقلانیت

دومین استراتژی تعالی بخشیدن مقیاس‌های سنجشگری آدمیان است. در چارچوب اندیشه سکولار، وظیفه اساسی عقل تدبیر حیات مادی و این جهانی بشر است لذا اعمال و شیوه‌های عقلانی شمرده می‌شوند که بهترین انتخاب در جهت رسیدن به مقاصد حیات دنیوی محسوب گردد. اما عقلانیت اسلامی به دلیل اتصال با مجاری عقل قدسی و بهره‌گرفتن از وحی یا عقل بیرونی در تدبیر معیشت و حیات آدمیان افق‌های نوینی را فراروی بشریت باز می‌کند و ملاک‌های سنجش و ارزیابی آدمیان در باب درست و نادرست و شیوه‌های صحیح زندگی را تغییر می‌دهد. در این سنخ از عقلانیت کنش‌های آدمیان تنها با انگیزه‌های بیشینه ساختن منافع کوتاه مدت این جهانی حادث نمی‌شود، بلکه در سنجش نفع و ضرر، ملاک‌های مد نظر انسان قرار می‌گیرند که با سعادت واقعی و ابدی انسان تناسب و سنخیت داشته باشد. به همین دلیل این سنخ از عقلانیت را می‌توان عقلِ عقل هم نامید، زیرا عقل معاد در حقیقت راهبر عقل معاش است و به دلیل احاطه که بر عالم و آدم دارد، معیارهای واقعی را که ضروری است انسان آن‌ها را مبنای عمل‌شان قرار دهد معرفی می‌کند. عقل

معاد در حدیثی از رسول اکرم به روشنی بیان و تعریف شده است. رسول اکرم خطاب به امیر مؤمنان می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ الْعَقْلُ مَا اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَّةُ وَ طُلِبَ بِهِ رِضَا الرَّحْمَنِ؛ ای علی عقلانیت خردورزی چیزی است که به وسیله آن بهشت بدست آید و خشنودی خداوند به وسیله آن جستجو شود.» (رضایی، ۱۳۶۴: ۶۴).

نتیجه‌گیری

جامعه متعادل و با ثبات محتاج نهاده‌ها شدن یک الگوی نظم پویا در سطح تعاملات اجتماعی است. منظور از نظم پویا الگوی رفتاری است که در آن منطق روابط ابزاری با منطق روابط اظهاری به‌نحوی باهم ترکیب شوند. برای دسترسی به چنین الگوی از نظم ضرورت دارد که هم روابط اظهاری در ورای گروه‌های اولیه و اجتماعات طبیعی بسط یابد و هم منطق عقلانیت و خردورزی و تعقیب علایق فردی تا حدی در جامعه امکان رشد و نمو را داشته باشد. نظم بدون روابط اظهاری شکننده است، همانطوریکه فقدان روابط ابزاری مانع از انبساط و تکامل جامعه خواهد شد. بنابراین، در الگوی پویا از نظم اجتماعی، منطق اظهاری و ابزاری به‌نحوی سازواره همدیگر را تکمیل می‌کند. به هر میزانی که این دو عنصر مکمل ترکیب متعادل داشته باشند، جامعه از تعادل و توازن پویا برخوردار خواهد شد. به همین دلیل، الگوی نظم اسلامی بر هر دو پایه نظم یعنی عقلانیت و عاطفه متکی است. در نظم اسلامی به این دلیل که مبتنی بر انسان‌شناسی که است که تمام ابعاد وجودی انسان را مد نظر قرار می‌دهد، عواطف انسانی در پایه‌ریزی روابط انسانی همان قدر اهمیت دارد که خردورزی و عقلانیت. انسان در اندیشه اسلامی هم هلوع و طماع است و هم نوع دوست و ایثارگر. هر دو ویژگی از بن مایه‌های وجودی انسان ریشه می‌گیرند به همین دلیل نمی‌توان هیچکدام از آن‌ها را به نفعی دیگری حذف و مصادره کرد. لذا اسلام در الگوی تعاملی که ترسیم می‌کند، در عین حال که منطق گرم روابط اظهاری را مورد ترغیب قرار می‌دهد، در کنار آن از منطق ابزاری نیز حمایت می‌کند. اسلام نه تنها روابط مبتنی بر عواطف و احساسات انسانی را در گروه‌های اولیه مورد تأکید قرار

می‌دهد بلکه تلاش وافر می‌کند تا این منطق را در سطح بین‌گروهی و اجتماع جامعه‌ای نیز تسری بدهد. از طرف دیگر، سودطلبی و یارفتارهای منفعت‌طلبانه به این دلیل که ریشه در فطرت و طبیعت انسان دارد به هیچ وجه مورد مخالفت اسلام قرار نگرفته است. بلکه اسلام سعی کرده است که از انجام گسیختگی آن با طرح ارزش‌های معنوی، دگرخواهانه و نوع دوستانه جلوگیری نماید.

منابع:

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، مترجم، محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، هشتم، ۱۳۷۵.
۳. پارسانیا، حمید، از عقل قدسی تا عقل ابزاری، علوم سیاسی، سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۸۱، صص ۷-۱۶
۴. پارسانیا، حمید، هستی و هبوط، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۶. چلیپی، مسعود، نظم اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
۷. جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن (تفسیر موضوعی، ج ۱۴)، قم، مرکز نشر اسراء، سوم، ۱۳۸۳.
۸. حکیمی، الحیات، ترجمه‌ی احمد آرام ج ۶، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه‌ی، بهراد جعفری، تهران، اسلامیه، بی تا.
۱۰. خراسانی، علم الهدی، نهج الخطابه، تهران، کتابخانه صدر، دوم، ۱۳۷۴.
۱۱. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۲. رضائی، سید عبد الحسین، کتاب الروضه در مبانی اخلاق، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۶۴.
۱۳. صبحی، صالح، نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴.

۱۴. صدر، محمدباقر، رسلتنا، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للامام الشهید الصدر، دوم، ۱۴۲۴.
۱۵. صدر، محمد باقر، اقتصادما، مترجم، ع-اسپهدی، ج ۲، بی جا، بی تا.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، انتشارات اسلامی، قم ۱۳۷۴.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، بررسی های اسلامی، بررسی های اسلامی، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۳۸۸.
۱۸. فلسفی، محمد تقی، الحدیث - روایات تربیتی، فلسفی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۹. کمره ای، محمد باقر، الخصال، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، نشر اسلامی، ۱۴۰۳.
۲۱. مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶.
۲۲. مکارم شیرازی، آیات ولایت، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶.
۲۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.

جایگاه مسجد از منظر قرآن و حدیث با تأکید بر کارکردها و آسیب‌های مساجد کابل

عبدالمعزز رحمانی^۱

چکیده

در قرآن کریم و احادیث نبوی درباره مسجد، آیات و روایات متعددی وارد شده است؛ اعمار و تأسیس مساجد یکی از وظایف مهم پیامبران بوده است؛ ولی سؤال اصلی اینجاست که در قرآن و حدیث کدام ابعاد مسجد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟ ابعاد آموزشی، تربیتی و فرهنگی مسجد از منظر قرآن و حدیث چگونه است؟ با توجه به تصویری که از مسجد در قرآن و روایات وجود دارد، کارکردها و آسیب‌های مساجد کابل را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ براساس آیات و روایات چه راه‌کارهایی را می‌توان برای بهبود نقش‌آفرینی مساجد کابل ارائه کرد؟ دین مقدس اسلام از آغاز تأسیس با مساجد پیوند استوار و ناگسستنی داشته است. نقش مسجد در ترویج عبادت، تعلیم و تربیت، صلح، امنیت و اصلاح افراد جامعه اسلامی غیرقابل انکار است. اما ضعف و کاستی که به تدریج در امت اسلامی راه یافته، عبارت است از این که کارکردهای آموزشی، تربیتی، فرهنگی و ... مساجد کم‌رنگ شده‌اند. بنابراین، تحقیق درباره جایگاه، کارکرد و آسیب‌های مسجد از منظر قرآن و حدیث یک ضرورت اساسی است. همچنین ضرورت دارد که با توجه جایگاه و کارکردهای مسجد در قرآن و روایات، مساجد کابل نیز مورد بررسی قرار گیرند. این پژوهش در راستای همین ضرورت با استفاده از روش میدانی و اسنادی یا کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

واژگان کلیدی: مسجد، قرآن، حدیث، کارکرد، آسیب.

مقدمه

مسجد جایی است که نقش بسیار ارزنده در تربیت فرد و بازسازی اجتماع و حاکم کردن دین در جامعه دارد. بر همین اساس مسلمانان باید به مساجد روی آورند و آن را به پایگاهی برای تربیت افراد و ساختن جامعه تبدیل کنند. در این نوشتار به موضوع «جایگاه مسجد از منظر قرآن و حدیث، با تأکید بر کارکردها و آسیب‌های مساجد کابل» پرداخته شده است و کوشش گردیده که از منابع قرآنی و احادیث، ابعاد و کارکردهای مسجد توضیح داده شود.

در این نوشتار به‌طور مشخص کوشش شده است که مسجد از آدرس قرآن و حدیث معرفی گردد، تا جایگاه معنوی و مقدس مسجد به‌طور واضح، روشن گردد. مسجد در عصر رسول الله (ص) فعالیت متنوع داشت، نقش مسجد در آغاز اسلام بسیار ارزنده و اساسی بود؛ مسجد نه تنها مرکز عبادت بود بلکه تمام برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مسلمانان نیز از مسجد صورت می‌گرفت، در این تحقیق کوشش شده است که به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

در آیات و روایات کدام ابعاد مسجد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟

ابعاد مسجد از منظر قرآن و حدیث کدامند؟

ابعاد تربیتی مسجد از منظر قرآن و حدیث کدامند؟

ابعاد فرهنگی مسجد از منظر قرآن و حدیث چگونه است؟

کارکردها و آسیب‌های مساجد کابل را از منظر قرآن و حدیث چگونه می‌توان

ارزیابی کرد؟

در ارتباط با مساجد در تمام نقاط کشور افغانستان موجود است؛ اما متأسفانه نبود برنامه و پایین بودن سطح آگاهی و سواد مردم نسبت به نقش و جایگاه مسجد، کاستی بزرگ در جامعه به وجود آورده است؛ از جمله گسترش ناامنی، تعصبات قومی، سمتی، زبانی و مذهبی و... که همه ناشی از عدم آگاهی از اسلام و ارزشات انسانی می‌باشد، مسجد در تقویت آگاهی ارزشهای اسلامی و انسانی

از مقام و جایگاه بلند برخوردار است.

معرفی جایگاه، مقام و عظمت مسجد از منظر قرآن و حدیث و همچنان بررسی کارکردها و چالش‌های مساجد کابل و جستجوی راه‌کارهای علمی و عملی در راستای فعال‌سازی و تقویت و بهبود برنامه‌های مساجد از اهداف مهم این تحقیق می‌باشد.

موضوع مورد تحقیق، پژوهش‌های زیاد صورت گرفته است اما کتب و مقالاتی که در این زمینه به نگارش درآمده‌اند، موضوع را به شکل جامع و همه‌جانبه از نظر قرآن و حدیث مورد کاوش و بررسی قرار نداده‌اند. مسائل مربوط به مساجد علاوه بر قرآن و حدیث، از منظر سایر علوم نیز قابل بحث و بررسی است و نگاه جامع به این موضوع می‌تواند کارکردها و نقش‌های مسجد را آشکارتر سازد.

بررسی مساجد و نحوه ارتباط آن با دیگر نهادها و کانون‌های علمی و نقش آن در بیدارگری امت اسلامی یک کار کاملاً جدید و تطبیق آن در جامعه افغانستان یک کار مستقل است. این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به شیوه تحلیلی توصیفی و نیز میدانی صورت پذیرفته است.

و در آخر میدانی و مصاحبه‌ای انجام گردیده است.

اعمار مسجد یکی از نشانه‌های ایمان است، خداوند متعال می‌فرماید «إنما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر» [توبه: ۱۸] یعنی: «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز باز پسین ایمان آورده‌اند، امید است که اینان از راه یافتان باشند» رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می‌فرماید: «إذا رأیتم الرجل یعتاد المساجد فاشهدوا له بالإیمان»؛ «چون شخصی را دیدید که به مساجد پیوسته رفت و آمد می‌کند به ایمان داشتن او گواهی دهید» (ابن ماجه، جزء: ۱، متوفی: ۲۷۳ ه ق، ح: ۸۰۲، ص: ۲۶۳)

۱. مفهوم مسجد

مسجد واژه عربی، صیغه مفرد، اسم ظرف و به معنای پرستش‌گاه است (آریاناء،

۱۳۸۹، ج ۶، ص ۵۷۵) مسجد اسم مکان (جای سجده) و بر وزن (مَفْعِل) مانند مجلس برخلاف قیاس استعمال شده است و به تمام زمین پاک و پاکیزه که نماز جواز داشته باشد مسجد گفته می‌شود (الشنفقی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۵۰). به‌طور خلاصه، عبارت است از مکان و جای که برای نماز و عبادت خداوند اعمار گردیده باشد (ابوحیب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۶۷)؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن، آیه ۱۷) مسجد عبارت از محل حصول قرب الی الله و جای ارتقا و نزدیک شدن به الله متعال و جای پاک کردن نفس از گناهان است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۵۵).

۲. جایگاه مسجد از منظر قرآن و حدیث

مسجد خانه خداوند متعال در زمین، مکان سجده در برابر عظمت خداوند متعال، مکان بیان نمودن بندگی در برابر پروردگار، مکان شناخت و گذرگاه رسیدن به سعادت در جوار رحمت خداوند مهربان است؛ مسجد مکان پاک کردن شرک و نابود کردن باطل و جایگزین کردن حقیقت است، مسجد مکان آزادی بشر از قید بردگی و بندگی مخلوقات است: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸)، «مسجدها خاص برای خداوند است؛ با خدای یکتا کسی را شریک مخوانید».

۱-۲. محبت به مسجد

انسان مسلمان باید با مسجد ارتباط و نسبت به آن محبت داشته باشد و آن را مرکز عبادت و خودسازی خود قرار دهد. مساجد با ذکر و عبادت خداوند متعال آباد می‌شود و از همین جهت است که مساجد به «بیت الله» مشهور گردیده است، مساجد محبوب‌ترین اماکن مقدس در نزد خداوند متعال است.

جناب ابوهریره از رسول اکرم (ص) روایت می‌کند که فرمود: سبعة يظلهم الله في يوم لا ظل إلا ظله... و رجل قلبه معلق فی المساجد...». خداوند، هفت گروه را روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد، در زیر سایه خود،

جای می‌دهد: از جمله مسلمانی که همیشه قلب آن متوجه مسجد باشد و از یک نماز به انتظار نماز بعدی باشد» (بخاری، ۱۴۰۷، جزء ۱، ص ۲۲۲).

۲-۲. برترین مساجد جهان

جناب عبدالله ابن زبیر از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: «صلاة فی مسجد هذا خیر من ألف صلاة فی مسجد»، یک نماز در مسجد الحرام از صد هزار نماز که در غیر مسجد الحرام خوانده شود بهتر است» (بیهقی، ۱۴۲۴، جزء ۵، ص ۲۴۶). ابو سعید خدری از پیامبر اسلام (ص) روایت می‌کند که فرمود: «ولا تشد الرحال إلا الی ثلاثة مساجد مسجد الحرام و مسجد الأقصی و مسجدی» شما قصد سفر نکنید مگر به سه مسجد، مسجد الحرام، مسجد الاقصی و مسجد النبی» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱). به مذهب جمهور مسجد الحرام برترین مسجد می‌باشد اما در نزد امام مالک (ره) مسجد النبی برترین مسجد می‌باشد (الزحیلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۶).

۳. فعالیت‌های فرهنگی مساجد

در زمان رسول الله (ص) و خلفای راشدین مسجد تنها برای عبادت و آموزش علوم دینی نبود، بلکه در تقویت و رشد فرهنگی مسلمانان هم نقش موثری داشت و به‌دستور پیامبر (ص) برای حسان بن ثابت شاعر رسول الله (ص) منبر نهاده بودند و کعب بن زهیر دو قصیده مشهور خود را در مسجد سرود. همچنین در زمان حضرت عمر فاروق (رضی الله عنه) در کنار مسجد نبوی مکان خاصی برای امور فرهنگی اختصاص داده شده بود و عبدالله بن سعید بن العاص در مسجد نبوی کلاس شیوه‌ی نگارش و خوش‌نویسی برپا کرده بود (خطبه‌های مسجد، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۷۲۲).

۳-۱. افعال مسنونه مسجد

۳-۱-۱. دعای داخل شدن و خارج شدن مسجد

از حضرت فاطمه (س) دخت رسول اکرم (ص) روایت شده است که فرمود:

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا دخل المسجد يقول «بسم الله والسلام على رسول الله اللهم اغفر لي ذنوبي وافتح لي أبواب رحمتك» وإذا خرج قال: «بسم الله والسلام على رسول الله اللهم اغفر لي ذنوبي وافتح لي أبواب فضلك»، به نام خدا وارد مسجد می‌شوم و سپاس مخصوص خداست و درود و سلام بر رسول او، خدایا گناهانم را مغفرت فرما و درهای رحمت را بر من بگشا (قزوینی، بی‌تا، ج ۱، ح ۷۷۱، ص ۲۵۳). همچنین هنگام خروج از مسجد با پای چپ خارج شود، این دعا را بخواند: «بسم الله والحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله اللهم اغفر لي ذنوبي وافتح لي أبواب فضلك»، به نام خدا از مسجد بیرون می‌شوم و سپاس مخصوص خداست و درود و سلام بر پیامبر او، خدایا گناهانم را بیامرز و درهای بخشش خود را بر من بگشا.

۲-۱-۳. آداب گذاشتن کفش در مسجد

عبدالله این سائب نقل می‌کند: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم صلى يوم الفتح فوضع نعليه عن سيارة»، پیامبر اکرم (ص) روز فتح مکه هنگام خواندن نماز کفش‌ها را به سمت چپ خود گذاشتند. فعل پیامبر مانند قول پیامبر است، ساختن جاکفشی در دروازه‌های ورودی و خروجی مساجد تا نمازگزاران کفش‌های خود را بگذارند، این کار از مصالح مرسله است و در زمان پیامبر (ص) وجود نداشت (النسائی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۴)

۳-۱-۳ تحیه المسجد

«إذا دخل أحدكم المسجد فلا يجلس حتى يصلی رکعتين»، هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، ننشیند تا این که دو رکعت نماز بخواند و تحیه مسجد الحرام طواف کعبه شریف است. (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۰)

۴-۱-۳ نظافت مساجد

از جمله افعال مسنونه مسجد رعایت نظافت مسجد است. قرآن کریم می‌فرماید: «فی بیوت أذن الله أن ترفع» (نور، ۳۶)، در خانه الله شأن و بزرگی آن

بالا برده شود». یا گفته شده: «هی المساجد و رفعها أعلأ شأنها من بناء و طهارة و صيانة»، زمین اماکن مقدس از هر نوع پلیدی، نجاست و گناه‌ها پاک شود (الجزائری، ج ۵، ص، ۴۹۲).

حضرت امام صادق (ع) فرمود: هرگاه به درب مسجد رسیدی پس متوجه باش که تو در درگاه سلطان بزرگی رسیده‌ای و به بساط او پای نمی‌گذارند مگر آنانی که طاهر باشند و برای مجلس و مجالست او اذن داده نمی‌شود مگر کسی که درست کردار و راستگو باشد (امام جعفر الصادق، ۱۴۰۰، ص، ۵۱). الله متعال حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) یعنی دو پیامبر بزرگ خود را خادم کعبه گردانید و به آنان دستور داد که مسجد الحرام را از وجود آلودگی‌های ظاهری و معنوی پاک سازند. با توجه به آنچه ذکر شد، ما باید در پاکی مساجد نهایت کوشش را داشته باشیم. (اصفهانی، رضایی و جمعی از پژوهشگران، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۵).

۳-۲. افعال مکروهه مسجد

۳-۲-۱. کراهت داخل شدن اشخاص بدبو در مسجد

از حضرت جابر (ره) از رسول الله (ص) روایت شده است که می‌فرماید: «کسی که سیر و پیاز و تره بخورد به مسجد ما نزدیک نشود؛ زیرا فرشتگان اذیت می‌شوند از آنچه که انسان‌ها اذیت می‌شوند: «وعن جابر بن عبدالله عن النبی (ص) قال: من أكل من هذه البقلة اثموم و قال مرة من أكل الصل و اثم و الکرات فلا یقربن مسجدنا فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه بنو آدم» (القشیری، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۰).

۳-۲-۲. کراهت تزیین مساجد

آنچه که در داخل مسجد فکر نمازگزار را از خشوع و تضرع نماز غافل می‌کند مکروه پنداشته می‌شود؛ چون نقش‌ها و رنگ‌هایی که بر دیوار و فرش‌های مسجد است، توجه نمازگذار را به خود جلب نموده قلب را به خود مشغول می‌سازد، در نتیجه از نماز غافل شده و خشوع نماز از بین می‌رود، در حالی که

خشوع روح نماز است و خداوند متعال می‌فرماید: «قد أفلح المومنون الذين هم في صلاتهم خاشعون» (مومنون، ۱-۲) «به تحقیق که رستگار شدند مؤمنانی که در نماز خود با خشوع هستند».

۳-۲-۳ کراهت خارج شدن بعد از اذان از مسجد

جناب ابن حنبل می‌گوید: «علمنا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قائلا إذا كنتم في المسجد فنودی بالصلاة فلا يخرج أحدكم حتى يصلي» «پیامبر - صلی الله علیه وعلی آله وسلم - به ما آموخت و فرمود: هرگاه شما در مسجد بودید که برای نماز اذان داده شد، پس هیچ‌کس از مسجد بیرون نشود تا این که نماز بخواند» (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۱۶، ص ۵۴۶).

۳-۲-۴ کراهت داخل شدن افراد جنب، حائض و نفساء به مسجد

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة و أنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون و لا جنبا الا عابري» (نساء، ۴۳)، ای مؤمنان به نماز نزدیک نشوید در حالت مستی تا این که آنچه بگوئید بدانید (مستی پایان یابد) و نه در حالت جنابت، مگر این که از مسجد (بدون توقف) عبور کنید» عن عائشه (رضی الله عنها) تقول جاء رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فقال «وجهوا هذه البيوت عن المسجد فإنى لا أحل المسجد لحائض ولا جنب»، من مسجد را برای زنی که حیض باشد و کسی که جنب باشد، حلال نمی‌دانم» (سجستانی، بی‌تا، ج ۱، ح ۲۳۲، ص ۹۲).

زنی که نفاس است بر زن حائض قیاس می‌شود؛ هدف از حرمت دخول حائض ترس از آغشته شدن مسجد به خون است که این هدف در زنی که نفاس می‌باشد نیز یافته می‌شود، اما در عبور کردن از مسجد به خاطر کاری که دارد، ترس نجس شدن آن نیست و شریعت آن را اجازه داده است.

۳-۲-۵ کراهت تعیین جای مخصوص در مسجد

در روایتی از رسول اکرم سه چیز مورد نهی قرار گرفته است: «عن عبدالرحمن

بن شبل قال: نهی رسول الله صلی الله علیه و سلم عن ثلاث عن نقره الغراب و عن قرشه السبع و أن به وطن الرجل المكان الذی یصلی فیہ کما یوطن البعیر» رسول خدا (ص) از سه چیز نهی کردند:

اول: «نقره الغراب: نوک زدن در نماز مانند کلاغ که هدف انجام سجده و نماز بدون تعدیل و آرامش است؛ زیرا سجده کامل عبارت است از گذاشتن پیشانی و بینی بر زمین و سه مرتبه گفتن تسبیح «سبحان ربی الأعلى» و اگر سجده کامل نشد، سبب بطلان نماز می‌گردد.

دوم: «و عن فرشه السبع» فرش کردن بازوها در زمین مانند درنده در سجده و این عمل در سجده حالت زشتی دارد و در نماز درست نیست.

سوم: «توطین المكان فی المسجد» اختصاص دادن جای معینی برای خود در مسجد که یک نوع احتکار در خانه خداست و این کار مخالف معنای مسجد است، چون مساجد مال خداست و مال هیچ یک از بندگان نیست که در آن احتکار کنند (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۹).

۶-۲-۳. کراهت انداختن بزاق و آب دهن در مسجد

هرگاه در مسجد دیده شد که شخصی در مسجد آب دهن و یا بزاق انداخته شده است به پاکی آن امر شود: «عن أنس رضی الله عنه أن رسول الله صلی الله علیه و سلم قال: و عن أنس بن مالک قال: قال النبی صلی الله علیه و سلم: البزاق فی المسجد خطئه و کفارتها دفنها» «از انس (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمود: آب دهان انداختن در مسجد گناه است و کفاره‌ی آن دفن کردن است» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۱).

۷-۲-۳. کراهت اعلان گم شده در مسجد

عن أبي هريره (رضی الله عنه) أنه سمع رسول الله صلی الله علیه و سلم يقول «من سمع رجلا ینشد ضاله فی المسجد فلیقل لاردها الله علیک، فإن المساجد لم تبین لهذا»، از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که از رسول الله

(صلی الله علیه و سلم) شنید که می‌فرمود: آنکه از مردی بشنود که گم شده‌ای را در مسجد جستجو می‌کند، باید به او بگوید، خداوند آن را به تو باز نگرداند، زیرا مساجد، برای این کار ساخته نشده است» (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۲). چنین به نظر می‌رسد: باید در سطح شهر و حوزه غرضه مفقودین را اعمار کنند و مسائل اعلانات، گم شده‌ها و آنچه که یافت می‌شود به این آدرس‌ها هماهنگ و تسلیم شود تا باشد جامعه از این مشکل موجوده نجات پیدا کند و مشکل مساجد هم از نقطه نظر اعلان مکروهه گم شده‌ها و مفقودین رفع گردد.

۸-۲-۳ کراهت خرید و فروش در مسجد

جناب ابوهریره در روایتی دیگر از پیامبر اسلام نقل می‌کند که فرمود: «إذا رأیت من یبیع أو یتبع فی المسجد، فقولوا: لا أربح الله تجارتک...» از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: هرگاه دیدید کسی را که در مسجد خرید و فروش می‌کند، به او بگوئید، خداوند بر تجارتت فایده‌ای مرتب نسازد» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۶۱۰).

۹-۲-۳. کراهت ممنوعیت داخل شدن غیر مسلمان به مسجد

مشرکین و کفار از داخل شدن به مساجد الهی به طور عموم و از مسجد الحرام به طور خاص منع شده‌اند؛ خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و إن خفتهم علیه فسوف یغنیکم الله من فضله إن شاء إن الله علیم حکیم» (توبه، ۲۸).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید جز این نیست که مشرکین نجس هستند پس نباید نزد یک مسجد الحرام شوند بعد از این سال آن‌ها و اگر شما مؤمنین خوف فقر و تنگ‌دستی دارید پس زود باشد که خدا شما را بی‌نیاز کند از فضل خود اگر مشیتش تعلق بگیرد بدون شک خداوند متعال به وضعیت شما هست و موافق با حکمت و مصلحت شما رفتار می‌فرماید، حکیم است».

۳-۳. جایگاه اعمارکنندگان مسجد از منظر قرآن و حدیث

۳-۳-۱. جایگاه اعمارکنندگان مسجد از منظر قرآن

قرآن کریم در باره اعمار مسجد می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَاقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (توبه، ۱۸)، مسجدهای خدا را فقط کسی عمارت می‌کند که به خدا و روز آخرت ایمان دارد و نماز خوانده و زکات داده و جز خدا از کسی نترسیده است، امید است که آن‌ها از هدایت یافته‌گان باشند» (خطبه‌های جمعه ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۸۱۲)

۳-۳-۲. جایگاه اعمار کنندگان مسجد از منظر حدیث

جناب خلیفه سوم از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من بنى الله مسجداً بين الله له بيتاً فى الجنة»، از حضرت عثمان (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرموده‌اند هر کسی برای خدا به غرض خشنودی خداوند متعال مسجد را بسازد، خداوند متعال در بهشت برای او خانه‌عالی خواهد ساخت. (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص: ۳۷۵).

۳-۴. اعمار مسجد یکی از وظایف و رسالت پیغمبران

ساختن و اعمار مسجد در نزد خداوند متعال فضیلت و پاداش زیاد دارد؛ خداوند متعال اعمار مسجد را یکی از وظایف مهم و رسالت پیغمبران قرار داده است؛ چنانکه الله متعال می‌فرماید:

«وَإِذَا يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (بقره، ۱۲۷)، از این آیه مبارکه معلوم می‌شود که ساختن مساجد از جمله اعمال خیریه و صدقه جاریه است و حضرت ابراهیم (ع) و فرزندش حضرت اسماعیل (ع) عملاً طبق امر پروردگار به ساختن خانه کعبه اقدام کردند و در پایان کار (ساختن خانه کعبه) از خداوند چنین خواستند: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» «پروردگار را این عمل ما را قبول بفرما و یقیناً تو شنوا و دانای

مطلق هستی» (العرفج، ۱۴۱۹، ص ۱۳)

۱-۴-۳. اعمار مسجد یکی از وظایف و مسئولیت ایمانی مسلمانان

خداوند متعال عمارت و ساختن مساجد را دلیل و نشانه روشن ایمان‌داری مسلمانان خوانده و معطل گذاشتن آن را ظلم بزرگی قرار داده است؛ تنها وظیفه مسلمانان این است که مساجد را اعمار معنوی و فیزیکی نمایند؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «إنما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلاة و أتى الزكاة و لم يخش إلا الله فعسى أولئك أن يكونوا من المهتدين...»، تنها کسی مساجد خدا را آباد می‌سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز را برپا دارد و زکات را پردازد و جز از خدا نترسد، امید است اینان از راه یافتگان باشند»

۲-۴-۳. ممنوعیت اعمار مسجد توسط غیر مسلمان

هر انسان که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورد و از خدا نترسد پس او مستحق اعمار مساجد نیست و شایستگی آن را ندارد که به آباد کردن مسجد مبادرت ورزد، گرچه ادعا کند او مسجد را آباد می‌نماید «ماکان للمشرکین أن يعمرُوا مساجد الله شاهدین علی أنفسهم بالكفر أولئك حبطت أعمالهم و فی النار هم خالدون» (توبه، ۱۷) «مشرکان حق ندارند مسجدهای خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند، آنان اعمال‌شان ضایع و تباه است و در آتش جهنم جاودانه‌اند».

۵-۳. مذمت تخریب‌کنندگان مسجد

«من أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فیها اسمه و سعی فی خرابها أولئك ما کان لهم أن یدخلوها إلا خائفین لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم» (بقره، ۱۱۴)، کیست ستمکار (ظالم) تر از آن که نگذارد در مساجد خدا نام او برده شود و در ویرانی و تخریب مسجد بکوشد.

هیچ‌کس ستمکارتر نیست و جنایتش سخت‌تر از کسی نیست که نگذارد در

مساجد از خداوند یاد شود و نگذارد در آن نماز و دیگر عبادات انجام گیرد و تلاش نماید که آن را به صورت ظاهری یا معنوی ویران کند. (جزائری، ۱۴۲۲، ص ۱۷۲)

۶-۳. تعلیم و تربیت در مسجد

«هو الذی بعث فی الأمیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و إن کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (جمعه، ص ۲)، اوست خداوندی که فرستاد و مبعوث کرد در امین که اهل مکه باشند و رسولی از خود آن‌ها تلاوت کند بر آن‌ها آیات او را و تزکیه و پاک گرداند آن‌ها را از معایب و خباثت و یاد دهد آن‌ها را کتاب و حکمت و اگر چه بودند قبل از بعثت در ضلالت و گمراهی آشکار.

«عن أبی هریره عن النبی (صلی الله علیه و سلم) قال «ما اجتمع قوم فی بیت من بیوت الله تعالی یتلون کتاب الله و یتدار سوته بینهم إلا نزلت علیهم السکینه و عشیتهم الرحمه و حقتهم الملائکه و ذکرهم الله فیمن عنده» جمع نمی‌شوند گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا که کتاب خدا را تلاوت کنند و با یکدیگر تعلیم و تعلم کنند، مگر این‌که بر آن‌ها آرامش نازل شده و رحمت خدا آن‌ها را فرا می‌گیرد و ملائکه در اطراف‌شان حلقه می‌زنند و خداوند از آن‌ها در نزد ملائکه یاد می‌کند. (سچستانی، ج ۱، ص ۵۴۴)

اولیای محترم و استادان گرامی باید دانش‌آموزان را تشویق کنند که نماز را در مسجد بخوانند تا در دوران کودکی و بزرگسالی به آن عبادت کنند و رفتن به مسجد برای‌شان آسان شده و جزء برنامه‌های زندگی‌شان قرار بگیرد (راهنمای مربیان برای تربیت فرزندان، ص ۹۳)

۱-۶-۳. حضور زنان در مسجد برای عبادت (نماز)

فقه‌های سلف حضور زن‌های مؤمن را در مساجد برای نماز و استماع سخنرانی و آموزش احکام اسلامی اجازه داده‌اند، به شرط این‌که ترس فتنه نباشد، اگر ترس از فتنه بود اجازه حضور زنان به مساجد سلب می‌گردد. حضرت عمر

(رضی الله عنه) هنگامی که همسرش از او اجازه می‌خواهد که به مسجد برود سکوت می‌کند، ولی همسرش می‌گوید: تا عمر مرا از رفتن به مسجد نهی نکند، من به مسجد می‌روم، ولی حضرت عمر (رضی الله عنه) نمی‌تواند از همسرش جلوگیری کند؛ زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرموده بود: «إذا استأذنت أحدکم امرأته إلى المسجد فلا یمنعها»، هنگامی که همسران از شما اجازه خواست که به مسجد بروند، او را باز ندارد. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲) تمام این دستورات به خاطر حفظ عفت و پاکدامنی است؛ پاکدامنی و تزکیه نفس فرد را از آتش جهنم نجات می‌دهد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «قد أفلح من زکاهها و قد خاب من دستاها» (شمس، ۹-۱۰)، به تحقیق که رستگار شد کسی که نفس خود را تزکیه کرد و زیان دید کسی که نفس خود را به اسفل السافلین فرستاد.

۲-۶-۳. حضور زنان در مسجد برای تعلیم و تربیه (آموزش و پرورش)

«عن ابن عباس رضی الله عنهما: أن رسول الله (صلی الله علیه و سلم) خرج و معه بلال، فظن أنه لم یسمع النساء قو عظمهم و أمرهن بالصدقه، فجعلت المرأة تلقی القراط و الخاتم و بلال يأخذ فی طرف ثوبه»، ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت می‌کند که: رسول الله (صلی الله علیه و سلم) همراه بلال از مسجد بیرون شد و گمان نمود که زن‌ها وعظ و ارشاد او (صلی الله علیه و سلم) را نشنیده‌اند، بار دیگر به وعظ و راهنمایی آنان پرداخت و آن‌ها را امر به صدقه دادن نمود، زنان شروع به انداختن گوشواره‌ها و انگشترهای‌شان نمودند و بلال (رضی الله عنه) آن را در دامنش جمع‌آوری می‌نمود (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۹)

۴. کارکردهای مساجد کابل

محبت ایمانی و اسلامی ملت شریف و مسلمان افغانستان اعم از ملت تسنن و تشیع در رابطه به مساجد، سبب شده است که مساجد زیادی در این کشور از جمله در شهر کابل اعمار و آباد گردد. گرچه تمام مساجد کابل دارای فعالیت‌ها

و برنامه‌های اسلامی و شرعی هستند؛ اما در این جا به‌طور نمونه فعالیت‌ها و برنامه‌های چند مسجد معرفی می‌شود تا معرفی برنامه‌های این مساجد سبب الگوگیری و تشویق در تمام مساجد کشور شود.

۱-۱-۴. مسجد حضرت تمیم و جبیر انصار (رضی الله عنه)

مسجد جامع تمیم انصار (رضی الله عنه) در شهدای صالحین شهر کابل واقع شده است. اعمار مجدد مسجد حضرت تمیم انصار به کوشش رهبری مسجد شریف مولوی صاحب لطف‌الله حق‌پرست و کمک صادقانه مسلمانان دین‌دوست در چهار طبقه به‌طور پخته و اساسی اعمار گردیده است، این مسجد شریف مورد احترام عام و خاص مسلمانان کشور قرار دارد، همه روزه صدها نفر از راه‌های دور و نزدیک جهت کسب فیض به این مسجد شریف و زیارت‌گاه اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و سلم) حاضر می‌شوند.

این مسجد بزرگ نسبت موجودیت مقبره و زیارت‌گاه دو صحابی بزرگ پیامبر اسلام حضرت تمیم و جبیر انصار (رضی الله عنهما) همچنان با داشتن خطیب توانا و دانشمند پروفیسور استاد لطف‌الله حق‌پرست همراه با برنامه‌های بزرگ اسلامی، مذهبی و فرهنگی‌شان سبب اشتراک هزاران نفر شده است و افراد متدین مخلصانه و عاشقانه از راه‌های دور و نزدیک در نماز جمعه و دیگر برنامه‌های بزرگ اسلامی، مذهبی و فرهنگی این مسجد شرکت می‌جویند.^۱

۲-۱-۴. مسجد شریف جامع اسماعیل ذبیح‌الله

مسجد شریف جامع حضرت اسماعیل ذبیح‌الله واقع در ناحیه چهارم شهر کابل به دلیل توجه و رهبری خردمندانه عالم و دانشمند محترم مولوی صاحب

۱. مولوی لطف‌الله حق‌پرست، خطیب مسجد شریف حضرت تمیم و جبیر انصار (رضی الله عنهما)، عضو ریاست انسجام امور اکادمیک استادان وزارت تحصیلات عالی و استاد ثقافت اسلامی در دانشگاه تعلیم و تربیه شهید ربانی کابل است.

نوت: استاد حق‌پرست از جمله دانشمندان خیرخواه و محبوب در میان مذاهب مختلف اسلامی افغانستان بوده و با دانشمندان اسلامی و عامه مردم رابطه نیک داشته و همیشه در حل قضایای مهم مردم و کشور سهم فعال دارد.

فضل کریم سراجی و همکاری صادقانه و مخلصانه اهالی مسجد شریف و دیگر مسلمانان خیراندیش به‌عنوان یکی از موفق‌ترین مسجدها کابل در ارائه برنامه‌های متنوع تعلیمی و تربیتی اسلامی مطرح است.^۱

۳-۱-۴ مسجد شریف جامع اصحاب کهف

مسجد شریف اصحاب کهف واقع در چمن حضوری شهر کابل می‌باشد. دعوت و تبلیغ بدون شک یکی از فعالیت‌های مسجد نبوی و سنت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) است و این مسجد شریف هم با پیروی از مسجد نبوی فعالیت‌های دعوت و تبلیغ را انجام می‌دهد؛ خدمت صادقانه و فعالیت‌های متنوع دعوت و تبلیغ در این مسجد شریف سبب شده که ده‌ها هزار نفر در برنامه‌های دعوت و تبلیغ مسجد شریف حضرت اصحاب کهف سهم فعال بگیرند و از طریق این مسجد شریف در سایر مساجد کابل برنامه دعوت و تبلیغ توسط جماعت‌های تبلیغ ترویج گردیده است.

مسجد شریف اصحاب کهف در چهار منزل با تمام ملحقات آن، از قبیل وضوخانه، حمام، طعام‌خانه، فروشگاه، اطاق نگهبانی، پارکینگ و وسایط نقلیه، محل محافظت کفش‌ها و ... به‌طور اساسی و پخته در حال اعمار و تکمیل شدن می‌باشد؛ هر منزل آن تقریباً گنجایش بیست هزار نفر نمازخوان را در یک وقت نماز خواهد داشت، به جهت فعالیت و خدمت چشمگیر دعوت و تبلیغ، مسجد شریف اصحاب کهف به نام «مرکز تبلیغ» مشهور گردیده است.^۲

۲-۴. آسیب‌های مساجد کابل

۱-۲-۴. جنگ و ناامنی

«و اِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا اٰمِنًا» (بقره، ۱۲۶) و یاد کنید هنگامی را

۱. عالم و دانشمند بزرگ محترم مولوی صاحب فضل کریم سراجی، خطیب مسجد شریف حضرت اسماعیل ذبیح الله و همچنان رئیس عمومی مساجد و حسینیه‌های وزارت محترم ارشاد، حج و اوقاف دولت اسلامی افغانستان.

۲. مولوی محمد نذیر، امام و خطیب مسجد شریف جامع اصحاب کهف (مرکز تبلیغ) همچنان به عنوان یکی از بزرگان تبلیغ مشغول خدمت است.

که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این مسجد الحرام (مکه) را سرزمین امن قرار ده؛ در این آیه مبارکه به این حقیقت اشاره شده است که تا امنیت در شهر و کشور برقرار نباشد، عبادت هم به خوبی صورت نخواهد گرفت و مردم با اطمینان کامل به مساجد الله رفت و آمد کرده نمی‌توانند و بخش مهم از دین که عبادت در مساجد است معطل خواهد شد (اصفهانی، رضایی و جمعی از پژوهشگران، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۷)

۲-۲-۴. تهاجم فرهنگی و دین‌ستیز

«كان الناس امة واحدة» (بقره، ۲۱۳)، انسان‌ها ابتدا امت واحدی بودند...» به روایت عبدالله ابن عباس تمام انسان‌ها در ابتدا به ملت و دین آدم (ع) بودند تا این‌که بت‌پرستی رواج پیدا کرد و خداوند حضرت نوح را به عنوان پیغمبر فرستاد؛ از زمان حضرت آدم تا زمان حضرت نوح ده قرن و هر قرن مدت هشتاد سال بود (القرشی الدمشقی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۶۹).

فرهنگ عبارت است از مجموعه معارف، عقاید، ارزش‌ها، هنر، ادبیات، نظام سیاسی، اجتماعی، آداب و رسوم قومی، ابزارها و وسایل زندگی جمعی که انسان‌ها در حیات خویش به دست می‌آورند و برای نسل‌های بعدی به میراث می‌گذارند. (شیرودی، بی‌تا، ص ۱۸)

تهاجم فرهنگی یعنی حمله به مقدسات و فرهنگ مانند یک ویروس واگیردار در حال گسترش در کشورهای اسلامی است و ارزش‌ها و مقدسات اسلامی را مورد هجمه قرار داده است، تا آهسته آهسته تجمع مردم مسلمان به اماکن مقدس کاهش یافته و ضعیف شود؛ شخصیت‌های علمی و روشنگر را با دسیسه‌های مختلف به شهادت می‌رسانند، تا آزادی و برنامه‌های روشنگر مساجد را کاهش دهند.

۳-۲-۴. کمبود معاش و نبود قانون سخت‌گیرانه در مساجد

با افسوس به دلیل کمبود معاش و عدم تطبیق قانون در مساجد تعداد زیاد از خطباء و علمای موظف در مساجد شهر کابل با وجود که امام رسمی و برحال

مساجد هستند، بیشترین اوقات خویش را در محیط بیرون از مسجد مصرف می‌کنند و در محیط بیرون مسجد به فعالیت‌ها مشغولند و از این طریق معاش و پول به دست می‌آورند و از مسجد به عنوان یک آدرس استفاده می‌نمایند.

با این که مساجد زیادی از آغاز فتوحات اسلامی تا حال در تمام نقاط مختلف کشور اسلامی افغانستان اعمار گردیده است اما متأسفانه فعالیت مساجد بسیار ضعیف و اکثراً منحصر به نماز می‌باشد و در بسیار اوقات دروازه‌های مساجد بسته است، این عمل مکروهه سبب شده که مردم از آموزهای دینی و اسلامی مساجد بی بهره و بی نصیب باقی بمانند؛ حتی بسیاری از مردان و زنان مسلمان نه تنها از معنا و مفهوم قرآن، حدیث، فقه و متون اسلامی، و آشنایی با سیرت و اخلاق نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) بی بهره می‌باشند، بلکه حتی قرآن کریم را از رو هم نمی‌توانند قرائت کنند.

۴-۲-۴. انحصار و شخصی سازی مساجد

طبق امر و هدایت پروردگار منان «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَاتَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: ۱۸) «بدون شک مساجد خاص برای خدا- جل جلاله- است؛ با خدای یکتا کسی را شریک مخوانید». متأسفانه اکثر مساجد به نحوی در انحصار اشخاص و گروه‌های مشخص و نامطلوب قرار دارد و به این سبب در این نوع مساجد مسلمانان، نمازگزاران، علمای دین، خدمت‌گذاران مساجد به بهانه‌های مختلف مورد تحقیر، اذیت و اهانت قرار گرفته و جلوی فعالیت‌های مساجد گرفته می‌شود و مسائل حق هم کمتر شنیده می‌شود، از آب و برق مسجد و دیگر کمک‌هایی که از طرف مسلمانان به مساجد صورت می‌گیرد، این گونه افراد استفاده‌جو بهره‌مند شده و ماهرانه از مساجد استفاده شخصی و غیرقانونی می‌کنند.

۴-۳. راهکارها جهت گسترش فعالیت‌های مساجد کابل

یکی از اهداف مهم مساجد اجتماع، وحدت امت اسلامی، عبادت در مساجد الله، تعلیم و تربیت امت اسلامی و تقویت ارزش‌های جامعه اسلامی است باید

توسط برنامه‌های خوب و جامع مساجد برای مسلمانان عزیز مساعد گردد و همچنین فضای مساجد از مداخله اشخاص و گروه‌های نامطلوب که خود را در ظاهر خادم و همکار مسجد معرفی می‌کند و کارهای ریاکارانه و مردم‌فریب را انجام می‌دهند و عمل و اخلاق آن‌ها مانع فعالیت‌های مسجد می‌گردد باید پاک‌سازی شود.

۱-۳-۴. بازنگری روی نقشه و ساختمان مساجد

از طریق وزارت محترم حج و اوقاف کمیسیون مؤظف متشکل از چند تن علمای مشهور کشور و انجینیران با تجربه که در دیزاین و معماری اسلامی مهارت داشته باشند روی یک نقشه و دیزاین استاندارد که در آن تمام نیازمندی‌های مساجد در نظر گرفته شود، ترتیب داده شود و این نقشه در تمام نقاط افغانستان قابلیت استفاده و تطبیق را داشته باشد و عملی گردد. جواز اعمار مساجد مطابق نقشه صادر گردد و همچنان بودجه اعمار مساجد مشخص گردد؛ با تفاوت اندک می‌توان بودجه ساخت و اعمار مساجد از قبل پیش‌بینی و برآورد گردد.

۲-۳-۴. تقویت منابع مالی و معنوی مساجد

بدون شک فعالیت مساجد و فعال ساختن برنامه‌های مساجد بدون پول نشدنی است، کوشش شود که از طریق وزارت محترم حج و اوقاف و مردم منابعی جهت کمک به مساجد و تقویت برنامه‌های مساجد فراهم گردد، قانون و مقرره‌ای تصویب شود که در آن ماهانه در ضمن معاش که از طریق وزارت محترم حج و اوقاف پرداخت می‌گردد؛ از هر نفر نمازخوان، شاگردان مسجد و اهالی محترم مربوطه مسجد معاش ماهانه تعیین شود و در وقت معین پرداخت گردد؛ تا از این طریق خدمات و برنامه‌های مسجد به سرعت ترقی و پیشرفت کند منابع مالی مساجد مشخص و روشن گردد.

لایحه وظایف بست‌های کاری مساجد توسط مسئولین محترم ریاست مساجد با در نظر داشت ضرورت جامعه اسلامی و اهالی محترم مربوطه مساجد قانون‌مند

شود، وظیفه امام، خطیب، مؤذن، خادم و سهم همکاری اهالی مربوطه در لایحه وظایف مشخص گردد و این لایحه وظایف در اوراق بزرگ مکتوب گردد و در انظار عمومی در تمام مساجد به نمایش گذاشته شود، که مطابق آن وظایف و فعالیت‌های مساجد را انجام بدهند.

۳-۳-۴. تقویت منابع مالی و معنوی مساجد موفق

مساجد که توسط علمای جید، اخلاص‌مند و خدمت‌گذار موفقانه رهبری و کارکردهای آن موفقانه به پیش برده می‌شود و بیشتر مورد استفاده و توجه امت اسلامی قرار می‌گیرد و با برنامه‌های موفق خویش توانسته‌اند بیشتر مصدر خدمت جامعه اسلامی گردند، چنین مساجد و علمای این مساجد ارزیابی و بیشتر مورد حمایت مالی و معنوی دولت و مردم شریف و دین دوست قرار بگیرند تا یک رقابت سالم در تمام مساجد کشور راه‌اندازی شود.

۴-۴. ایجاد فعالیت‌های متنوع آموزشی مساجد

مسجد در عصر حیات رسول الله (صلی الله علیه و سلم) تنها برای عبادت و نیایش نبود بلکه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره جایگاه ویژه و مشخصی داشت، تمام امور سیاسی، عبادی، دینوی و اخروی در مسجد مورد بحث و تصمیم‌گیری قرار می‌گرفت، اگر زندگی نامه صحابه کرام و ائمه مجتهدین کرام، اصلاح‌گران، داعیان و دانشمندان بزرگ جهان اسلام را بررسی کنیم عامل عمده رشد آن‌ها از مسجد و برنامه‌های سازنده مسجد آغاز شده است. (خطبه‌های مسجد، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۷۱۶)

در شرایط حاضر متأسفانه فعالیت‌های مساجد بسیار محدود شده است و دروازه‌های مساجد قفل و بسته می‌باشد و تنها در وقت نماز بازمی‌گردد؛ این کار مکروهه و جفای بزرگ در حق مسجد است. در این نوشتار به چند فعالیت مسجد اشاره می‌شود تا شاید فعالیت‌های مختلف در مسجد دوباره احیا گردد.

۱-۴-۴. نشر و نصب لوحه‌های آموزشی

با استفاده از امکانات ایجاب می‌کند که در دیوار و منابر مساجد مسائل اعتقادی و ضروری اسلامی را از طریق نوشته‌های خطاطی با سبک و هنر اسلامی، اوراق و لوحه‌ها در در و دیوار مساجد در انظار عمومی نمازگزاران و مراجعین مساجد به نمایش گذاشته شود تا باشد از این طریق سطح آگاهی مردم بالا برود.

۲-۴-۴. تعلیم کوتاه و مختصر بعد از هر نماز مسجد

عن عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما: أن النبی صلی الله علیه و سلم قال: «بلغوا عنی ولو آیه و حدثوا عن بنی اسرائیل ولا حرج و من کذب علی متعمداً فلیتبوأ مقعده من النار» (عبدالله بن عمرو (رضی الله عنهما) می‌گوید: نبی اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرمود: از طرف من به مردم ابلاغ کنید، اگر چه یک آیه باشد» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۷۵).

اگر بعد از انجام نماز جماعت یک مسأله به‌طور واضح و خلاصه و مستدل بیان شود، روزانه پنج مسأله، ماهانه یکصد و پنجاه مسأله و در سال ۱۸۰۰ مسأله، در صورت مناصفه آن حداقل سالانه (۱۰۰۰) یک هزار مسأله در ضمن جملات و متن کوتاه بیان می‌شود، در این صورت مسجد محل بسیار آموزنده برای نمازگزاران خواهد بود.

۳-۴-۴. برگزاری محافل علمی و فرهنگی مسجد

ماهانه هر مسجد با دعوت نمودن یک داعی و مبلغ مشهور کشور که از محبوبیت جامعه اسلامی برخوردار باشد در وقت معین و در باره موضوع مشخص که از قبل اعلان گردیده باشد، یک محفل علمی و فرهنگی را مطابق مسایل مهم جامعه و کشور برگزار نمایند تا اشتراک‌کنندگان با استفاده از این محافل علمی و فرهنگی با مسائل حاد جامعه آشنا گردد و در آخر توسط مجله ماهانه مساجد با قیمت مناسب توزیع گردد تا باشد موضوعات مهم جامعه به شکل علمی به نشر برسد.

۴-۴-۴. برگزاری محافل، امتحان و مسابقات علمی

برگزاری مسابقات علمی بین شاگردان چند مسجد مختلف در ضمن یک محفل بزرگ با اشتراک شخصیت‌های معتبر و شهیر و همچنان دعوت از اولیای محترم شاگردان جهت تشویق و تحکیم فرهنگ آموزش و پرورش در مساجد کشور، موضوع این محافل و مسابقات تحت عنوان مشخص و معین از قبل به اعلان گذاشته شود تا مبلغین و شایقین معارف اسلامی از قبل آگاه بوده و در چنین محافل اسلامی و معنوی اشتراک نمایند.

۴-۴-۵. پخش و نشر از طریق بلندگوی مساجد

بعد از اذان و قبل از نماز، همه روزه یک مرتبه یک موضوع از قبل ضبط شده و یا یک سوره از قرآن توسط یکی از حفاظ و یا مبلغین مشهور جهان اسلام به نشر برسد، بسیار آموزنده خواهد بود؛ تا در سطح جامعه نقش و جایگاه مسجد به عنوان یکی از پایگاه‌های قوی علمی در اذهان عامه حفظ و تداوم نموده و به یک فرهنگ تبدیل گردد.

۴-۴-۶. خطبه نماز جمعه و عیدین در مسجد

گراف اشتراک مسلمانان در نماز جمعه نسبت به نمازهای پنج‌گانه از محبوبیت بیشتر برخوردار است؛ چنانکه خداود متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله و ذروا البع ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون» (جمعه: ۹) «ای اهل ایمان چون در روز جمعه برای نماز اذان گفته شد، به نماز جمعه شتاب کنید و خرید و فروش را ترک نمائید، این برای شما بهتر است اگر بدانید» قال رسول الله صلی الله علیه وسلم «خیر یوم طلعت فیه الشمس یوم الجمعة فیه خلق آدم ص و فیه أخل الجنة و فیه أخرج منها» «بهترین روز که آفتاب در آن طلوع می‌کند روز جمعه است؛ در روز جمعه حضرت آدم را خداوند آفریده و در این روز حضرت آدم وارد بهشت گردید و در روز جمعه آدم (علیه سلام) از بهشت اخراج گردید» (النسای، ۱۶۱۱، جزء ۳، ص: ۸۹)

۷-۴-۴. فتوا از طریق مسجد

«و یستقتونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهن...» (نساء: ۱۲۷) ای پیامبر از تو درباره زنان پرسش می‌کنند، بگو: «خدا در مورد آنان به شما پاسخ می‌دهد» (قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۱۵۲).

علما را قرآن اهل ذکر خطاب فرموده و مسلمانان را مأمور ساخته که از علمای عصر خود مسائل را پرسان نموده و طلب مذاکره نمایند؛ «قاسألو أهل الذکر إن کتم لا تعلمون» (نحل: ۴۳) از علما مسائل را بیاموزید اگر مسأله‌ای را نمی‌دانید؛ ایجاب می‌کند که امامان و خطبای مساجد به مسلک و رشته فتوا وارد باشند؛ مسائل را توضیح و فتوا صادر نمایند و مردم از تاریکی جهالت نجات پیدا کنند.

۸-۴-۴. ایجاد کتابخانه و نشریه مسجد

تمام مساجد شرایط کتابخانه را آماده سازد، علاقه‌مندان به علم و معرفت در مسجد و اماکن دیگر به مطالعه کتب بپردازند، با موجودیت کتابخانه‌های فعال در مساجد نقش مسجد بیشتر خواهد گردید؛ بسیاری از خانواده‌ها کتب اضافی را داوطلبانه به کتابخانه‌های مساجد تسلیم و اهدا خواهند نمود با استفاده از این روش کتابخانه‌های مساجد غنی از کتب خواهد گردید.

۹-۴-۴. مجله سالانه مسجد

مجله سالانه مسجد منتشر و موضوعات مختلف، از جمله موضوعات اسلامی، فرهنگی ادبی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی... شامل مجله گردد، تمام فعالیت‌های مساجد را انعکاس داده نواقص و ضرورت‌های مسجد را در مجله سالانه مسجد به‌طور واضح و روشن پیشنهاد کند تا فعالیت مسجد در تمام نقاط کشور انعکاس قابل ملاحظه یافته و افراد خیراندیش و مؤسسات خیریه به آسانی بتوانند به‌طور مستقیم به مساجد کمک و همکاری نمایند.

۱۰-۴-۴. کنفرانس و سیمینارهای علمی مسجد

با استفاده از جایگاه معنوی و اجتماعی مسجد علما و خطبای مساجد می‌توانند؛

محافل مهم علمی را برگزار نمایند تا از این آدرس و جایگاه مسجد در حل اختلافات مذهبی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و حل منازعات ملی و... مفید واقع شود و وضعیت جامعه اسلامی بهبود پیدا کند.

۱۱-۴-۴. هدایا و تحایف علمی مسجد

«إن المصدقین و المصدقات و أقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعف لهم و لهم اجر کریم» (حدید: ۱۸)

«بیگمان مردان و زنان صدقه‌دهنده و کسانی که به خداوند قرض نیکو می‌دهند (پاداش) آنان چندین برابر داده می‌شود و آنان پاداشی گران‌قدر دارند». با توجه به آیه فوق پیشنهاد می‌گردد که صندوق مسجد تأسیس و با استفاده از صندوق گردآوری کمک مسجد، هدایا و تحفه‌های به خدمت‌گزاران مسجد و شاگردان ممتاز مساجد اهدا گردد.

۱۲-۴-۴. سایت و آدرس الکترونیکی مسجد

هر مسجد با ایجاد یک آدرس اینترنتی و شبکه اجتماعی تحت مدیریت و رهبری سالم به فعالیت آغاز کند، از این طریق بتواند به فعالیت‌های آموزشی و علمی بپردازد و به علاقه‌مندان معارف اسلامی و مساجد مصدر خدمت شود.

نتیجه‌گیری

مسجد جایگاهی است که نقش بسیار زیادی در تربیت فرد و بازسازی اجتماع و حاکم کردن دین در جامعه دارد. باید مسلمانان به مساجد روی آروند و آن را پایگاهی برای عبادت و جایگاهی برای تربیت و ساختن جامعه تبدیل کنند. شرایط امروزی جامعه اسلامی خبر از وضع پریشانی، ناامنی، جنگ، خشونت، ظلم، تعدی، قانون‌شکنی و دین‌گریزی می‌دهد.

جوانان بیش از پیش به دام مکاتب فکری لائیک، و سکولار درآمده و دشمنان اسلام با جنگ‌های تحمیلی، انفجار، انتحار، ناامنی، سرقت خشونت‌های مختلف که در کشور اسلامی ما سال‌های متمادی جریان دارد و حتی این بدبختی‌ها

فضای داخل مساجد را هم مختل و ناامن ساخته است؛ نمازگزاران مساجد هم در امن نیستند.

این وضعیت نامیمون و تحمیلی برنامه‌ای است از سوی دشمنان اسلام که جماعت و برنامه‌های اسلامی مساجد را مختل و متوقف بسازند؛ و دین را به یک امر شخصی و انفرادی تبدیل کنند؛ فقط شامل نماز در خانه و روزه‌ی پنهانی باشد؛ با این نقشه می‌خواهند جوامع اسلامی را زیر سیطره خویش قرار داده و قانون دست‌ساخته خود را در زندگی فردی و اجتماعی ما مسلمانان تحمیل کنند.

منابع

قرآن کریم

الف: کتب فارسی

۱. آکادمی علوم افغانستان (۱۳۸۹)، دایره‌ی المعارف آریانا، کابل: انتشارات نبراسکا.

۲. جزایری، شیخ ابوبکر (۱۴۲۲)، آداب مسجد، مترجم: نورمحمد نوری، بی‌جا.

۳. جمعی از نویسندگان (بی‌تا)، تهاجم فرهنگی.

۴. حسینی، سید غلام‌رضا (۱۳۷۵)، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات رتضوی.

۵. خرم شاهی، بهاول‌الدین (۱۳۸۱)، دانشنامه قرآن پژوهشی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گلشن

۶. رضایی، محمدعلی و جمعی از پژوهشگران (بی‌تا) تفسیر قرآن مهر، چاپ اول، قم: مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.

۷. ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد حج و اوقاف (۱۳۹۶)، خطبه‌های جمعه، کابل: مطبعه طباعتی و صنعتی.

۸. شاکری، سید رضا و محمدی، حیدر (۱۳۸۵) حدیث مسجد (مجمع احادیث شیعه و سنی درباره مسجد)، چاپ دوم، تهران: انتشارات فراز اندیش سبز.

۹. شیرودی، مرتضی (بی‌تا)، جهانی‌سازی در عرصه فرهنگ و سیاست، بی‌جا.

۱۰. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۱. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، چاپ: اول، تهران: مرکز نشر کتاب.

منابع عربی

۱۲. إبراهيم، مصطفى (بی‌تا)، المعجم الوسيط، بیروت: اداره نشر دارالدعوة.
۱۳. أبو حبيب، سعدی (الطبعة الثانية ۱۴۰۸) القاموس الفقهي، دمشق: الناشر دارالفکر.
۱۴. أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۱۶)، مسند امام احمد بن حنبل، مصر: الناشر دارالحديث.
۱۵. اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالعم.
۱۶. البخاری، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل، (۱۴۰۷)، الصحيح البخاری، چاپ: سوم، لبنان: دار ابن کثیر.
۱۷. البيهقي، أحمد بن الحسين (۱۴۲۴)، السنن الكبرى البيهقي، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. ترمذی، محمد عیسی بن سوره (۱۳۹۵)، سنن ترمذی، چاپ سوم، مصر: مطبعه مصطفى.
۱۹. الزاهدي، حافظ ثناء الله (۱۴۲۳) افصول فی مصطلح حدیث الرسول، پاکستان: صادق آباد.
۲۰. الزحيلي، روحبت (بی‌تا) الفقه هالاسلامی و إدلته، الطبعه: الرابعه، سوریه: دارالفکر.
۲۱. السجستاني، أبو داود، سليمان بن الأشعث (بی‌تا)، سنن أبی داود، بیروت: دارالفکر.
۲۲. اسعدون، عبدالعزيز (۲۰۰۱)، الفقه الواضح المسألهی و أدلتها، بی جا.
۲۳. الشنقيطي، محمد الأمين متوفی (۱۳۹۳ هـ ش) (بی‌تا)، تفسير اضواء البيان.
۲۴. العرفج محمد بن علی (۱۴۱۹)، المشروع و الممنوع فی المسجد، الطبعه: دارالفکر.

الأولى، السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد المملكة العربية السعودية.

۲۵. الفاروقى محمد بن على (۱۹۹۶) موسوعه كشف اصطلاحات الفنون و العلوم، الطبعة الأولى، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.

۲۶. القرشى، إسماعيل بن عمر بن كثير (۱۴۱۹) تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، چاپ اول، بيروت: داركتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.

۲۷. القزوينى، محمد بن يزيد، ابن ماجه (المتوفى: ۲۷۳ هـ ق)، (بى تا) سنن ابن ماجه، بيروت: دارالفكر.

۲۸. الامام جعفر الصادق (۱۴۰۰) مصابيح الشريعة، لبنان: بيروت.

۲۹. النسائى، أحمد بن شعيب (۱۴۱۱) سنن النسائى الكبرى، بيروت: دارالكتب العلميه.

۳۰. النيشابورى، مسلم بن الحجاج بن مسلم (بى تا) صحيح مسلم، بيروت: دارإحياء اتراث العربى.

شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه آیات و روایات

حسبیه فیضی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی «شیوه‌های ترویج عفت از دیدگاه آیات و روایات» پرداخته است که با تکیه بر روش «توصیفی-تحلیلی» با هدف اصلی «ترویج عفت در زندگی اسلامی» به انجام رسید. عفاف به معنای پرهیزکاری و پاکدامنی و خودداری از غلبه مطلق شهوت و تمایلات درونی است و در آیات و روایات غالباً در خصوص خودداری از شهوت جنسی و نفسانی به کار رفته است. دین مقدس اسلام بر این مطلب تأکید دارد که افراد برای دوری از گناهان به‌ویژه مواردی که سبب بی‌عفتی می‌شود لازم است که عملاً و با رفتارهایی عفت را در خود به وجود بیاورند. از جمله کارهای که دین توصیه کرده برای ترویج عفت به کار ببریم، کنترل نگاه، داشتن تزکیه نفس، روزه گرفتن، حیا داشتن، عبادت نمودن و به‌خصوص نماز خواندن است. ازدواج نمودن نیز از جمله راه کارهای مؤثر برای ترویج عفت عملی می‌باشد. برای ترویج عفت نیازمند اصولی هستیم که فرد با نهادهای آن‌ها می‌تواند از عفت برخوردار شود. این اصول عبارتند از داشتن ایمان، غیرت، تقوا، معرفت که فرد با رعایت و توجه آن‌ها از بی‌عفتی رهایی پیدا می‌کند؛ همچنین اگر فرد از فواید عفاف و از مضرات بی‌عفتی آگاهی داشته باشد به عفاف می‌رسد. داشتن عزت نفس، تعقل و دوراندیشی نیز در ترویج عفاف مؤثراند.

کلید واژه‌ها: شیوه، ترویج، عفت، بی‌عفتی، آیات، روایات.

مقدمه

عفاف از فضایل اخلاقی مورد تأکید در دین اسلام است. در آیات و روایات زیادی در این خصوص از وجود دارد که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است، چرا که انسان بدون عفاف در مسیر اعتدال قرار نگرفته و به سعادت ابدی خود نائل نخواهد شد. از آنجا که عفت از نتایج و مظاهر ایمان و تقوا است و ریشه در فرهنگ و آموزه‌های ناب اسلامی دارد لذا می‌طلبد که شیوه‌های ترویج عفت را در جامعه اسلامی نهادینه سازیم؛ زیرا عفت امر تربیتی است که در پاکسازی اندیشه و روح افراد نقش اصلی و عمده را ایفا می‌کند. عفاف اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و میان زن و مرد مشترک است. در همین راستا لازم است که عموم افراد خصوصاً جوانان را به این امر آشنا ساخته و در پی توسعه و ترویج آن تلاش شود؛ زیرا مسأله عفاف جنبه‌های مختلف زندگی بشر را در برمی‌گیرد. دین اسلام، دین جامع و کامل است کخ در بعد عفت عمومی و سلامتی جامعه بهترین راهکارها ارائه نموده است که ضرورت دارد به افراد جامعه‌شناسانده شوند. این نوشتار در همین راستا تدوین شده است و تلاش می‌کند شیوه‌های ترویج عفاف را از قرآن و روایات استخراج نماید.

۱. شیوه‌های فردی ترویج عفت از منظر آیات و روایات

۱-۱. راه کارهای نظری

برای ترویج و جاگیر ساختن عفت در نهاد انسان‌ها نیازمند اصولی هستیم که فرد با توجه به این اصول و درونی‌سازی آن‌ها تبدیل فرد عفیف می‌گردد. این اصول عبارتند:

۱-۱-۱. ایمان

ایمان یکی از راه‌های ترویج عفت است که عبارت است از تسلیم توام با اطمینان خاطر (قریشی، بی‌تا، ص ۱۲۴) و به معنای تصدیق می‌باشد. در اصطلاح عبارت است از تصدیق با قلب و اقرار با زبان و عمل با اعضاء و جوارح (منظور، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۱).

امام علی (ع) در تعریف ایمان می‌فرمایند: ایمان عبارت از اقرار و تصدیق است و بعد می‌گویند اقرار به تنهایی ایمان نیست زیرا اگر ایمان تنها اقرار بود می‌بایست تمام منافقان مؤمن باشند. علامه طباطبایی می‌گوید: ایمان عبارت است از جایگیر شدن اعتماد به قلب (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۹۸)

فایده ایمان

بر اساس ایمان آدمی به آموزه‌های دینی در لحظه لحظه زندگی توجه می‌کند و فرامین الهی را در مراحل گوناگون تصمیم‌گیری به‌کار می‌بندد. تا هنگامی که اکسیر ایمان به‌طور فعال در آدمی زنده باشد، گناه از او سر نمی‌زند؛ زیرا ایمان و گناه با یکدیگر جمع نمی‌شوند. بنابراین، انسان تا زمانی که ایمان دارد گناه نمی‌کند و لحظه‌ای که گناه می‌کند ایمان ندارد. قرآن کریم درباره اقل ایمان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَمًا» (فرقان، آیه ۶۸)، و آنان کسانی هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمی‌خواند و نفس محترمی را خدا حرام کرده به قتل نمی‌رسانند و هرگز گرد عمل زنا نمی‌گردند که هر که این عمل کند کیفر گناهش را خواهد یافت.

حضرت علی (ع) فرمودند: خداوند سعادت‌مندان را به وسیله ایمان حفظ کرد و ظالمان را به عصیان و نافرمانی ذلیل و خوار گرداند. همچنین اگر خداوند را انسان ناظر به اعمال خود ببیند دست به کار خطا نمی‌زند و عمل منافی عفت را انجام نمی‌دهد (ری شهری، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۳۴۴).

۲-۱-۱. تقوا

یکی دیگر از راه‌کارهای فردی ترویج عفت، تقوا و پرهیزکاری است. تقوا از ماده «وقی» و به معنای حفظ و نگهداری است؛ تقوا یعنی حفظ نفس از آنچه بیم می‌رود، همچنین تقوا یعنی این که انسان در برابر گناه و معصیت و مخالفت فرمان الهی بر نفس خویش تسلط داشته باشد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» ای فرزندان آدم لباسی برای شما آفریدیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شما است، اما جامه پرهیزکاری بهتر است، این‌ها همه از آیات خدا است تا متذکر نعمت‌های او شوید. (سوره اعراف، آیه ۲۶) از اما محم باقر (ع) روایت شده است مراد از لباس تقوا، عفت است چون کسی که عفت دارد عورت او مستور است اگر چه برهنه باشد؛ ولی فاجر عورت او مکشوف است اگر چه با لباس باشد.

تقوا باعث بصیرت و بینایی عقل می‌شود و نیروی درک و تمیز را تقویت می‌کند، عقل گوهر گران‌بهایی است که در وجود انسان به ودیعه نهاده شده تا به وسیله آن مصالح و مفاسد، خیرات و شرور، عوامل سعادت و شقاوت و بالاخره بایدها و نبایدها را خوب بشناسد و تمیز دهد. (امینی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷)

نتیجه می‌گیریم که تقوا در اسلام و متون دینی از اهمیت بالا برخوردار است؛ چرا که تقوا باعث حفظ و نگهداری انسان از گناه و بی‌عفتی می‌شود و یکی از راه‌های ترویج عفت است؛ اگر افراد جامعه به تقوا روی آورند، باعث می‌شود که جامعه‌ای پاک و سالم و عاری از هرگونه گناه داشته باشیم.

۳-۱-۱. معرفت

یکی دیگر از زمینه‌های فردی عفاف، معرفت و شناخت فواید عفاف و مضرات بی‌عفتی است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من عرف، کف» هر که معرفت داشته باشد، از انجام گناه باز ایستد. این آگاهی را از طریق مختلف می‌توان به دست آورد؛ معرفت با مطالعه کتاب‌ها و نشریاتی که در این زمینه‌ها نوشته شده‌اند، با عبرت گرفتن از حوادث زمان و تجربیاتی که دیگران داشته‌اند افزایش پیدا می‌کند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸۳).

۴-۱-۱. عزت نفس

در اخلاق اسلامی برای این که انسان را به سوی اخلاق حسنه سوق دهند، او

را به یک درون نگری تشویق می‌کنند تا حقیقت وجودی خود را کشف کند. وقتی انسان با گوهر هستی ذات خویش آشنایی یافت، درک می‌کند که هیچ‌گونه پستی با این جوهر عالی، سازگار نیست (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۵۳)

عزت نفس، یکی دیگر از راه‌کارهایی است که انسان با آن می‌تواند از آلوده شدن به گناه مصون بماند و توجه به عزت و کرامت می‌تواند عفت را در انسان پرورش دهد. در روایت از امام علی (ع) نقل شده است هرکس برای خودش بزرگی و کرامت قائل باشد، شهوت برایش پست می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹) اگر نگرش درستی از بلوغ و مسایل آن برای نوجوان و جوان شکا نگیرد و در نتیجه آن را کم‌ارزش یا بی‌ارزش قلمداد کند، زمینه گرایش به بزهکاری و انحرافات جنسی در او فراهم می‌شود. امام علی (ع) فرموده است: از شر کسی که نفس خود را خوار کرده است در امان نباش. (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۴۹)

۵-۱-۱. کنترل فکر

کنترل فکر یکی دیگر از راه‌کارهای ترویج عفت است. همان‌طور که حواس ظاهر نقش مهمی در تحریک میل جنسی دارند فکر و خیال‌پردازی نیز سهم بسزایی در این زمینه به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل یاد خدا در دور کردن افکار شیطانی و نفسانی در خواب و بیداری، نقش مهمی دارد، از این رو شایسته است که مربیان و والدین تمهیداتی فراهم کنند تا افراد تحت تربیت خود را از افکار منفی و خیال‌پردازی‌های رهایی بخشند و آنان را به یاد خدا و قیامت عادت دهند. حضرت علی (ع) فرمودند: هر کس که فکرش در گناه زیاد شد، او را به معاصی می‌کشاند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۳) برای این‌که انسان بتواند فکر و خیال خود را کنترل کند، لازم است از تنهایی و بیکاری دوری جوید؛ چرا که بسیار از فکرهای گناه‌آلود به همین دلیل به وجود می‌آید.

۲-۱. راه‌کارهای عملی

دین مقدس اسلام براین مطلب تأکید دارد که افراد برای دوری از گناهان، به

خصوص مواردی که سبب بی‌عفتی می‌شود، لازم است که عملاً و با انجام رفتارهایی عفت را در خود به وجود بیاورند. از جمله کارهای که دین توصیه کرده برای ترویج عفت به کار ببریم، توصیه زنان و مردان برای کنترل نگاه، داشتن تزکیه نفس، روزه گرفتن، حیا داشتن عبادت نمودن است و به خصوص از میان عبادات به نماز خواندن توجه ویژه شده است و نیز ازدواج نمودن از جمله راه کارهای مؤثر برای ترویج عفت عملی می‌باشد.

۱-۲-۱. کنترل نگاه

یکی از راه‌های ترویج عفت کنترل نگاه و چشم فرو بستن از نامحرم است. اسلام، چشم فرو بستن از نامحرم را واجب شمرده و خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» ای پیامبر (ص) به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است ... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را آشکار نمایند (نور، آیه ۳۰).

با توجه به این آیه، می‌توان گفت رابطه مستقیم بین گناه و بی‌عفتی وجود دارد؛ پس از هرچه موجب تحریک شهوت جنسی می‌شود و انسان را به گناه می‌کشاند، لازم است اجتناب کرد مثل نگاه کردن به فیلم‌های مبتذل، عکس‌های مهیج جنسی، برخی برنامه‌های ماهواره که به تربیت صدمه می‌زند. چشم کانال ورود اغلب چیزهایی است که به قلب می‌آیند و در نتیجه بر اندیشه انسان اثر می‌گذارد و نهایتاً رفتاری که از انسان سر می‌زند متأثر از چیزهایی است که چشم آن‌ها را دیده است. روایتی از اما حسن (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: بهترین عبادت، چشم پوشی از محرمات خدا است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۴)

تزکیه نفس

تزکیه نفس یکی دیگر از راه کارهای عملی ترویج عفت است؛ چون کسی که

نفس خودش را پاک گرداند دنبال عمل منافب عفت و گناه نمی‌رود.

مفهوم تزکیه

تزکیه به معنای شکوفایی استعدادها، بالندگی بوده و رشد و کمال یافتن، در معنای تزکیه مندرج است. قرآن این مفهوم را مقابل «تدسیه» به کار برده است. «قد افلح من زکاه و قد خاب من دساها» که هر کس نفس خد را پاک و تزکیه کرد رستگار شده (شمس، آیه ۱۰-۹) و آن که نفس خد را با مصیبت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است. در تفسیر این آیه آمده است: زکاه از ماده تزکیه به معنای نمو و رشد دادن است و این واژه به معنای تطهیر و پاک کردن نیز آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲۷، ص ۴۸).

مراد از تزکیه نفس

تزکیه نفس یعنی مراقب آفت‌های نفس بودن است، نفس مانند نهالی است که باغبان آن را می‌کارد او وقتی نهال را غرس کرد، شب و روز از آن مراقبت می‌کند؛ نفس نیز همین گونه است انسان باید از نفس خویش آفت‌زدایی کند. علمای اخلاق به این کار تخلیه می‌گویند؛ یعنی انسان باید خود را آفات تخلیه کند و آن‌ها را از صفحه ضمیر و نفس خود دور بریزد. در مرحله بعد و پس از تخلیه باید مراقب باشد آنچه را که برای سلامت نفس و رشد آن مفید است جذب کند.

۲-۱-۲. روزه

روزه یکی دیگر از راه‌کارهای ترویج عفت و تعدیل نیروی جنسی است. آثار زیادی برای روزه شمرده شده که به چند مورد اشاره می‌شود: ۱- فرو نشانیدن شهوت، ۲- تأثیر روزه بر جسم، ۳- تأثیر روزه بر روح و روان انسان. از طرفی روزه باید با قصد قربت و رضایت خدا همراه باشد و از طرف دیگر روزه‌دار باید از برخی از چیزهایی که در حالت عادی حلال است اجتناب کند. این مسأله موجب می‌شود که توجه روزه‌دار به خدا زیاده‌تر گردد و لحظه به لحظه بر ایمان

و تقوایش افزوده شود.

هر چه ایمان و تقوا بالا رود انسان کمتر به آلودگی فکری و رفتاری گرفتار می‌گردد. ایمان و تقوا که نیروی بازدارنده درونی‌اند همیشه با انسان همراه می‌باشند و مؤمن و متقی را از کارهای غیرشرعی باز می‌دارند. از این جهت است که روزه نقش مهمی در کاهش جرم و جنایت ایفا می‌کند. علاوه بر این، رشد ایمان و تقوا باعث افزایش غیرت و حیای انسان می‌شود. روزه در نظام جنسی تعدیل ایجاد می‌کند این باعث می‌شود انسان از گناه مصون بماند و عفت را بیشتر به دست بیاورد (اکبر، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

۳-۱-۲. حیا

یکی از زمینه‌های عفاف و در عین حال از ثمرات عفاف که از اصلی‌ترین موانع انحراف جنسی محسوب می‌شود، احساس حیا و شرم از انجام کارهای زشت است. چون یکی از عوامل درونی که انسان را به اعمال منافی عفت سوق می‌دهد فقدان حیا و شرم است. آثار سوء و زشتی بی‌حیائی آنقدر زیان‌بار و سنگین است که غیبت که درباره افراد بی‌حیا مجاز شمرده شده است.

حیا عامل بازدارنده‌ای است همچون لباس، تمام زشتی را می‌پوشاند و موجب پابندی انسان به قوانین و دستورات دین می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که حیا ندارد ایمان ندارد، (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۱۹۹). در برخی روایات عفت‌ورزی پس از با حیا بودن مطرح می‌شود، به نظر می‌آید حیا مقدم بر عفت است، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خداوند افراد با حیا و عفیف را دوست دارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۲۹). بنابراین، حیا موجب جمع و نظام‌بخشی خصال ایمان می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۴۷)

۴-۱-۲. عبادت

یکی دیگر از چیزهایی که باعث می‌شود انسان سراغ گناه نرود و عفت پیشه کند عبادت خداوند است. در قرآن آمده است: «یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذین

خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره، آیه ۲۱)، ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، پرستش کنید تا پرهیزگار شوید. عبادت در آیه به معنای تذلل و بندگی کردن است. با اطاعت و فرمانبرداری پس از نخستین قدم برای سالک راه تقوی و راه خودداری از گناه این است که در برابر پروردگار خود که به وجود آرونده و نگهدارنده و تربیت‌کننده او است از جان و دل عبودیت و بندگی داشته و تمام وجود او در اطاعت و فرمانبرداری خداوند مصروف گردد. اگر انسان به حقیقت عبودیت خود متوجه شد به مقتضای آن به وظایف خود در مقابل مقام ربوبیت عمل کرد به مرتبه تقوا و حفظ و خودداری رسیده و از تاریکی‌های اعمال و نیات و اعتقادات باطل و صفات حیوانی نجات خواهد یافت (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۲)

۵-۱-۲. نماز

یکی دیگر از راه‌های عملی که باعث ترویج عملی عفت می‌شود نماز است. نماز در مکتب انسان‌ساز اسلام از جایگاه ویژه برخوردار بوده و هیچ عملی از اعمال دینی با آن قابل مقایسه نیست و اگر خواسته باشیم تعالیم و دستورات دین را درجه‌بندی نموده و مراتب‌شان را مشخص نماییم، نماز در بالاترین درجه و مرتبه تعالیم دینی قرار دارد و از ارزشی برخوردار است که سایر ارزش‌های دینی در عرض آن قرار نمی‌گیرند. (خلیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸)

پس نماز را در دین جایگاهی بس بلند است؛ به منزله سر در بدن و روح در کالبد جسم است، همان‌گونه که بدن بی سر و جسم بی روح را ارزشی نیست، دین بی نماز را خیری نخواهد بود (خلیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸) نماز باعث دوری از گناهان و شهوت می‌شود که در قرآن می‌فرماید: «و اتل ما و احی الیک من الکتاب و اقم الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر و لذكر الله اکبر و اله یعلم ما تصنعون»، (عنکبوت، آیه ۱۴۵)، آنچه را از کتاب آسمانی به تو وحی شده است تلاوت کن و نماز را بر پا دار که نماز انسان را از زشتی‌ها و اعمال ناپسند باز می‌دارد و یاد خدا بزرگتر و برتر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید میداند.

هم‌چنین در احادیث زیاد به این مسأله اشاره شده است پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند «کسی که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد هیچ بهره‌ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۸)

۶-۱-۲. ازدواج

یکی دیگر از راه‌کارهای عملی ترویج عفت و مصون ماندن از گناه ازدواج است. ازدواج سنت دیرینه اجتماعی است که از آغاز زندگی بشر بوده و هست؛ پیمانی است مقدس که در بین تمام اقوام و ملل مذهبی و غیر مذهبی وجود داشته و دارد. در این پیمان مقدس زن و مرد زندگی مشترک را تأسیس می‌کنند و پیمان می‌بندند که یار و غم‌خوار هم باشند (امینی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). حضرت محمد (ص) فرمودند: هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوب‌تر و عزیزتر باشد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۲)

آیت الله مکارم در این زمینه می‌نویسد: بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان و آینده می‌بیند، به همین دلیل تمام ابتکار و استعداد خود را به کار می‌گیرد و از ظرفیت‌های وجودی خود کمال استفاده را می‌برد و به بالندگی بیشتری نائل می‌شود. کسی که تنها وسیله طبیعی و مشروع ارضای غریزه جنسی را در اختیار داشته باشد بعد از آن با نیروی ایمان می‌توان عفت و خویش را نگه دارد و دامنش را از زنا، لواط و نگاه کردن به نامحرم محفوظ بدارد اما برای کسی که ازدواج نکرده است تسلط بر نفس و کنترل غریزه جنسی بسیار دشوار است، بنابراین، ازدواج را می‌توان عامل مهم حفظ دین معرفی کرد، همان‌طور که در احادیث به این مطلب اشاره شده است. (مکارم، ۱۳۸۷، ص ۲۵)

ازدواج از نظر قرآن

سوره نور سوره عفاف و پاک‌دامنی معرفی شده است از آغاز سوره نور در بیشتر آیات برای پیش‌گیری از آلودگی‌ها جنسی پرداخته شده است که هر کدام

از آن‌ها تأثیر بسزای در پیش‌گیری و مبارزه با این آلودگی‌ها دارد. در این آیه به یکی از مهم‌ترین طرق مبارزه با فحشا اشاره می‌کند و آن ازدواج ساده و آسان است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: - ازدواج کن؛ زیرا برکت و عفت در ازدواج است. از مطالب بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارهایی مثل ایمان، تقوا، نماز و عبادت، ازدواج... از اموری هستند که به افراد کمک می‌کنند تا عفت‌ورزی داشته باشند و این نیرو را در خودشان تقویت بکنند و وقتی افراد دارای عفت شدند به تبع آن خانواده‌ها و جوامع نیز دارای عفت خواهند شد. ایمان به خدا و روز قیامت باعث می‌شود که انسان از فساد و گناه دست بردارد و اعمال منافی عفت انجام ندهد. تقوا مراقب نفس بر انجام دستورات خداوند و باز داشتن از گناه و معصیت است.

انسانی که عزت نفس دارد به طرف اعمال منافی عفت نمی‌رود و کسی که عاقبت کار را می‌داند به هر کاری دست نمی‌زند و اگر فکر انسان دور از گناه باشد به گناه آلوده نخواهد شد و کنترل نگاه از محرّمات موجب پاکدامنی می‌شود. تزکیه نفس و گرفتن روزه و عبادت به انسان کمک می‌کند تا عقیفانه زندگی کند و یکی دیگر از راه‌های ترویج عفت ازدواج است که موجب می‌شود انسان نیمی از دین خود را حفظ کند.

۲. شیوه‌های اجتماعی در ترویج عفت از منظر آیات و روایات

۲-۱. نقش خانواده در ترویج عفت

خانواده به عنوان کوچکترین نهاد جامعه و مرکز تجمع اعضای خانواده مسئولیت دارد تا عفت را در بین فرزندان گسترش بدهد تا فرزندان به سلامت وارد جامعه شده و به تبع آن جامعه‌ای سالم داشته باشیم، چون جامعه از همین افراد خانواده‌ها تشکیل می‌شود اگر خانواده بتواند فرزندان سالم و عقیف وارد جامعه بکند، جامعه‌ای عقیف و پاک خواهیم داشت.

از جمله کارهایی که درون خانواده باید انجام بگیرد تا اعضای خانواده، سالم

و عقیف باشند، فراهم کردن زمینه‌های ازدواج آسان برای جوانان، تربیتی دینی فرزندان توسط والدین، کیفیت پوشش پدر مادر در مقابل فرزندان و نحوه محبت کردن آن‌ها در مقابل فرزندان و وظایف زوجین نسبت به هم از مواردی هستند که باعث ترویج عفت در خانواده می‌گردند که در این بخش تحت دو گفتار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲-۲. نقش مرد در خانواده برای ترویج عفت

دین اسلام برای حفظ نظام خانواده وظایفی بر عهده مرد نهاده است، برخی از این تکالیف ارتباط مستقیم با حفظ عفت زنان دارد و باعث دلگرمی آن‌ها به زندگی و دوری از هوس‌بازی می‌شود این وظایف عبارتند از:

۲-۳. آرایش برای همسر

یکی از وظایف مردان برای حفظ پاکی و عفت همسر، نظافت و زیبایی جسمی و روحی است. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: همان‌گونه که مردان دوست دارند زینت را در زنان شان ببینند، زنان نیز دوست دارند زینت را در شوهران‌شان مشاهده کنند. تمیزی، زیبایی، مناسب‌پوشی، نیک‌خلقی از وظایف حتمی مرد در مقابل خانواده به ویژه همسر است، تصویر مردی با موهای ژولیده، لباس‌های چروکیده و ... همه این عوامل باعث می‌شود زنان نسبت به شوهران‌شان بی‌توجه شوند به مردهای نامحرم که مرتب و منظم هستند توجه پیدا کند و باعث عمل منافی عفت شود و اگر خدای متعال وی را هدایت نکند به آلودگی جنسی گرفتار می‌شوند. امام کاظم (ع) می‌فرماید: آراسته بودن مرد برای زن از عواملی است که بر پاکدامنی زن می‌افزاید (ری شهری، بی‌تا، ص ۳۱۵).

۲-۴. محبت به همسر

زن در نظام تکوین مظهر محبوبیت است؛ لذا نیاز و علاقه‌ی طبیعی او این است که قلب مرد را تسخیر کرده و محبوب دل او باشد و آن هم به‌صورت همیشگی و مادام‌العمر. بسیاری از خیانت‌ها و انحراف‌ها و ناسازگاری‌های زنان

از این سرچشمه می‌گیرد که مردان نیاز آنان به محبت را درک نمی‌کنند زن می‌خواهد که محبوب شوهرش باشد و اگر چنین نشد شاید محبت را نزد دیگران جستجو کند (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۵۹).

به قول ویل دورانت: زن وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه‌ی حیات او است. به مقتضای طبیعتش دوست دارد در قلب یک مرد جا گرفته و او را برای همیشه نزد خود نگه دارد. لذا گفته شده هیچ لذتی برای زن بالاتر از این نیست که همیشه در کنار مرد مورد علاقه‌اش به سر برد و خوشبختی خود را در این می‌داند.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بهترین شما کسی است که بهترین شخص برای خانواده‌اش باشد و من بهترین فرد برای خانواده‌ام هستم. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۵۶) امام جعفر صادق به نقل از رسول اکرم فرمودند: جبرئیل آن قدر راجع به زن به من سفارش کرد که گمان کردم جز در کار زشت نمی‌شود زن را طلاق داد. از این حدیث معلوم می‌شود که زنان نزد ائمه معصوم اهمیت ویژه داشتند و باید برخورد خود را با آن‌ها عیار کرد. از پیامبر (ص) نقل شده که فرمودند: هدیه شوهر به همسرش عفت را در وی می‌افزاید (همان)

۲-۵. غیرت نسبت به خانواده

غیرت و تعصب ناموسی از عوامل اساسی عفت است و غیرت در لغت تعصب، جمیت و حفظ ناموس را می‌گویند و غیرتمند کسی است که مواظب نواامیس خود خواهر، دختر و همسر و... است و جلو انحرافات احتمالی آنان را می‌گیرد و نمی‌گذارد که با نامحرم تماس بگیرند و با او نشست و برخاست داشته باشند و از رفت‌وآمد افراد بی‌تقوا در منزلش جلوگیری می‌کند.

احساس غیرت در انسان مانند پاسبانی است که باعث می‌شود نسل‌ها با هم مختلط نشوند و نظام خانواده از هم نگسلد؛ اگر غیرت نبود هرج و مرج در روابط بین زنان و مردان پیش می‌آمد و نسبت هیچ کس مشخص نمی‌شد.

هرچه انسان بیشتر با تمایلات نفسانی و خواسته‌های شهوانی مبارزه کند و ریشه آن را در وجودش بخشکند و به تمام معنا انسان درست گردد غیورتر می‌شود و حتی به ناموس دیگران چون ناموس خود می‌نگرد و در مورد همه آنان حساسیت به خرج می‌دهد، به خود اجازه نمی‌دهند که به ناموس دیگران خیانت کند، او می‌داند که اگر به ناموس یگری نظر سوئی داشته باشد مطمئناً ناموس او نیز مورد سوء نظر دیگران قرار خواهد گرفت. بنابراین غیرتش به او اجازه بی‌عفتی نمی‌دهد. امام صادق (ع) فرمودند: نسبت به زنان عفت کنید تا زنان‌تان عفیف بماند (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۶۳)

۲-۶. عشق زن به شوهر

یکی از وظایف زن در ترویج عفت عشق زن به شوهر می‌باشد. مرد هم نیاز به محبت و علاقه دارد چون این غریزه فطری است که در همه وجود دارد که محبوب کسی باشد. به خاطر این مرد هم دوست دارد که زن به او محبت و علاقه داشته باشد و اگر علاقه و محبت به شوهر نداشته باشد، شوهر به خاطر نیازش دنبال کسی دیگر می‌رود و از زن خودش دور می‌شود. زن باید این علاقه و محبت را ظاهر کند در مورد عشق و علاقه زن به شوهر روایات زیادی وجود دارد.

امام رضا (ع) می‌فرماید: بدان که زنان چند گروه‌اند: یک گروه از زنان گنج و غنیمت محسوب می‌شود این گروه زنانی هستند که شوهران خود را دوست داشته، به آنها عشق می‌ورزند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۳۴). بهترین نمونه و الگو برای زندگی کردن برای زنان حضرت زهرا (س) است و ما باید از ایشان درس بگیریم، علاقه‌ی حضرت زهرا (س) نسبت به شوهر باید الگو علاقه و محبت هر زن مسلمان باشد.

۲-۷. تمکین

انگیزه جنسی از اساسی‌ترین سائق‌ها در تداوم نسل می‌باشد که در بین انواع حیوانات متداول و برای انسان نیز کاملاً شناخته شده است. تمایلات جنسی

به‌عنوان یک غریزه‌ی فیزیولوژیک عمدتاً در تعامل روابط خانوادگی آموخته شده و بروز می‌یابد. زن و شوهر از این غریزه‌ی طبیعی جهت تولید مثل و تداوم نسل بهره می‌جویند. این نیروی قوی بدون کنترل‌های دقیق خانوادگی، اجتماعی و اخلاقی می‌تواند فرد و جامعه را به تباهی بکشانند. در زمینه‌های زندگی زناشویی و اخلاقی، علاقه بین زن و شوهر به انواع مختلف تشویق می‌شود که متمایز با روابط آنان با افراد خارج از خانه است.

روابط جنسی در طول سال‌های زندگی و ارتباطات و پیوستگی‌های جنسی عشقی بین آنان رشد و عمق می‌یابد. در زندگی عشق بیش از صرف هیجانات عاشقانه است و در طی این سال‌ها توجه و علاقه به یکدیگر و تأمین رفاه و آسایش همدیگر آموخته می‌شود. غریزه جنسی نه تنها بد و منفور نیست بلکه یکی از گرایش بسیار سودمند می‌باشد. به وسیله‌ی این غریزه است که نسل انسان باقی می‌ماند؛ به‌علاوه ارضای غریزه جنسی یکی از لذایذ زندگی و موجب دلگرمی و شور شوق حیات است. اگر حیات درست هدایت شود زندگی انسان را قرین آرامش و آسایش می‌کند و زیبا می‌سازد. (امینی، ۱۳۸۰، ص ۶۱)

امام صادق (ع) می‌فرماید: بهترین زنان شما کسی است که چون با شوهرش خلوت کند، پیراهن حیا را از تن آوردند و چون بپوشند و همراه او باشد زره حیا بر تن کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۵).

۳. نقش والدین نسبت به فرزندان در ترویج عفت

یکی از حساس‌ترین مسائل زندگی کودکان، تربیت و مراقبت جنسی است. اگر غریزی جنسی کودکان در جامعه مورد مراقبت قرار نگیرد و آن‌ها شاهد آمیزش‌ها و صحنه‌های مجامعت و ملاعبت بزرگ‌ترها باشند، زمینه‌های تحریک جنسی جوانان و نوجوانان را می‌پوشاند (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۷۳).

۳-۱. اجازه ورود گرفتن

خداوند در قرآن دستور داده فرزندان هنگام ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ » (نور، آیه ۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است.

خداوند در آیه دیگر همین سوره می‌فرماید: «و اِذَا بَلَغَ الْاطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» و آنکه اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند مانند سایر بالغان البته همه وقت با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را برای شما به این روشنی بیان می‌کند که او به صالح بندگان دانا و حکیم است (نور، آیه ۵۹).

۲-۳. تربیت دینی فرزندان

صفات خوب و بد والدین در کودکان تأثیر می‌گذارد، حتی در دوران جنین غذای مادر از جهت معنوی و مادی اثر می‌کند؛ لذا متخصصان می‌گویند: مادری که معتاد باشد، بچه او در همان رحم مادرش معتاد است. به‌طور کلی از جهت قانون وراثت تمام صفات زیبا و زشت و حالات روحی و جسمی والدین در اطفال تأثیر خواهد داشت. تقوا و بی‌تقوایی و نیز عفت و بی‌عفتی زن در دخترش اثر دارد و این موضوع نه تنها شرع مقدس اسلام و قانون وراثت بلکه تجربه و تاریخ ثابت کرده است.

در نتیجه زنی که بدحجاب است و با لباس مبتذل و محرک و شهوت‌آمیز در خیابان ظاهر می‌شود، ضمن این‌که منشأ انحراف و فساد در جامعه می‌باشد و عواقب شوم آن در دنیا و آخرت نصیب خودش می‌شود، آینده فرزند خود مخصوصاً دخترش را به خطر می‌اندازد. برای آنکه دختر اخلاق و روش مادرش الگو قرار می‌دهد و از آن پیروی می‌کند و به خاطر همین تقلید فرزندش در آینده نه تنها مثل مادرش بلکه گاهی به مراتب از مادر بدتر می‌شود؛ لذا مادرانی که آرزو دارند فرزند و میوه دل‌شان به سعادت دنیا و آخرت برسد از این گونه کارها و حرکات اجتناب می‌کند.

۴. نقش جامعه در ترویج عفت

این حوزه را دو گروه حاکمان و مردم تشکیل می‌دهند. هر کدام وظایفی دارند که عمل به این وظایف و محترم شمردن آن‌ها ضامن سعادت و سلامت فرد و اجتماع خواهد بود. میزان اثرگذاری این دو گروه بر یکدیگر از اثرگذاری متقابل اعضای خانواده کمتر نیست؛ لذا جامعه نقش مهمی در سازندگی انسان می‌تواند ایفا کند؛ همانطور که عکس این هم صادق است که در بحث راه‌کارهای فردی به آن‌ها اشاره شد.

۴-۱. مرز روابط در معاشرت‌های اجتماعی

در آیات و روایات مختلفی برای روابط زن و مرد حدود و مرزهایی تعریف شده است که توجه به این مرزها باعث کم شدن گناه در جامعه می‌گردد:

۴-۲. رعایت آداب سخن گفتن با نامحرم

یکی دیگر از عواملی که روایات به‌عنوان زمینه فساد و اعمال منافی عفت ذکر کرده، بی‌پروایی در گفتگو با زنان است و یکی از لذت‌های که مرد از زن می‌برد همین گفتگوی توأم با شهوت و بی‌پروایی است که موجب مرگ قلب و ضعف عقل می‌شود و اگر ادامه پیدا کند موجب نزدیکی و فتنه می‌شود. که در دو بحث مطرح شده است: الف- آهنگ سخن: قرآن با تمام تأکید از این‌که

لحن کلام و آهنگ سخن هیجان‌انگیز باشد جلوگیری کرده است. در قرآن آمده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» در سخن گفتن خاضع و نرم نباشید مبدا آن که دلش بیمار باشد به طمع بیفتد و سخن شایسته بگوید. (احزاب آیه ۳۲) بنابراین، زن نباید ناروا سخن بگوید و کلماتی هیجان‌آلود به زبان جاری نماید. قطبی می‌نویسد: مقصود از قول معروف، سخن صواب و درستی است که شریعت و نفوس آدمی بپسندد.

۳-۴. پرهیز از شوخی با نامحرم

یکی از مظاهر سخن با نامحرم، شوخی و مزاح با زن یا مردان نامحرم است. در بحث از سخن گفتن با دو مقوله سماع یعنی شنیدن و اسماع یعنی شنواندن نیز مواجه می‌شویم. (طیبی، بی‌تا، ص ۱۹۰) شرایط سخن گفتن زن با مرد از نظر شرعی عبارتند از: ۱. با قصد لذت نباشد، ۲. با قصد به حرام انداختن مرد نامحرم نباشد ۳. احتمال وقوع در حرام نباشد، ۴. سخنان مهیج و شهوت‌انگیز نگوید ۵. شیوه سخن گفتن زن تحریک‌آمیز و مهیج نباشد ۶. در حد ضرورت باشد.

۴-۴. پرهیز از خلوت کردن با نامحرم

یکی دیگر از عوامل محرک جنسی و در نتیجه بی‌عفتی، خلوت کردن با زن نامحرم است. به‌طور معمول اگر انسان‌ها به‌صورت گروهی گردهم آیند البته هدف آنان گناه نباشد از گناه جنسی دورترند. (منقی‌فر، ۱۳۸۸، ص ۶۱)

چیزی که روابط زن و مرد را بحرانی می‌نماید، معاشرت و اختلاط زن و مرد در محیط‌های خلوت و به دور از چشم دیگران است. مثلاً معاشرت زن و مرد در خانه خلوت، پارک‌های خلوت و تمام محیط‌های که انسان را از چشم دیگران دور و پنهان می‌نماید. در روایات بسیار هشدار داده شده که زن و مرد باید از مصاحبت و معاشرت در محیط خلوت و به دور از انظار دیگران پرهیز نماید؛ چون دل را به فساد و به تمنای اعمال منافی عفت می‌کشاند و بالاخره به فتنه

دچار می‌سازد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: سبب اعمال منافی عفت و فجور خلوت با زن نامحرم است (محمّدی ری شهری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۵۶)

۵-۴. حفظ وقار

یکی از شرایط برای حضور زن در اجتماع، حفظ وقار و عفاف در روش و منش است. در قرآن کریم و در روایات متعدد به مظاهر و نمودهای این مسأله اشاره‌های گوناگون می‌توان یافت که به برخی اشاره می‌شود:

الف- وقار در رفت‌وآمد

رفت‌وآمد و حضور عینی زن در اجتماع تحریک‌آمیز نباشد، قرآن در این مورد به‌عنوان ترسیم آموزنده از روش حرکت عفاف‌آمیز دختران شعیب پیامبر می‌گوید: «چیزی دیر نشد یکی از آن دو دختر، دختران شعیب که به وقار راه می‌رفت نزد حضرت موسی آمد گفت: پدرم ترا می‌خواند تا مزد آب دادنت را بدهد. گویا گام زدن او جلوه تمام‌عیار شرم یا و عفاف است که قرآن بدین سان از آن یاد می‌کند. علامه طباطبایی می‌گوید: نکره آمدن استحياء به‌منظور اهمیت مسأله است و مقصود از آن با حالت شرم راه رفتن این است که عفت و نجابت از طریق راه رفتن آشکار بود.

ب- وقار در راه رفتن

حضور زن در اجتماع، باید با وقار و متانت بوده و از هیجان‌انگیزی و ایجاد زمینه‌های فساد به دور باشد. در قرآن کریم به رهنمودهای آموزنده در این باره برخورد می‌کنیم، در آیه ۳۰ سوره نور پس از آنکه چشم‌چرانی به‌طور عام مورد توجه قرار می‌گیرد و مردان و زنان مؤمن از نگاه‌های شهوت‌آلود نهی می‌شوند به جنبه دیگری از مسأله پرداخته است و چون اسلام در مسائل مربوط به عفت عمومی تا آن‌جا سخت‌گیر است که اجازه کوچک‌ترین رفتار و حرکت تحریک‌آمیز نمی‌دهد (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۶۵)

۶-۴. پرهیز از خودنمایی

از جمله شرایط برای حضور زن در اجتماع، پیراستگی از «تزین» و «تبرج» است. آرایش زن و بستن پیرایه بر اندام بی‌گمان زمینه‌های توجه را به وجود می‌آورد و دلربایی را در پی خواهد داشت. اسلام از این‌که زن بدین گونه در میان اجتماع حضور یابد و در مقابل نامحرم قرار گیرد، نهی می‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب، آیه ۳۳)، مانند جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خو آرایی از خانه بیرون نشوید. روشن است که مراد محصور ساختن زن در خانه و بریدن ارتباط او با اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه یعنی زنان پیامبر (ص) به شهادت تاریخ همراه پیامبر (ص) به مسافرت رفته در جنگ‌ها شرکت جسته و پیامبر نیز منعی نفرموده است. پس هر نوع خودنمایی و جلب توجه در مقابل نامحرم ممنوع است.

۷-۴. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از راه‌کارهای ترویج عفت در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر است، اگر بپذیریم که افراد جامعه، همانند اعضای یک بدن می‌باشند هنگامی که فرد دچار بیماری روحی، روانی و اخلاقی شود بر عموم لازم است که در جهت نجات وی سعی و تلاش کنند تا رنج این بیماری به آن‌ها سرایت نکند. پس برای ترویج عفت و پرهیز از عمل منافی عفت باید امر و نهی کرد (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۶۷-۶۶).

در میان تکالیف و فرائض، کمتر تکلیفی مانند این فریضه مؤثر در اصلاح امم و تکامل جوامع و گسترش عفت در جامعه است. اسلام این فریضه را بسیار بزرگ شمرده و راجع به آن انواع تأکیدات و ترغیبات نموده و انتظام جامعه و حفظ شوکت مسلمانان را به آن موقوف کرده است (قرائتی، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

قرآن در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شدید، چه هر آینه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. (آل عمران، آیه ۱۱۰) این آیه مبارکه، امت اسلامی را بهترین امت دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۱). بنابراین، مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می‌شوند که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد، نه بهترین امت‌اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود. نکته دیگر این‌که در این جا امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان به خدا مقدم داشته شده است و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فیضه بزرگ الهی است؛ به علاوه انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است.

۸-۴. حجاب

یکی از راه‌های ترویج عفت در جامعه، حجاب و پوشش است که در اسلام به آن سفارش فراوانی شده است. (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۶۸) حجاب و پوشش به عنوان یک حکم الهی از سوی شارع حکیم، علیم و خبیر تشریع شده است. علت‌های مختلفی برای حجاب و پوشش زنان بیان شده‌اند:

الف: طهارت و پاکی نفس آن‌ها «اعم از زن و مرد از مهم‌ترین فلسفه‌های فردی پوشش زنان است».

ب: عامل فلاح و رستگاری است.

ج: سلامت و بهداشت روانی فرد است.

د: ارتقاء سطح منزلت و مقام انسانی زن به آن بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

«عفاف» در آموزه‌های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و همواره از آن به‌عنوان قوی‌ترین نیروی تعدیل‌گر ایز و شهوات انسانی یاد می‌شود. برای ترویج عفت شیوه‌های بیان شده است که در آن‌ها نقش خانواده خیلی مهم دانسته شده است و زن و مرد در آن نقش بسیار موثری دارند و اگر هر یک حقوق متقابل را رعایت کنند، هر دو از مسیر صحیح منحرف نمی‌شوند و بیرون از خانه را محلی برای تأمین خواسته‌های شان نمی‌یابند و دچار اعمال منافی عفت نمی‌گردند.

غیر از نقش خانواده، نقش اجتماع در تأمین عفت عمومی بسیار مؤثر است. اگر در اجتماع مرز روابط زن و مرد همچون نحوه سخن گفتن، خلوت کردن و غیره رعایت نشود اجتماع شکل بدی را به خودش می‌گیرد و پاکدامنی از بین می‌رود. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت، مرد نقش مهمی در ترویج عفت در خانواده دارد؛ مانند محبت به همسر و ... باعث می‌شود زن به گناه نیفتد.

زن هم نقش مهمی در ترویج عفت در خانواده دارد و اگر از شوهر اطاعت کند و حق را ادا کند شوهرش اعمال منافی عفت را انجام نمی‌دهد. والدین با رعایت رفتار خود مقابل فرزندان‌شان در ترویج عفت به آن‌ها کمک می‌کنند. یکی دیگر از راه‌های ترویج عفت مرز روابط در معاشرت‌های اجتماعی بین زن و مرد می‌باشد؛ از قبیل طرز سخن گفتن با نامحرم و پرهیز از خلوت و اختلاط با نامحرم. حجاب توسط خانم‌ها سبب می‌شود که مردان در جامعه از مسیر درست منحرف نشوند. در هر حال، رعایت عفاف می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نائل گرداند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابری محمود، عفت و پاکدامنی در اسلام، انتشارات قم، ۱۳۸۸.
۲. -----، مروارید عفاف، انتشارات قم المقدس، ۱۳۸۰.
۳. امینی، ابراهیم، ازدواج و موانع و راه حل‌ها، مؤسسه بوستان کتاب، قم ۱۳۹۰.
۴. -----، خودسازی تزکیه و تهذیب، شفق، ۱۳۸۰.
۵. -----، جوان و همسرگزینی، مؤسسه بوستان کتاب، قم ۱۳۸۷.
۶. بهتاش، یدالله، حقوق متقابل زن و شوهر، سحان، تهران، ۱۳۸۰.
۷. بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.
۸. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و در الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶.
۹. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، اسراء، ۱۳۸۶.
۱۰. حافظ، ثابت، تربیت جنسی در اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵.
۱۱. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مؤسسه دار الحدیث، ۱۴۱۹.
۱۲. رشیدی، حسین، حریم عفاف، حجاب از دیدگاه آیات روایات، ازیان، بی‌جا، ۱۳۸۵.
۱۳. شریفی، احمد حسین، آیین زندگی، دفتر معارف، تهران، ۱۳۷۶.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، «المیزان» ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵، ۱۳۶۴.
۱۵. قرائتی، محسن، امر به معروف و نهی از منکر، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، تهران، ۱۳۸۹.

مصادیق جرم در قرآن کریم

قیام الدین میرزاد^۱

۱. ماستری تفسیر و علوم قرآن

چکیده

جرم ارتکاب یا امتناع از فعلی است که شریعت بر حرام بودن آن تصریح نموده است و مجازاتی را بر آن تعیین نموده است. نخستین جنایت وحشتناکی که در جهان رخ داد از طرف قابیل علیه برادرش هابیل بود که به قتل هابیل منجر گردید. بدین گونه جنایت در دودمان آدم همچنان باقی ماند و بی گمان این پدیده شوم نسل اندر نسل انسان ادامه پیدا خواهد کرد. چراکه جرم از طبیعت انسان پدید می آید به لحاظ این که انسان مرکب از بالاترین مظاهر پاکی و پست ترین مظاهر پلیدی است، مظاهر دسته دوم است که مایه ارتکاب جرائم و معاصی می گردد. شیوه درمان این بیماران شناخت و مجازات آن ها است؛ بنابراین خداوند تبارک و تعالی جهت آگاهی بندگان خویش مفهوم جرم را در قالب واژه های مختلف و در افعال گوناگون به کار برده است تا باشد که این پدیده شوم را به شکل هویدا بیان نموده و از شیوع آن جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: جرم، مصادیق، قرآن کریم.

مقدمه

عملکرد هر انسان تابع نگرش او است؛ بنابراین اگر خواسته باشیم رفتار کسی را اصلاح و از ارتکاب هرگونه جرم و گناه جلوگیری کنیم در قدم نخست باید بینش او را نسبت به مسأله مورد نظر اصلاح نماییم. خداوند در قرآن کریم پیام‌های را به انسان‌ها داده است که به اشکال مختلف باعث آگاهی انسان در موارد مختلف می‌شود. از جمله این‌که او را از عاقبت گناه و جرم آگاه نموده و از این طریق خواسته است انسان را از ارتکاب اعمال زشت بر حذر دارد. پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا مصادیق جرم در قرآن کریم وجود دارد؟ قرآن کدام عمل انسان‌ها را جرم دانسته است؟

جرم پدیده‌ای است که در تاریخ متمدنی بشر دامن‌گیر جامعه انسانی بوده و در هیچ مقطع تاریخی انسان از گزند آن در امان نبوده است. به همین جهت این پدیده شوم نه تنها در قوانین وضعی بشر مورد توجه قرار گرفته است، بلکه قرآن کریم نیز در مورد مصادیق جرم رهنمودهای به بشر داده شده است. درباره احکام جرم نیز در قرآن توجه جدی صورت گرفته است؛ و همچنین کیفرهایی نیز در نظر گرفته است. قرآن کریم جرم را ذیل واژه‌های مختلف بیان نموده است و هر کدام از بخشی از آثار شوم جرم پرده برمی‌دارد که این بیانگر متنوع و گوناگون بودن جرم است.

۱. مصادیق جرم در قرآن کریم

در قرآن کریم به مصادیق گوناگون جرم اشاره شده است که به برخی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱. ممانعت از زیارت خانه‌ی خدا

ممانعت از زیارت خانه‌ی خدا از جمله مصادیق جرم است. خداوند تبارک و تعالی چنین می‌فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا وَ تَعَاوَنُوْا عَلٰى الْبِرِّ وَ التَّقْوٰی وَ لَا تَعَاوَنُوْا عَلٰى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ

اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، ۲). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانی‌های بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به‌دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانعی ندارد. و خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

خداوند تبارک و تعالی در این آیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید اگر جمعی از مشرکان در جریان صلح حدیبیه مانع زیارت شما از خانه خدا شدند، این نباید موجب کینه ورزی شما پس از اسلام آوردن آنان در هنگامی که شما بر آن مسلط هستید، شود و باعث گردد آنان را از انجام مناسک خانه خدا منع و به حقوق آنان و امنیت جانی، مالی و آبرویی ایشان تعدی و تجاوز نمایید. حال که خدا شما را بر آنان مسلط کرده است و بال این جرم بر شما تحمیل نشود.

۲-۱. عناد نسبت به آیات الهی

« وَ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » (انعام، ۵۵)، و اینگونه آیات خود را به روشنی بیان می‌کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود. بنابراین، معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود که این طور معارف الهی را شرح داده و بعضی را از بعضی جدا و متمایز نموده و ابهامی که عارض بر آن شده بود از بین بردیم تا این که راه مجرمین روشن و رسوایی‌شان برملا گردد و در نتیجه مؤمنین از آن راه دوری نمایند؛ بنابراین مراد از «روش مجرمین» آن طریقه‌ای است که در مقابل آیات ناطق به توحید و معارف حقه‌ای که متعلق به توحید است به‌کار می‌برند و آن طریقه همانا انکار و عناد و اعراض از آیات و کفران نعمت است.

۳-۱. مکر و نیرنگ در برابر دعوت انبیا

قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ» (انعام، ۱۲۳)، و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم؛ اما آنها سوء استفاده کرده، و راه خطا پیش گرفتند؛ و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می‌دهند و نمی‌فهمند.

در این آیه خداند تبارک و تعالی با اشاره به وضع سران کفر و فساد آنان را افراد مکار نیرنگ‌باز معرفی کرده است. خداوند کسانی را که تلاش می‌کنند مردم را از راه راست منحرف سازند، به‌عنوان مجرم یاد کرده است.

۴-۱. تکذیب نبوت پیامبر اسلام

«فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (انعام، ۱۴۷)، اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده‌ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است). در این آیه شریفه خداوند ضمن بیان وسعت رحمت خویش کسانی را که به تکذیب رسول اکرم (ص) ادامه می‌دهند تعبیر به محرم نموده و آنان را به مجازات حتمی تهدید می‌کند.

۵-۱. افترا بستن بر خداوند و تکذیب آیات الهی

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (اعراف، ۴۰)، کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می‌دهیم.

در حدیثی از امام باقر (ع) چنین می‌خوانیم: اما المؤمنون فترفع اعمالهم و

ارواحهم الى السماء فتفتح لهم ابوابها و اما الکافر فیصعد بعمله و روحه حتی اذا بلغ الى السماء نادى مناد اهبطوا به الى سجين»، اما مؤمنان، اعمال و ارواحشان به سوى آسمانها برده می شود و درهای آسمان به روی آنها گشوده خواهد شد، اما کافر روح و عملش را بالا می برند تا به آسمان برسد در این هنگام کسی صدا می زند آن را به سوى سجين (دوزخ) پائین ببرید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۵۴).

ممکن است منظور از آسمان در این جا معنا ظاهر آن باشد و نیز ممکن است کنایه از مقام قرب خداوند بوده باشد، همانطور که در آیه ۹ سوره فاطر می خوانیم: «الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه». سخنان پاکیزه به سوى او بالا می روند و عمل صالح ترفیع می دهد. سپس اضافه می کند: آنها وارد بهشت نخواهند شد تا زمانی که شتر از سوراخ سوزن بگذرد (ولایدخلون الجنة حتی یلج الجمال فی السم الخياط).

این تعبیر کنایه لطیفی از محال بودن این امر است؛ در واقع برای این که عدم امکان دخول این افراد در بهشت به صورت مسأله حسی درآید این مثال انتخاب شده است. همانطور که هیچ کسی تردید ندارد که ممکن نیست شتر با آن جثه بزرگش از سوراخ باریک سوزن عبور کند، همین طور مسلم بدانند راهی برای ورود افراد بی ایمان متکبر در بهشت مطلقاً وجود ندارد. در پایان آیه برای تأیید و توضیح بیشتر اضافه می کند: این چنین گنهکاران را کیفر می دهیم «و کذلک نجزی المجرمین» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷۰).

۶-۱. عمل زشت لواط

«إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَ مَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَطَهَّرُونَ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (اعراف، ۸۱-۸۴)، آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟ شما جمعیت تجاوزکاری هستید! ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود

که گفتند اینها را از شهر و آبادی خود بیرون کنید که اینها افراد متظاهری هستند. (چون کار به اینجا رسید) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم جز همسرش که با بازماندگان (در شهر) بود. و (سپس چنان) بارانی بر آنها فرستادیم (بارانی از سنگ که آنها را نابود ساخت) اکنون بنگر سرانجام کار مجرمان به کجا کشید. در این آیه شریفه خداوند مردان قوم لوط را که جهت عمل زشت‌شان که همجنس بازی بود مجرم خوانده است و از مجازات دنیوی با بارش از سنگ همراه بوده خبر داده است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۴۳).

۷-۱. استهزا پیامبر اسلام

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤْنَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةٌ بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (توبه، ۶۵-۶۶) منافقان از آن بیم دارند که آیه‌ای بر ضد آنها نازل گردد و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد، بگو: استهزا کنید، خداوند آنچه را از آن بیم دارید آشکار می‌سازد. و اگر از آنها پرسشی (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید) می‌گویند ما بازی و شوخی می‌کردیم، بگو آیا خدا، و آیات او، و پیامبرش را مسخره می‌کنید. (بگو) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است، چرا که) شما پس از ایمان آوردن کافر شدید، اگر گروهی از شما را (به خاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد، زیرا آنها مجرم بودند.

۸-۱. شرک ورزیدن به خداوند

«قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَ نَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ وَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَندَاداً وَ أَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سباء، ۳۲-۳۳)، کافران گفتند: ما هرگز به این قرآن و کتب دیگر که قبل از آن بوده

ایمان نخواهیم آورد، اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) بازداشت شده‌اند (از وضع آن‌ها تعجب می‌کنی) در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، مستضعفان به مستکبران می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم! (اما) مستکبران به مستضعفان پاسخ می‌دهند: آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آن که به سراغ شما آمد (و آن را به خوبی دریافتید) بلکه شما خود مجرم بودید. مستضعفان به مستکبران می‌گویند و سوسه‌های فریب‌کارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد) هنگامی که به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم و شریک‌هایی برای او قرار دهیم آنها هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند ندامت خود را کتمان می‌کنند (مبادا بیشتر رسوا شوند) و ما غل و زنجیر در گردن کافران می‌نهم آیا جز آنچه عمل می‌کردند به آن‌ها جزا داده می‌شود؟!

در این آیه می‌خوانیم که مجرمان ندامت خود را پنهان می‌کنند در حالی که در آیات و روایات دیگر آمده که آنان ندامت خود را آشکار می‌کنند. این تفاوت به خاطر آن است که مواقف قیامت متفاوت است اگر چه به گفته راغب در مفردات خود «اسروا الندامه» هم به معنای اظهار ندامت است و هم به معنای مخفی کردن ندامت و لی با توجه به حدیثی از امام صادق ع وارد شده است که مراد همان مخفی کردن ندامت است. امام صادق ع در پاسخ این سؤال که نگاه داشتن ندامت در دل برای چیست؟ فرمود برای آنکه از سرنش دیگران دور بماند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷ ص ۴۴۸). بنابراین، طبق ظاهر آیه جرمی که مورد مخاصمه این دو گروه قرار گرفته است کفر و شرک می‌باشد.

۹-۱. همکاری با حکومت فرعونیان

« قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ » (قصص، ۱۷). موسی گفت: پروردگارا به شکرانه نعمتی که به من دادی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود. مراد از مجرمین فرعون و قوم اوست و معنای این جمله عهد و پیمانی است از سوی موسی که دیگر هیچ مجرمی را در جرمش کمک نکند، تا شکر نعمتهایی

را که به وی ارزانی داشته به جا آورده باشد، و مراد از نعمت، با در نظر گرفتن اینکه قیدی به آن نزده، ولایت الهی است. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۶ ص ۲۵). خلاصه این که آیه فوق همکاری با حکومت طاغوت و ستمگر را جرم بیان نموده است.

۱-۱۰. تکذیب انبیاء الهی

در این مورد خداوند چنین می‌فرماید: «أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ» (دخان، ۳۷) آیا آنان بهترند یا قوم «تبع» و کسانی که پیش از آنها بودند. ما آنان را هلاک کردیم، چرا که مجرم بودند.

۱-۱۱. تمسخر مؤمنان

«إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ» (مطففین، ۲۹)، بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند. خنده‌ای تمسخرآمیز و تحقیرکننده، خنده‌ای که از روح طغیان و کبر و غرور و غفلت ناشی می‌شود و همیشه افراد سبکسر و مغرور در برابر مؤمنان با تقوا چنین خنده‌های مستانه داشته‌اند. ضمناً تعبیر به «اجرموا» به جای «کفروا» نشان می‌دهد که افراد کافر و بی‌ایمان را از اعمال گناه‌آلودشان می‌توان شناخت؛ چرا که همیشه کفر سرچشمه جرم و عصیان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۲۸۴).

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی آیات که در آن‌ها مصادیق «جرم» ذکر شده است می‌توان به نتایج ذیل دست یافت.

۱. اصطلاح جرم در قرآن اعم از نقض حق الله و هم حق عبد است. خداوند تبارک و تعالی ممانعت از زیارت خانه خدا، تعدی و تجاوز به زیارت‌کنندگان، اعراض از آیات الهی، کفران نعمت‌های خداوند، تکذیب نمودن آیات الهی، عمل زشت لواط، استهزاء پیامبر اسلام و کفر و شرک‌ورزی به خداوند را جرم شمرده و مرتکبین را تهدید به عذاب نموده است.

۲. معنای جرم مشروط به داشتن مجازات خاص دنیایی نیست؛ از دیدگاه قرآن برخی رفتارها جرم است حتی اگر مجازاتی در این دنیا برای آنها تعرف نشده باشد.

۳. مشتقات واژه جرم در قرآن در معنای گناه کبیره و برزگی است که دارای عقوبت اخروی است به کار رفته است.

منابع

قرآن کریم

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۸) سید محمد باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ناشر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. قرائتی محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ناشر، دارالکتب الاسلامیه.